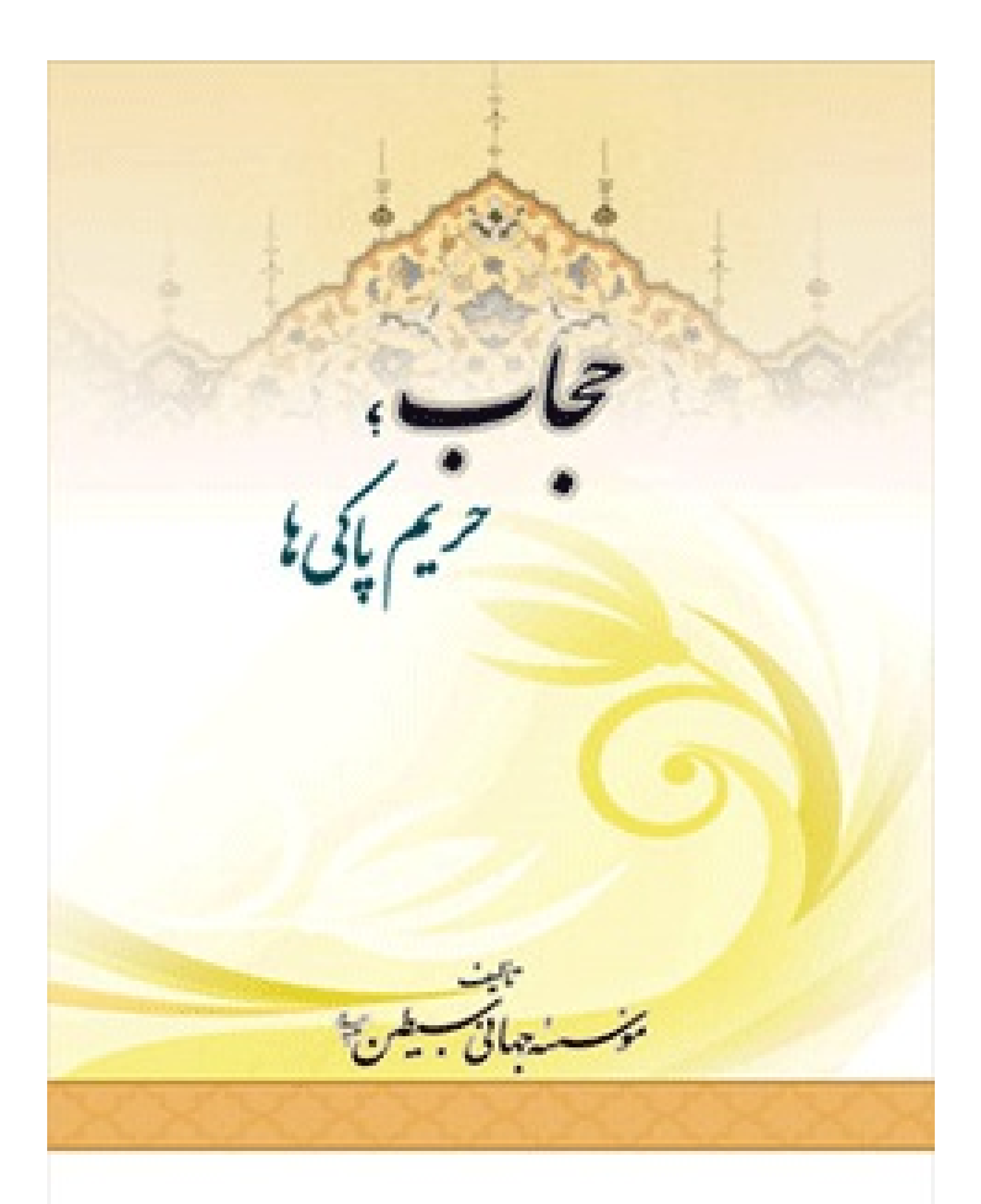

حجاب؛
حریم پاکی ها
به همت
موسسه جهانی سبطین


بسم الله الرحمن الرحیم

حجاب حریم پاکی ها

نویسنده:

موسسه جهانی سبطین علیهما السلام

ناشر چاپی:

موسسه جهانی سبطین (علیهما السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

حجاب حریم پاکی ها ----- ۱۱

مشخصات کتاب ----- ۱۱

اشاره ----- ۱۱

سخن مؤسسه ----- ۱۵

پیشگفتار ----- ۱۷

فصل اول: معنا و مفهوم حجاب ----- ۲۱

حجاب در لغت ----- ۲۱

حجاب در تاریخ ----- ۲۲

فصل دوم: حجاب در ادیان الهی ----- ۲۵

حجاب در شریعت اسلام ----- ۲۵

حجاب در آیین زرتشت ----- ۳۰

حجاب در آیین یهود ----- ۳۱

حجاب در آیین مسیح ----- ۳۴

حجاب در آیین اسلام ----- ۳۷

فصل سوم: حجاب در آیات قرآن و روایات اسلامی ----- ۳۹

حجاب در آیات قرآنی ----- ۳۹

پرهیز از پوشش بدن نما و نازک ----- ۴۳

پرهیز از شبیه شدن به جنس مخالف ----- ۴۳

عفت نسبت به زنان مردم ----- ۴۳

دوری از چشم چرانی ----- ۴۳

آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه ----- ۴۴

دوری از اختلاط و خلوت با نامحرم ----- ۴۵

پرهیز از توصیف زنان نزد نامحرمان ----- ۴۵

اهمیت غیرت مردان و پوشش زنان ---- ۴۶
نزدیک ترین حالت زن به خدا ---- ۴۶
خشم خدا از خودنمایی زنان ---- ۴۶
خیر و صلاح زن ---- ۴۷
شیوه پوشش ---- ۴۷
زنان جهنمی ---- ۴۷
مردان بی غیرت ---- ۴۸
سزاواران دوزخ ---- ۴۸
بوی جهنم ---- ۴۸
عفت و حیا ---- ۴۸
فصل چهارم: حجاب از دیدگاه اندیشمندان وهنرمندان غیر مسلمان ---- ۵۳
خاتم ساچیکو موراتا ---- ۵۳
خانم گاندی ---- ۵۴
آلفرد هیچکاک ---- ۵۴
برتراند راسل ---- ۵۵
ویل دورانت ---- ۵۵
چارلی چاپلین ---- ۵۵
جودیت میلر ---- ۵۶
رئیس انستیتو تعلیم و تربیت آلمان ---- ۵۷
گزارشی از رادیو فرانسه ---- ۵۷
فصل پنجم: عفاف وحیا ---- ۶۱
اشاره ---- ۶۱
معنای عفاف ---- ۶۲
تفاوت عفاف و حجاب ---- ۶۲
قرآن و عفاف ---- ۶۳
عفاف از دیدگاه روایات ---- ۶۴

عمومیت عفاف ---------- ۶۵
ویژگیهای زنان عفیف ---------- ۶۵
حیا ---------- ۶۷
حیا چیست؟ ---------- ۶۷
حیای مثبت و منفی ---------- ۶۸
رابطه حجاب و عفاف ---------- ۶۸
عفاف آمیخته در آفرینش زن ---------- ۶۹
برهنگی و بی حجابی، دام شیطانی است. ---------- ۷۳
دوری از خودنمایی ---------- ۷۵
نقش اخلاق در حفظ عفت ---------- ۷۷
حفظ عفاف اجتماعی ---------- ۸۰
حجاب و جذابیت ---------- ۸۱
حجاب و مسؤولیتهای اجتماعی ---------- ۸۲
آیا چادر مشکی، سبب افسردگی روحی است؟ ---------- ۸۳
رنگ چادر مشکی از نظر روانشناسی ---------- ۸۵
فصل ششم: فلسفه حجاب ---------- ۹۳
اشاره ---------- ۹۳
رفتاری عاقلانه و منطقی ---------- ۹۴
کمال بخشی به زن ---------- ۹۵
ارضای خواسته فطری ---------- ۹۶
حرمت بخشیدن به زن ---------- ۹۸
مبارزه با نفس ---------- ۹۹
حضور سازنده در اجتماع ---------- ۱۰۰
ایجاد امنیت ---------- ۱۰۱
فصل هفتم: برسی ایراد ها واشکال ها بر حجاب ---------- ۱۰۵
حجاب و اصل آزادی ---------- ۱۰۵

حجاب و افزایش التهابها ---- ۱۰۷
فصل هشتم: آثار سازنده حجاب ---- ۱۱۳
اشاره ---- ۱۱۳
استحکام خانواده ---- ۱۱۵
سلامت جسمی و روانی ---- ۱۱۷
امنیت و آرامش زن ---- ۱۱۹
افزایش احترام و شخصیت زن ---- ۱۲۱
فصل نهم: عوامل تکمیل کننده حجاب ---- ۱۲۵
اشاره ---- ۱۲۵
پرهیز از پوشش های شفاف و نازک ---- ۱۲۷
پرهیز از لباس های تنگ ---- ۱۲۸
عدم استفاده از پوشش های اختصاصی ---- ۱۲۹
پوشیدگی زینتها از نامحرم ---- ۱۳۰
فصل دهم: بدحجابی وپیامدهای آن ---- ۱۳۳
اشاره ---- ۱۳۳
علل گسترش بدحجابی ---- ۱۳۵
اشاره ---- ۱۳۵
الف - افراد و آحاد جامعه ---- ۱۳۵
ب-عوامل فرهنگ ساز جامعه ---- ۱۳۸
نقش بدحجابی در تخریب افکار و اندیشه ها ---- ۱۴۱
اشاره ---- ۱۴۱
الف) سرکوب شدن استعدادهای علمی ---- ۱۴۱
ب)افزایش انحراف های جنسی ---- ۱۴۲
ج) انحراف استعدادها ---- ۱۴۲
د) گرایش به تقلیدهای کورکورانه ---- ۱۴۳
ه) تزلزل مقام زن ---- ۱۴۵

نقش بد حجابی در تخریب ابعاد شخصیتی زن ---- ۱۴۶
بدحجابی، آسارت مدرن ---- ۱۴۷
بدحجابی و تخریب عواطف انسانی ---- ۱۴۸
بدحجابی یا خلع زیبایی ها و ارزشهای زن ---- ۱۵۲
بی بندوباری، مانع زیبایی ---- ۱۵۳
فصل یازدهم: راههای گسترش فرهنگ حجاب ---- ۱۵۹
جامعه پذیری ---- ۱۵۹
وسایل ارتباط جمعی ---- ۱۶۱
سیستم نظارتی امر به معروف و نهی از منکر ---- ۱۶۳
فصل دوازدهم: چشم چرانی وپیامد ها آن ---- ۱۶۷
اشاره ---- ۱۶۷
زیانهای چشم چرانی ---- ۱۶۹
حسرت و اندوه طولانی ---- ۱۶۹
انحراف و هلاکت ---- ۱۷۱
غرق شدن در فتنه ---- ۱۷۲
فساد جنسی ---- ۱۷۴
رویش فسق و دوری از مسیر هدایت ---- ۱۷۴
پاداش حفظ چشم ---- ۱۷۷
فصل سینزدهم: پاره ای از احکام واجب ---- ۱۸۱
پوشش زن ---- ۱۸۱
زینت ---- ۱۸۲
لباس مهیج ---- ۱۸۲
لباس مختص ---- ۱۸۳
نگاه ---- ۱۸۳
نگاه به تصویر ---- ۱۸۴
صحبت کردن ---- ۱۸۵

اختلاط ---------- ۱۸۵
خودنمایی ---------- ۱۸۶
فصل چهاردهم: پندهایی به جوانان ---------- ۱۸۹
احفظ چشم ---------- ۱۸۹
رعایت حجاب اسلامی ---------- ۱۹۰
مواظبت از دوستیها و معاشرتها ---------- ۱۹۱
دوری از اختلاط ---------- ۱۹۳
تسریع در ازدواج ---------- ۱۹۴
پرهیز از رفتارهای ناشایست در جامعه ---------- ۱۹۶
پرهیز از مد و مدگرایی ---------- ۱۹۷
راهکارهای پیشنهادی ---------- ۱۹۹
اشاره ---------- ۱۹۹
تألیف کتاب های مفید ---------- ۲۰۰
نظارت عمومی ---------- ۲۰۱
تشکیل جلسات مذهبی ---------- ۲۰۲
استفاده از فیلم و تئاتر ---------- ۲۰۲
توجه بیشتر به مسجد و نماز ---------- ۲۰۳
فهرست مطالب کتاب ---------- ۲۰۵
دستاوردهای علمی موسسه جهانی سبطین علیه السلام ---------- ۲۱۲
درباره مرکز ---------- ۲۱۵

حجاب حریم پاکی ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : حجاب حریم پاکی ها/تالیف: موسسه جهانی سبطین علیهما السلام .

مشخصات نشر : قم: موسسه جهانی سبطین ع) ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۰۱ص.

شابک : ۳۳۰۰۰ ریال :چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۱۶-۲۸

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۹(فیپا).

موضوع : حجاب

شناسه افزوده : موسسه جهانی سبطین (ع)

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷/ح۳ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۶

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۸۱۱۷۶

ص: ۱

اشاره

سخن مؤسسه

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلبابها (= روسری های بلند)خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است». مسأله حجاب، در همه ادیان الهی مورد توجه بوده است و دین مبین اسلام که منطبق بر فطرت بشر می باشد، اهمیت خاصی برای آن قائل شده است که با بررسی آیات نورانی قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام به گوشه ای از این اهمیت پی می بریم.

بدون شک حجاب موجب خشنودی خداوند است؛ زیرا زن، با حجاب خویش جلال خود را حفظ می نماید و به راستی جمال و جلال زن در حجاب اوست.

حجاب وسیله ای برای گسستن بندهای اسارت نفس و رهایی از آن به شمار می رود. حجاب نشانگر حیا و پاکی روح و روان زنان است و استقلال فرهنگی و دینی یک جامعه و نیز ایمان و اعتقاد یک زن به ارزشهای اصیل اسلام به وسیله حجاب به نمایش گذاشته خواهد شد. زن باحجاب، دیگر در تیررس هواهای نفسانی نامحرمان قرار نخواهد گرفت؛ لذا برای همیشه پاک و محبوب باقی می ماند، و چون مرواریدی در

صدف عفاف، ارزشمند و پربها محفوظ خواهد ماند.

اکنون در عصری به سر می بریم که در فرهنگ غرب، عصر برهنگی و آزادی جنسی نام گرفته و غربیان، بی حجابی را جزیی از حقوق آزادی زنان محسوب می نمایند. از این رو سخن از حجاب و آثار سازنده آن برای آنها و

همفکران شان ناخوشایند و بی ارزش است. به راستی کدامین فکر به زنان، شخصیت و ارزش می دهد؟ فکری که زنان را همچون عروسکی بزک شده به جامعه می آورد تا مورد هجوم مردان هرزه و لاابالی قرار گیرد یا ایده و فکری که جمال و زیبایی زن را در حریم ارزشمند حجاب حفظ نموده و از دسترس چشم ها و دست های آلوده محفوظ بدارد.

کتاب «حجاب، حریم پاکی ها» که از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت با قلمی ساده و روان به مباحث مختلفی پیرامون مسأله حجاب و فلسفه و آثار آن خواهد پرداخت و نیز راهکارهایی برای گسترش فرهنگ ارزشمند حجاب و جلوگیری از بدحجابی به خوانندگان ارائه خواهد نمود. امید است این تلاش ناچیز مورد توجه و استفاده اقشار مختلف جامعه و به ویژه بانوان و دختران جوان قرار بگیرد.

در پایان از پژوهشگران گروه فارسی مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام به ویژه آقایان حمزه کریم خانی و سید محمد سقازاده که در گستره تحقیق و تألیف این اثر تلاش نمودند، تشکر و قدردانی می نماید.

مؤسسه جهانی سبطین علیهماالسلام

پیشگفتار

زن از دیدگاه اسلام دارای شخصیتی والا و ارزشمند است که وجود او زینت بخش آفرینش و افق روحش تجلی گاه رحمت و لطافت خلقت می باشد. زن مظهر ظرافت و جمال آفرینش است و اصلاح جامعه در مرحله نخست در گروی تقوای زن و پاکدامنی او می باشد؛ چرا که سلامت اساسی ترین بخش جامعه که خانواده است وابسته به عفت و تقوای اوست.

بر همین اساس باید اقرار کرد که زن یکی از مؤثرترین مربیان بشر است که می تواند با تربیت فرزندانی صالح، امتی را رهایی بخشد و جامعه ای را نجات دهد. از این رو جایگاه بسیار والای این گوهر ارزشمند آفرینش اقتضا می کند که در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش حقیقی او حفظ شود. آری! یکی از فلسفه های اصلی حجاب و پوشش برای زن در اسلام چیزی جز حفظ ارزشهای والای زن نمی باشد. با تأمل در آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلامدر می یابیم که اصل پوشش امری ذاتی و فطری برای انسان به شمار می رود و برهنگی، فتنه ای است که انسان در اثر وسوسه های شیطان به آن دچار می شود و جامعه و خویشتن را به آسیبهای فراوان دچار می کند.

پوشیده بودن زنان در جامعه نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده است؛ بلکه سبب حفظ ارزش و شخصیت زن و نیز رشد و تعالی روحی وی می گردد. حجاب برای زنان مانند صدفی است که گوهر وجودشان را از گزند خطرها و آسیب ها مصون می دارد و نه تنها به آنان، بلکه به جامعه آرامش و سلامت می بخشد و آن را از گزند فساد و فحشا حفظ می کند.

مسأله پوشش، در همه ادیان الهی مورد توجه بوده است. دین مبین اسلام نیز که منطبق بر فطرت بشر می باشد، اهمیت ویژه ای برای آن قائل شده است.

در قرآن کریم به زنـان مسـلمان توصـیه های فراوانی شـده است که هنگام خروج از منزل یا رویارویی با مردان بیگانه، انـدام و زینت های خویش را با پوششی مناسب و کامل از نگاه نامحرمان بپوشانند.(۱)

بـدون شک در عصـر حاضـر که کشور ما به شـدت مورد هجمه های فرهنگی قرار گرفته است و دشـمنان اسـلام با اسـتفاده از امکانات و وسایل جدیـد و مدرن بیش از پیش درصدد رواج فرهنگ ابتذال در بین مردم به ویژه جوانان هسـتند توجه بیشتر به مسأله حجاب و پوشش زنان و نیز راههای جلوگیری از رواج بدحجابی، بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد.

کتاب «حجاب، حریم پاکی ها» که با قلمی ساده و روان به رشته تحریر درآمده است و به خوانندگان محترم تقدیم می شود به بحثهایی مهم و اساسی پیرامون حجاب می پردازد.

از محورهـای مهم این کتـاب می توان به این موارد اشـاره نمود: مفهوم شناسـی حجاب، حجاب در ادیان الهی و آیات قرآن و روایـات اسـلامی، فطری بودن حجـاب و پوشـش در زنان، فلسـفه حجاب، راههای گسترش فرهنگ حجاب، پیامـدهای ناگوار بدحجابی و راههای مبارزه با آن، پاره ای از احکام حجاب و پندهایی به جوانان.

امید است این تلاش ناچیز گامی در جهت آشـنایی هر چه بیشتر بانوان و به ویژه دختران جوان با ابعاد مختلف مسأله حجاب به شمار آید و این آشنایی زمینه ساز گسترش فرهنگ حجاب در بین آنها باشد، ان شاءاللّه. گروه پژوهش های فارسی

مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام

بهار ۱۳۸۶

ص: ۸

۱- سوره احزاب :آیات ۳۲و۳۳.

فصل اول: معنا و مفهوم حجاب

حجاب در لغت

حجاب به معنای پوشش و آن چه به وسیله آن، خود را می پوشانند و نیز حایل بین دو چیز آمده است. جمع حجاب به این معنا حجب است .(۱) در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای نقاب و چادری است که زنان چهره و سر تا پای خود را با آن می پوشانند .(۲)

حجاب در اصطلاح

با توجه به معنای لغوی حجاب و کاربرد قرآنی و روایی این واژه، شرع مقدس حجاب را این گونه بیان می کند: «پوشانیدن تمامی اعضای بدن به جز صورت و دست ها تا مچ».(۳)

ام سلمه می گوید: پس از نزول آیات حجاب،

۱- لسان العرب:ج۳،ص ۵۰.

۲- فرهنگ عمید:ص۷۷۹.

۳- لازم به زکر است که نظر فقها بزرگوار در این باره مختلف میباشد.برخی پوشاندن صورت ودست ها تامچ را در صورتی که بدون زینت هم باشد واجب میدانند.البته پوشاندن صورا و دست ها تا مچ در صورتی که زینت داشته باشد به اتفاق همه فقها واجب است. وجوع کنید به عروهالوثقی :ج۲،ص۳۱۷.

نزد پیامبر (صلی الله علیه واله و سلم) بودیم و میمونه نیز نزد ایشان بود که ابن ام مکتوم وارد شد رسول خدا(صلی الله علیه واله و سلم) فرمود: «حجاب خود را بگیرید...» .(۱)

حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) از پدرانش آنها و از امیرمؤمنان (علیه السلام) روایت می کند که: «یک نابینا از حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) اجازه ورود خواست. پس ایشان حجاب خود را گرفت. رسول خدا(صلی الله علیه واله و سلم) به آن حضرت فرمود: برای چه حجاب خود را گرفتی، در حالی که او تو را نمی بیند؟ حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمود: اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و علاوه بر آن او بوی مرا استشمام می کند. آن گاه رسول خدا (صلی الله علیه واله و سلم) فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی» .(۲)

حجاب در تاریخ

پوشش و لباس از نیازهای انسان به شمار می آید که از آغاز آفرینش به آن نیاز داشته و کوشیده است تا با هر وسیله ای خود را بپوشاند

فرید وجدی در دایره المعارف قرن بیستم می نویسد: «حجاب زنان سابقه ای طولانی دارد... سخن در مورد حجاب در میان نوشته های قدیمی ترین نویسندگان یونانی به چشم می خورد... زنان سر را می پوشانده اند، ولی صورتشان باز بوده است. وقتی به بازار می رفتند، بر آنان واجب بود صورت شان را نیز بپوشانند.(۳)

از متون تاریخی به دست می آید که حجاب مربوط به دین

۱- مکارم الاخلاق:ص۲۶۷

۲- نوادر راوندی :ص۱۳-بضمهالمصطفی:ص۴۷۹

۳- دائرهالمعارف القرن العشرین:ص۳۳۵

خاصی نیست و پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشته است. حجاب یا چادر، بخشی از لباس زنان یونان باستان و روم قدیم بوده که برای زینت از آن استفاده می کردند. در ایران پیش از اسلام نیز زنان از چادر استفاده می کردند. یونانیان برای پوشیدن چادر و حجاب، جنبه های سحری یا جادویی آن را مورد نظر قرار می دادند؛ زیرا بر سر گذاشتن چادر بیشتر در مراسم و مجالس دینی رایج بوده و عده ای می پندارند که پوشیدن چادر برای زنان راهبه لازم بوده است. برخی نیز معتقدند چادری که عروس بر سر می دهد. برای پوشانیدنا جمال خود از چشم نامحرمان است... در اروپای قرون وسطا، چادر جزئی از زینت زنان بوده است» (۱)

تا پیش از رنسانس بیش تر زنان حجاب داشتند، ولی با آغاز انقلاب صنعتی و جنگ جهانی دوم، جنبش آزادی زنان به نام فمینیسم شکل گرفت که کنار گذاشتن حجاب را تشویق می کرد. غلام حسین مصاحبه درباره تاریخچه حجاب می نویسد: «در دوره فتحعلی شاه قاجار و پس از آن، چادر خارج از منزل به رنگ سیاه با بنفش بود که آن را روی «چاقچور» به سر می کردند و صورت را با روبنده می پوشانیدند. پس از مسافرت ناصر الدین شاه به فرنگ، تغییراتی در لباس زنان روی داد، ولی چادر در خارج از منزل بین زنان روشن فکر به کلی و در دیگر موارد نیز با توجه به زمان و مکان و طبقه اجتماعی کم و بیش از بین رفت. آدام اولشگر می گوید: زنان ایرانی هرگز در کوچه ها رو گشاده نمی روند، بلکه در حجاب سفیدی مستورند که تا زانو پایین می آید و فقط شکافی در مقابل چشمان خود

۱- دائره المعارف،عبدالحسین سعیدیان:ج۷،ص۲۱۶.

باز می گذارنـد تا بتوانند پیش پای خود را ببینند».(۱) حسـین مکی نیز درباره کشف حجاب می نویسد: «در تاریخ ۱۳۹۶ / ۴ / ۲ مردم ایران در اعتراض به کشف حجاب در مسـجد گوهرشاد (مشـهد) تحصن کردند و عده زیادی به خاک و خون کشـیده شدنـد، ولی رضاخان در ۱۷ دی مـاه همان سال به طور رسـمی با حاضـر کردن بـدون حجاب ملکه و دخترانش در دانشسـرای مقـدماتی تهران، کشف حجاب را به مرحله اجرا گـذاشت و چنـد روز بعد با زور سـر نیزه به عملی کردن بی حجابی پرداخت. (۲)

۱- دائرهالمعارف فارسی ،غلام حسین مصاحب:ص۷۸۷.

۲- تاریخ بیست ساله ایران،حسین ملکی :ص۲۵۲.

فصل دوم: حجاب در ادیان الهی

حجاب در شریعت اسلام

ص: ۱۵

حجاب و پوشش در تمام ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است، و یکی از دلایل اساسی آن این است که حجاب و عفاف، یک امر فطری است

داستان حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش را اثبات می کند. در تورات (کتاب مقدس یهودیان که برای مسیحیان نیز مقدس است) می خوانیم: «و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر، خوشنما، دلپذیر و دانش فزا رسید پس از میوه اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند؛ پس برگهای انجیر به هم دوخته ، سترها برای خویشتن ساختند...

بعد ادامه می دهد: دو آدم، زن خود را حوا نام نهاد؛ زیرا که او مادر جمیع زندگان است. و خداوند رخت هایی برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید. (۱)

۱- تورات :سفر پیدایش ،باب ۳،آیات ۸-۶و۲۱-۲۰.

بر طبق این متن، آدم و حوا لباسی داشتند و بعد از خوردن شجره ممنوعه چشمشان باز شد و فهمیدند که عریانند که بلافاصله با برگ درختان خود را پوشاندند و بعدأ خداوند لباسی از پوست به ایشان ارزانی داشت.

در قرآن کریم در مورد داستان حضرت آدم و حوا چنین آمده است: فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءاتهما وطفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه؛ آنگاه که آدم و حوا از آن درخت (ممنوعه) چشیدند پوشش خود را از دست داده (عورتشان آشکار گردید و به سرعت با برگ درختان بهشتی خود را پوشاندند. (۱)

طبق آیات قرآن کریم، حضرت آدم و حوا قبل از چشیدن درخت ممنوعه دارای لباس بودهاند؛ اما با خوردن از آن درخت ممنوعه (در اثر اغوای شیطان) لباس خود را از دست دادند که بلافاصله به پوشاندن خود اقدام نمودند.

به هر حال، مطابق هر دو نقل، پس از احساس برهنگی بلافاصله خود را با برگ های درختان بهشتی پوشاندند.

أین احساس شرم از برهنگی، حتی بدون حضور ناظر بیگانه، و سرعت، در پوشاندن خود به وسیله برگها (ولو به طور موقت)، از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشته وحی و با تذکر هر یک به دیگری صورت نگرفته است، این اقدام

۱- سوره اعراف :آیه ۲۲.

حجاب در ادیان الهی بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می کند که لباس و پوشش، به تدریج و بر اثر تمدن ها ایجاد نشده است؛ بلکه انسانهای نخستین یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان ها، به طور فطری بدان گرایش داشته اند.

بنا به گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملتها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. هر چند حجاب در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه به طور کامل از بین نرفته است.

اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم، به خوبی حجاب و پوشش زن را در آن می بینیم، دقت در لباس ملی کشورها، ما را از ورق زدن کتابهای تاریخی برای یافتن ملل و اقوامی که زنان آنها دارای حجاب بوده اند، بی نیاز می سازد و به خوبی اثبات می کند که حجاب در میان اکثر ملت های جهان، معمول بوده است و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است.

تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده اند؛ چرا که لزوم پوشش و حجاب به طور طبیعی در فطرت زنان به ودیعت نهاده شده است و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریع شده است؛ پس در همه ادیان الهی پوشش و حجاب زن واجب گشته است.

ص: ۱۹

در ادیـان زرتشت، یهودیت، مسـیحیت و اسـلام، حجـاب زنـان امری لاـزم بوده است. کتاب های مقـدس مـذهبی، دسـتورها و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان و ادیان الهی، بهترین شاهد و گواه اثبات این مدعاست.

حجاب در آیین زرتشت

اشو زرتشت با توصـیه ها و اندرزهای خود، کوشـیده است تا پایه های حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی در ظاهر عرف خود رعایت می کننـد، در عمق روح آنان مسـتحکم نمایـد و از این راه، ضـمانت اجرای قانون حجاب را در آینده نیز تـأمین نمایـد و بـدین سـان، جامعه خویش را در مقابل امکان انحراف های اخلاقی پنهان، بیمه کنـد. از این کاردستی برای بازسازی

قسـمتی از پند و اندرزهایی که اشو زرتشت و به پیروان خود توصیه نموده را نقل می کنیم، تا این اقدام مهم اشو زرتشت» بهتر نمایـان گردد و حرکت او در جهت تعـالی و آموزش ریشه هـای «حفظ حجابه و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطن، روشن تر شود.

اشو زرتشت می گوید: «ای نو عروسان و دامادان! روی سـخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت، در پی زندگانی پا که منشـی برآیید. هر یک از شـما باید در کردار نیک و مهرورزی بر دیگری پیش دستی جوید تا آن زندگانی مقدس

ص: ۲۰

زناشویی، با خوشی و خرمی همراه باشد.(۱)

و نیز می گوید: «پاداش رهروان نیکی، به کسی می رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد. کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس، چیز دیگری نخواهد بوده

در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت های میهن ماه در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می خوانیم

این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد؛ چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن آنان، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار آنان، از لحاظ شکل و برش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است، و کلاهک آنان، همان کلاهک بانوان بندری است».(۲)

حجاب در آیین یهود

رواج حجانبه در بین زنان قوم یهود، مطلبی نیست که کسی بتواند آن را مورد انکار یا تردید خود قرار دهد. مورخان، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته اند، بلکه به افراطها و سخت گیری های بی شمار آنان نیز در این زمینه تصریح کرده اند. در

۱- ر.ک.آموزش های زرتشت پیامبر ایران ،انجمن زرتشتیان ایران.

۲- ر.ک.حجب در ادیان الهی:ص۵۳.

کتاب حجاب در اسلام آمده است: «گرچه پوشش، در بین عرب مرسوم نبود و اسلام آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیر عرب، به شدید ترین شکل رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از افکار یهود پیروی می کردند، حجاب، به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست وجود داشت. در بین این ملت ها صورت و کف دست ها هم پوشیده می شد. حتی در بعضی از ملتها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت سخت در آورده بودند. (۱)

ویل دورانت، که معمولا سعی می کند موارد برهنگی یا احیانا تزیینات و آرایش های زنان هر قوم را با آب و تاب نقل کند تا آن را

طبیعی جلوه دهد، در این مورد می گوید: «در طول قرون وسطا، یهودیان همچنان زنان خویش را با البسه فاخر می آراستند، لکن به آنها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم بروند. نپوشاندن موی سعر، خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش آشکار است، دست دعا به درگاه خدا بردارد». (۲)

در کتاب مقدس یهودیان، موارد متعددی یافت می شود که به طور صریح و با ضمنی، حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن، مورد تأیید قرار گرفته است. در برخی از آنها لفظ «چادرها و «برقع» به

۱- حجاب در اسلام :ابوالقاسم اشتهاری :ص ۵۰.

۲- تاریخ تمدن :ویل دورانت،ج۱۲،ص۶۲

حجاب در ادیان الهی کار رفته است که بیانگر کیفیت پوشش زنان آن عصر است.

اینک به پاره ای از آن موارد اشاره می گردد:

در «سفر پیدایش» تورات، چنین می خوانیم: و رفقه، چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد. زیرا که از خادم پرسید: «این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ ». و خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشاند. (۱)

در «تورات» آمده است: «متاع مرد، برزن روا نباشد و مرد، لباس زن نپوشد؛ زیرا هر که این کند، مکروه یهوه (خدای تو) است . (۲)

در «تورات»، از چادر و برقع و روبنده ای که زنان با آن، سر و صورت و اندام خویش را می پوشاندهاند، صریحه نام برده شده است، که نشانگر کیفیت پوشش زنان است. از سال

برای نمونه در کتاب فروت» می خوانیم: «بوعز گفت: زنهار کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است. و گفت: چادری که بر توست بیاور و بگیر. پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد و به شهر رفت». (۳)

ویل دورانت می نویسد: « اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنان که مثلا بی آن که چیزی بر سر داشت به میان مردم

۱- تورات :سفر پیدایش :باب۲۴،فقره۶۴و۶۵.

۲- تورات:سفر تثنیه :باب ۲۲،فقره ۵.

۳- تورات:کتاب روت ،باب ۲،فقره ۸-۱۰.

می رفت، و یا در شارع عام نـخ می رشـته، یا بر هر سـنخی از مردانه درد دل می کرد، با صدایش آن قدر بلند بود که چون در خـانه اش تکلـم می نمـود، همسایگـانش می توانسـتند سـخنان او را بشـنوند، در آن صـورت، مرد حـق داشـت بـدون پرداخت مهریهای او را طلاق دهد (۱)

برخی برای تأییـد این که منشأ حجاب زنان یهودی، وجوب حجاب در شـریعت موسـی علیه السـلام بوده، به داسـتان حضـرت موسـی علیه السـلام و دختران شـعیب اشـاره می کننـد که در آن، حضـرت موسـی علیه السـلام به آنان امر کرد تا پشت سـر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند. (۲)

حجاب در آیین مسیح

همان طور که اشاره شـد، ادیان الهی، به خاطر تناسب شان با فطرت، جهت و شـیوه واحـدی دارنـد. در مسـیحیت، همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است.

جرجی زیـدان»، دانشـمند مسـیحی در این باره می گویـد: «اگر مقصود از حجاب، پوشانـدن تن و بدن است، این وضع، قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح، معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود

۱- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۲، ص ۳۰

۲- ر-ك: حکمه الحجاب و ادله وجوب النقاب: ص ۲۵۲

اروپا باقی مانده است.(۱)

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده، بلکه در برخی موارد، قدم را فراتر نهاده و با تأکید بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخته است؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدس محسوب می شده و حتی در کتاب و تاریخ تمدن» آمده است که ازدواج در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت که تجرد، مقدس شمرده شده است، جای هیچ شبهه ای باقی نخواهد ماند که برای از بین رفتن تحریک و تهییجه این مکتب، زنان را به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزیین به صورت شدیدتری فرا خوانده است.

در این ارتباط نگاهی به د انجیل، می اندازیم آنجا که می گوید:

ای زنان! شوهران خود را اطاعت نماییده تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد، چون که سیرت طاهر و خداترس شما را ببینند، و شما را زینت ظاهری نباشد . از بافتن مو و متجلی شدن به طلا و پوشیدن لباس - بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام است که نزد خداگران بهاست؛ زیرا بدین گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت نمی نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند، مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می خواند و

۱- حجاب در ادیان الهی :ص ۶۰

شما دخترا او شده اید(۱)

همچنین درباره وقار و امین بودن زن می خوانیم: او به همین گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه تیبت گو؛ بلکه هوشیار و در هر امریامین.(۲)

در روایات ما نیز چنین آمده است که حضرت عیسی فرمود: «از نگاه کردن به زنان بپرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخصی نگاه کننده کافی است. (۳)

حواریون و پس از آنها پاپها و کاردینال های بزرگ که دستورهای دینی آنان از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم الاجرا شمرده می شد، با شدتی هر چه تمام تر زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش های جسمی فرا می خوانده اند.

دکتر {حکیم الهی} استاد دانشگاه لندن در کتاب ازن و آزادی پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپائیان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید {کلمنته} و {ترتولیان}، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می کند: «زن باید کاملا در حجاب و پوشیده باشد، مگر اینکه در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشم ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا

۱- انجیل:رساله پطرس رسول ،بابسوم ،فقره۱-۶.
۲- انجیل:رساله پولس رسول ،باب سوم ،فقره۱۱.
۳- سفینهالبحار :ج۲،ص۵۹۶.

دیگری را بـا نگـاه کردن به صـورتش وادار به گنـاه نمایـد. برای زن مـؤمن عیسـوی، در نظر خداونـد، پسـندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است».(۱)

تصویرهـایی که از پوشـاک مسـیحیان و مردم اروپـا انتشار یافته است، به وضوح نشان می دهـد که حجاب در بین زنان، کاملا رعایت می شده است. «براون و اشنایدر»، در کتاب : پوشاک اقوام مختلف»، برخی از تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده اند که نشان می دهد همگی آنها دارای لباسی بلند و پوشش سر می باشند. (۲)

حجاب در آیین اسلام

اسـلام که آخرین و کامـل ترین دین الهی است لبـاس را «هـدیه الهی» معرفی نموده و وجوب پوشـش زنان را با تعـدیل و نظم منـاسبی به جامعه بشـری ارزانی داشـته است . از انحرافات و با افراط و تفریطهایی که پیرامون پوشـش زنان وجود داشـته است اجتناب نموده و در تشریح قانون، حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است.

در حجاب اسـلامی، سهل انگاری های مضر و سخت گیری های بی مورد، وجود ندارد. حجاب اسلامی آنگونه که غرب تبلیغ می کند، به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی نیست؛ بلکه بدین معناست

۱- زن وآزادی :ص۵۳.

۲- پوشاک اقوام مختلف:ص۱۱۶.

که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.

با توجه به غریزه قدرتمنـد جنسـی، احکام و دسـتورهای اسـلام، تـدابیری است که خداوند برای تعدیل و رام کردن و همچنین ارضای صحیح این غریزه، تشریح فرموده است.

فصل سوم: حجاب در آیات قرآن و روایات اسلامی

حجاب در آیات قرآنی

ص:۲۹

در قرآن کریم، آیـاتی چنـد به طور صـریح، در مورد حجـاب و کیفیت آن نـازل شـده است. در سوره نور، طی آیات مفصـلی آمـده است: «... و به مردان مؤمن بگو که چشم هـای خود را(از نگـاه به نامحرمـان) فروگیرنـد و نیز دامان خویش را، که برای ایشـان پـاکیزه تر است. همانا خداونـد به آنچه انجام می دهنـد، آگاه است. و به بانوان با ایمان بگو چشم های خود را(از نگاه هوس آلود) فروگیرنـد و دامان خویش را حفظ کنند و زینت های خود را جز آن مقداری که ظاهر است، ننمایند و زینت های خود را آشـکار نسازند، و روسری های خود را بر سینه افکنند وزینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا برادرانشان، پسـر برادرانشان، زنان هم کیشـشان، کنیزانشان، مردان سـفیهی که تمایلی به زنان ندارند، و یا کودکانی که غیر ممیّز هستند. و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت های پنهانشان آشکار شود. و همگی به سوی خداوند

باز گردید، ای مؤمنان! باشد که رستگار شوید».(۱)

همچنین در سوره احزاب آمـده است: «ای پیـامبر! به همسـران و دختران خویش و بـانوان با ایمان بگو روسـری های بلنـد خود رافروافکننـد تـا به عفاف و حریت شـناخته شونـد و مورد آزار و تعرض هوسـرانان قرار نگیرنـد و خداونـد، آمرزنـده و مهربان است».(۲)

«ای زنان پیامبر! شـما اگر تقوا داشـته باشـید، همانند دیگران نیستید. بنابراین، هرگز نرم و نازک با مردان، سـخن مگویید تا آن که دلش بیمـار است، به طمع افتـد. بلکه متین و نیکو سـخن بگوییـد و خـانه را منزلگاه خویش قرار دهیـد و هرگز ماننـد دوره جـاهلیت نخستین، (برای نامحرمان)آرایش و خودآرایی نکنیـد و نماز را برپا داریـد و زکات را بپردازیـد و از خـدا و رسولش اطاعت نمایید».(۳)

حجاب در روایات اسلامی

پیامبر گرامی اسـلام و ائمه معصومین علیه السلام علاوه بر تأکیداتی که بر رعایت حجاب داشته اند، با ارائه دستورالعمل هایی، جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی، رهنمون گشته اند که در این قسمت، برخی از آنها را نقل می کنیم.

۱- سوره نور: آیات :۳۰و۳۱.

۲- سوره احزاب:آیه ۵۹.

۳- سوره احزاب :آیات ۳۲و۳۳.

پرهیز از پوشش بدن نما و نازک

روزی اسـماء - که خواهر زن پیامبر بود . با جامهای بـدن نما و نازکی به خانه پیامبر آمد. پیامبر، روی خود را از او برگرداند و فرمود:

ای اسماء! زن، وقتی به حد بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست ها».(۱)

پرهیز از شبیه شدن به جنس مخالف

پیامبر فرمود: از خداوند، مردانی که شبیه زن می شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می دهند، نفرین کرده است.(۲)

امـام باقر علی نیز، در ضـمن حـدیثی فرمودنـد: «جایز نیست که زن خود را شبیه مرد نمایـد؛ زیرا پیامبر مردانی که خود را شبیه زنان می کردند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار می دهند، نفرین کرده است (۳)

عفت نسبت به زنان مردم

پیامبر فرمود: «نسبت به زنان مردم، عفیف باشید تا زنان شما عفیف، بمانند. (۴)

دوری از چشم چرانی

از امام صادق به نقل شده که می فرماید: چشم چرانی، تیری

۱- سنن ابی داود:ج۳۸۳.

۲- بحارالنوار :ج۱۰۳،ص۲۴۲.

۳- همان :ص۲۵۸.

۴- وسائل الشیعه:ج۱۴،ص۱۴۱.

است مسموم از تیرهای شیطان؛ چه بسا، نگاهی که حسرتهای طولانی را در پی دارد.(۱)

آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه

رسول گرامی اسلام علیه السلام نهی فرمودند از این که زنی برای غیر همسرش، خود را بیاراید، پس اگر مرتکب چنین عملی شود بر خدا سزاوار است که او را در آتش بسوزاند.(۲)

رسول اکرم می فرمودند: «هر زنی که خود را خوشبو سازد إیه گونه ای که نامحرم آن را استشمام کند، سپس از منزل خارج شود، تا هنگام بازگشت به خانه، مورد لعنت {ملائکه} قرار می گیرد».(۳)

حضرت علی فرمودند: به همراه فاطمه را به خدمت رسول خدا شرفیات شدیم در حالی که او به شدت گریه می کرد، گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد! چه چیز این چنین شما را گریان ساخته است؟

فرمودناله: شبی که مرا به معراج بردند زنانی از امتم را در عذابی شدید و در وضح بدی دیدم که از شدت عذابشان گریستم، سپس احوال آنها را برایم شرح دادند، فاطمه و فرمود: ای محبوب و روشنی چشم من! ما را از عمل آنها با خبر ساز، پس حضرت فرمودند: زنی که با مویش آویخته شده بود، در دنیا مویش را از نامحرمان

۱- وسائل الشیعه :ج۱۴،ص۱۳۸.

۲- وسائل الشیعه:ج۷،ص۱۳۸.

۳- وسائل الشیعه :ج۷،ص۱۵۴.

نمی پوشاند، زنی که با زبانش آویخته شده بود، همسرش را آزار می داد و آن که گوشت بدن خود را می خورد، بدنش را برای دیگران تزیین می کرد و آن که با قیچی گوشتش چیده می شد، کسی بود که خویشتن را بر مردان نامحرم عرضه می داشت.(۱)

دوری از اختلاط و خلوت با نامحرم

امام صادق علیه السلام فرمودند: «رسول گرامی ، اموری را بر زنان لازم شمردند و از آنان پیمان گرفتند. از جمله این که از هم نشینی با مردان نامحرم بپرهیزند. (۲)

رسول اکرم فرمودند: «هر کس با زن نامحرمی مصافحه کند با او دست دهد) روز قیامت در غل و زنجیر بسته خواهد شد، سپس به آتش روانه خواهد گشت».(۳)

پیامبر فرمودند: «برای زن شایسته نیست که در وسط مسیر، راه برود، بلکه شایسته است که در کنار مسیر، حرکت کند».(۴)

پرهیز از توصیف زنان نزد نامحرمان

رسول اکرم علیه السلام فرمودند: «کسی که زنی را برای مردی وصف نماید و آن مرد به واسطه آن وصف، آلوده به گناه شود از دنیا نمی رود مگر این که مورد غضب الهی واقع شود».(۵)

۱- وسائل الشیعه:ج۷،ص۱۵۶.

۲- وسائل الشیعه :ج۷،ص۱۳۴.

۳- وسائل الشیعه :ج۱۴،ص۱۶۳.

۴- پوشش زن در اسلام :ص۱۹.

۵- وسائل الشیعه:ج۷،ص۱۳۳.

اهمیت غیرت مردان و پوشش زنان

 امام علی علیه السلام فرمودند: « پوشیدگی برای زن سودمندتر است و زیبایی او را پایدارتر می سازد».(۱)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مردی که غیرت ندارد انسانی است که قلبش وارونه است. (۲)

نزدیک ترین حالت زن به خدا

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از اصحاب خود پرسیدند: «زنان در چه حالتی به خداوند نزدیکترند؟ به خبر این سؤال به حضرت زهرا علیه السلام رسید. ایشان فرمودند: نزدیکترین حالت زن به خدا هنگامی است که درون خانه خود باشد». پیامبر صلی الله علیه وآله با شنیدن این پاسخ از دختر گرامیش فرمودند: فاطمه پاره تن من است».(۳)

خشم خدا از خودنمایی زنان

زنی عطر فروش به نام {حولاء} گاهی برای خانواده رسول خدا عطر می آورد. روزی پیامبر خطاب به او فرمودند: «ای حولاء! زینت هایت را برای غیر شوهرت آشکار نکن. برای زن روا نیست، ساقهای دست و پای برهنه اش را نامحرم ببیند. اگر کسی چنین کند لعنت و خشم خدا و فرشتگان بر او خواهد بود و عذاب دردناکی برای خود آماده کرده است... زنانی که به خدا و روز قیامت ایمان

ص:۳۶

۱- عیون الحکم و المواعظ:ص۳۰۳.

۲- وسائل الشیعه :ج۱۴،ص۱۰۸.

۳- فاطمه الزهرا علیه السلام بهجهقلب المصطفی صلی الله علیه وآله:ص۲۷۳.

داشته باشند، زیبایی و زیستهای خود را برای نامحرمان آشکار نمی کنند که اگر چنین کنند، دین خود را فاسد و خشم خدا را برانگیخته اند. (۱)

خیر و صلاح زن

امیر مؤمنان علی علیه السلام در وصایای خود به امام حسین مجتبی علیه السلام فرمودند:{پسرم!همسرانت رادر حجاب داشته باش،زیرا خیر تو وآنها در حجاب کامل آنهاست و نیز با حجاب کامل از خانه بیرون رفتن آنها، بهتر از آن است که نامحرم غیر مورد اعتمادی به منزلت وارد شود. (۲)

شیوه پوشش

رسول گرامی اسلام صلی علیه وآله فرمودند:{برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه اش، لباسش را جمع وفشرده نماید وبه بدنش بچسباند.}(۳)

زنان جهنمی

پیامبر اکرم صلی علیه وآله در گفتاری زنان اهل دوزخ را که حتی بوی بهشت به مشام آنها نمیرسد چنین معرفی کرده اند :

{زنانی که بد حجاب اند وبا زوق و برق خود را به مردم نشان

۱- مستدرک الوسائل :ج۱۴،ص۲۸۴.

۲- تحف العقول:ص۸۶.

۳- فروع کافی:ج۵،ص۵۱۹.

می دهند و هوسهای آنها را به سوی خود جذب می کنند و موهای سرشان همچون کوهانهای شتر است».(۱)

مردان بی غیرت

امیر مؤمنـان علی علیه السـلام خطاب به مردم عراق فرمودنـد: «به من خبر رسـیده که زنان شـما در مسـیر راهها به مردان تنه می زنند، آیا حیا نمی کنید. لعنت خدا بر کسی که غیرت نمی ورزد» (۲)

سزاواران دوزخ

پیامبر اسـلام صـلی علیه آله نهی کردنـد از اینکه زن، خود را برای غیر شوهر، آرایش کنـد. و فرمودند: «اگر زن چنین نماید و خود را برای غیر شوهرش آرایش کند) بر خداوند سزاوار است که او را در آتش دوزخ بسوزاند. (۳)

بوی جهنم

پیامبر گرامی اسـلام می فرمایند: «هر زنی که عطر استعمال کند و از منزل خارج شود و بر گروهی از افراد نا محرم عبور کند تا بوی عطر وی را استشمام نمایند، چنین زنی زنا کار است». (۴)

عفت و حیا

رسول اکرم صلی علیه وآله فرمودند: «دوست داشتنی ترین عفاف

۱- مستدرک سفینهالبحار:ج ۱۰،ص ۵۲.

۲- وسائل الشیعه:ج ۲۰،ص ۲۳۵.

۳- امالی صندوق:ص ۴۲۳-بحار النوار:ج ۱۰۳،ص ۲۴۳.

۴- نحج الفصاحه:ص ۲۰۵.

(خویشتن داری) نزد خدا، عفت، شکم و دامن است».(۱)

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: « میوه عفاف، محفوظ ماندن است .(۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «نسبت به زنان مردم عفت ورزید تا نسبت به زنان شما عفت ورزند.(۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: «عفت انسان به اندازه حیای اوست». (۴)

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به هیچ چیز بهتر از سمت شکم و دامن عبادت نشده (۵)

امام علی علیه السلام فرمودند: {احیا عامل عفت است} . (۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «خداوند حیا و پوشیدگی بندگانش را دوست دارد(۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: احیا انسان را از عمل زشت باز می دارد». (۸)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «حیا و ایمان با یکدیگر و به هم پیوسته اند، پس اگر یکی از آن دو از میان برود، دیگری نیز به دنبالش از بین

۱- میزان الحکمه:ج،ص ۳۶۱.

۲- میزان الحکمه:ج۶،ص ۲۶۳.

۳- همان:۳۵۹.

۴- همان:ج۲،ص۵۶۵.

۵- اصول کافی:ج۲،ص۷۹.

۶- میزان الحکمه:۲،ص۵۶۵.

۷- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۶۳ .

۸- میزان الحکمه. ج ۲، ص ۵۶۵

خواهد رفت».(۱)

رسول اکرم صلی علیه وآله فرمودند:{حیا، تمام دین است}.(۲)

رسول گرامی صلی علیه وآله اسلام فرمودند: «کسی که از مردم حیا نداشته باشد از خداوند نیز حیا نخواهد داشت.(۳)

امام علی فرمودند: «عاقل ترین انسان ها، با حیاترین آنهاست.(۴)

۱- میزان الحکمه :ج ۲، ص ۵۶۵ .

۲- همان .

۳- همان، ص ۵۶۶.

۴- همان، ص ۵۶۲.

فصل چهارم: حجاب از دیدگاه اندیشمندان وهنرمندان غیر مسلمان

خاتم ساچیکو موراتا

وی اهل هوکائیدوی ژاپن است که بعد از اتمام تحصیلات به دانشکده حقوق دانشگاه چلیا در رشته حقوق قضایی راه یافت و موفق به دریافت مدرک لیسانس شد و بعد از آن، برای تحقیق در زمینه فقه اسلامی به ویژه فقه جعفری به ایران آمد و در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی به اخذ دکترای الهیات نایل گردید. ایشان بودایی مذهب و همسرش مسیحی است. وی در مصاحبه ای به سوالات بسیاری پاسخ داد که ما یک سؤال آن را در اینجا می آوریم:

خبرنگار: به نظر شما حجاب یعنی چه؟ شما محجوبه بودن خانمها را ترجیح می دهید یا مکشوفه بودن را؟

خانم {ساچیکو موراتاه} می گوید: «حتما محجوبه بودن را ترجیح می دهم و حد معقول پوشش را می پسندم؛ زیرا لطف زن به محجوبه بودن اوست. اصولا ـ طبع هر انسانی طالب کشف تنوع هاست. وقتی زنان به شکل امروزی مکشوفه باشند، چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی گذارند. هر چیز با اهمیتی وقتی چندین بار رویاروی قرار

ص:۴۳

گیرد، اهمیت خود را از دست می دهد و این موضوع در تحکیم روابط زناشویی نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. در مغرب زمین که زنها قیود را گسسته اند و انواع لباسهای کوتاه و زننده می پوشند، روابط زناشویی آنان از کمترین استحکامی برخوردار نیست (۱) .

خانم گاندی

خانم «گاندی» که از چهره های معروف هند به شمار می رود می گوید: «ای زنان! اگر آرایش کردن شما تنها به منظور جلب شهوت مرد است، از این کار خودداری کنید و زیر بار چنین خفت و خواری نروید». (۲)

آلفرد هیچکاک

{هیچکاک} فیلمساز مشهور فرانسوی می گوید: «من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پر هیجان باشد. بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود، مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتری را دارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند. یعنی کمتر ماهیت خود را در معرض نمایش قرار دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت بدهد.

زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می بردند خود به خود جذاب می نمودند و همین مسأله، جاذبه نیرومندی بدانها می داد. اما به تدریج با تلاشی که زنان این

۱- فلسفه حجابه، اسدالله محمدی نیا، ص ۸۸.

۲- همان،ص ۹۰.

کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند؛ حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود».(۱).

برتراند راسل

{برتراند راسله که از فلاسفه مشهور غرب در قرن معاصر به شمار می رود می گوید: «از لحاظ هنر، مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد، بدون آنکه غیر ممکن گردد.}(۲) .

ویل دورانت

{ویل دورانت}فیلسوف و نویسنده مشهور معاصر می نویسد: « آنچه بجوییم و نیابیم عزیز و گرانبها میگردد. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع و ارضا، ضعیف و با منع و جلوگیری قوی می گردد.

مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست و بی آنکه بداند، حس میکند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبرمی دهند. (۳)

.

چارلی چاپلین

چارلی چاپلین» که یکی از کمدین های مشهور جهان است در

ص:۴۵

۱- فلسفه حجاب: سمی ۵۵ و ۵۶.

۲- همان.

۳- همان.

نامه ای به دخترش می نویسد: «برهنگی بیماری عصر ماست، من پیرم و شاید حرفهای خنده آور بزنم، اما به گمان من تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری». (۱) .

جودیت میلر

{جودیت میلر} خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز طی مقاله ای با عنوان «زنان در آغوش اسلام امنیتی تازه می یابنده با اشاره به گرایش روز افزون زنان مسلمان به حجاب می نویسد: «چه چیزی این بازگشت را میسر ساخته است؟ بازگشتی که به معنای واقعی در آزادی های شخصی و سیاسی صورت گرفته است؟ پاسخ آن در ارمغانهایی است که اصول گرایان اسلامی به روح و روان جامعه مدرن خاور میانه و به زن و مرد آن تقدیم کرده اند.

پوشش (حجانب)برای زنان این امکان را فراهم ساخته که در شهرهای شلوغ بتواند به راحتی فعالیت کند و از مزاحمت مردان جوان و نوجوانی که در جستجوی کار از اطراف و اکناف کشور به پایتخت سرازیر شده اند در امان بماند. این لباس یک پیام غیر قابل تردید به اطرافیان می فرستد. حجاب می گوید: این زن نجیب است. با او کار نداشته باشید. و به وی اجازه می دهد. بدون اینکه مورد آزار جنسی قرار گیرد در اتوبوسهای شلوغ شهر سوار شود».(۲)

۱- آخرین تصویر چارلی ص ۷۹.

۲- روزنامه رسالت:۱۳۷۳/۴/۲

رئیس انستیتو تعلیم و تربیت آلمان

حضور مجزای دختران و پسـران در کلاسـهای درس بخصوص در دوره ابتـدایی می تواند در یادگیری دختران تأثیر به سـزایی داشـته باشد. در پی تحقیقات انستیتو پژوهشـی پلانک آلمان میل و رغبت دختران برای یادگیری علوم ریاضـی در کلاسهای مختلط رضایت بخش نیست.(۱) .

گزارشی از رادیو فرانسه

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و به نقل از رادیو فرانسه:

در ویرجینیـای آمریکـا طرحی در سـال سوم راهنمایی برای جـدا کردن دختران از پسـران در کلاس، در دست آزمایش است. چون آموزگاران پی برده اند که دختران به خصوص در ریاضیات و علوم بدون حضور پسران راحت تر آموزش می بینند.

به گفته آموزگاران، دختران در کلاسـهای مختلط برای آنکه مورد تمسـخر و انتقاد پسـرها قرار نگیرند کمتر در بحثها شـرکت می کننـد. در حـالی که در غیاب پسـرها بهتر و راحت تر به سؤالات جواب می دهنـد. ظاهر نتایـج اولیه این آزمایشـها رضایت بخش بوده است.

به گفته آموزگاران به خصوص دختران خجالتی در کلاسـهای دخترانه راحت تر هستند، اما انجمنهای متعددی از جمله انجمن ملی زنان آمریکا با این طرح به مبارزه برخاسته است و آن را جدابی و تبعیض جنسی آشکار می داند.(۲)

۱- فلسفه حجابه: ص ۹۴

۲- روزنامه جمهوری اسلامی: ۱۳۷۴/۲/۱۷

فصل پنجم: عفاف وحیا

اشاره

گرچه نگاه به مسأله حجاب، نگاه به عاملی مهم و مؤثر در رشد معنوی و اخلاقی جامعه است، اما آنچه در قدم اول ضروری تر به نظر می رسد، سالم سازی بنیان های اخلاقی جامعه است

عفاف به عنوان پیش زمینه ای اساسی در اصلاح این بنیانها، فراتر از حجاب قابل دقت و بررسی است. همچنین حیا، که در یک ارتباط متقابل با عفاف، گاه معلول و گاه علت است. می توان گفت که از سویی این دو خصیصه نفسانی از عوامل اساسی در گسترش فرهنگ حجاب می باشند و حجاب واقعی جز در پرتو این دو میسر نخواهد بود و از سویی دیگر سالم سازی اخلاقی یک جامعه، محدود به حجاب نیست، بلکه مجموعه ای از چگونگی رفتارها و بایدها و نبایدهای فردی و اجتماعی است که با ارتقای سطح عفاف و حیای جامعه، نسبتی مستقیم دارد. لذا بی جهت نیست اگر قبل از ورود به مباحث مختلف حجاب، مختصری پیرامون عفاف و حیا سخن بگوییم:

ص:۵۱

معنای عفاف

عفت، یعنی صیانت نفس از چیزهایی که حرام است یا انجام آن شایسته نیست، حضرت علی علیه السلام درباره حقیقت عفت می فرماید:

{الصبر علی الشهوه عفه؛ عفت، مقاومت در برابر شهوتهاست}(۱) و در روایت دیگری می فرماید: «العفاف زهاده؛ عفاف، بی رغبتی نسبت به خواسته های نفسانی است».(۲) شهید مطهری، در تعریف عفاف می گوید: «عفت حالتی نفسانی است، به معنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، و تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن».(۳)

و اما عفیف به کسی گفته می شود که در برابر خواسته های نفسانی، از جمله کششهای جنسی، مقاومت نموده، خود را حفظ کند.

تفاوت عفاف و حجاب

ما پیوسته درباره حجاب، مطالب مختلفی شنیده ایم ولی مسأله اصلی و بنیادین، عفت است؛ عفت فراتر از حجاب است.

حجاب، همان پوشش ویژه و عفت، یک خصلت، بینش و منش است. .

۱- میزان الحکمه: ج ۶، ص ۲۶۵۹

۲- همان: ص ۲۶۵۶

۳- تعلیم و تربیت، استاد مطهری: ص ۱۵۰

حجاب پوشش بیرونی است، ولی عفت، هم پوشش بیرونی و هم پوشش درونی است.

حجاب می تواند ریایی، تحمیلی، ظاهری یا غیر اختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خصلت و ارزش اختیاری است. عفت نمودهای گوناگونی دارد؛ از جمله: عفت در نگاه، عفت در سخن، عفت در شهوت، و... ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفت است، بنابراین برای سالم سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد.

قرآن و عفاف

قرآن، از این ارزش انسانی و اسلامی با واژه هایی چون عفاف، احصان وحصور، یاد کرده است و یکی از ویژگیهای مؤمنان راستین را پاکدامنی و عفاف میداند: {والذین هم لفروجهم حافظون؛ آنان مؤمنین کسانی هستند که خویشتن را از بی عفتی حفظ می کنند.}(۱)

در اهمیت عفاف، همین بس که خداوند در قرآن، در سوره نور به بیان لزوم عفاف می پردازد و شیوه های رسیدن به آن و مبارزه با آلودگیهای جنسی را بیان می فرماید. قرآن حتی در بیان مهیج ترین ماجراهای تاریخی همچون داستان حضرت یوسف ، جانب عفاف را رعایت کرده است.

ص:۵۳

۱- سوره مؤمنون: آیه ۵.

عفاف از دیدگاه روایات

پیامبر گرامی اسلام صلی علیه وآله که مظهر عفافند، تلاش بسیاری برای حاکمیت عفاف و پاکدامنی نموده تا جامعه ای بسازد که در آن، عفاف و پاکی، ارزش و بی عفتی، ضد ارزش به شمار آید. پیامبر در جریان بیعت با زنان مکه از آنان پیمان گرفت که پاسدار پاکدامنی وعفاف باشند.(۱) و فرمودند:{لایقمدنّ مع الرّجال فی الخلاء}؛ زنان با مردان نامحرم نباید در خلوت بنشینند». (۲)

به پیامبر صلی علیه وآله خبر رسید که در مدینه دو نفر با نامهای {هبت}و {ماتع} که از افراد هرزه هستند، نزد مردان نشسته، از اوصاف زنان و لباسهای آنان حرف می زنند و با سخنان شهوت انگیز خود، هوسهای آلوده را تحریک کرده، به حریم عفاف تجاوز می کنند. پیامبر به آنها را احضار کرد و از مدینه به محلی به نام {القواياه} تبعید نمود.(۳)

به چند حدیث نورانی از حضرت علی علیه السلام اشاره می نماییم:

حضرت علی علیه السلام درباره عفاف می فرمایند: {وافضل العباده العفاف؛ بهترین عبادت، عفاف است.}(۴)

{العفه رأس کل خیر؛ عفت ریشه و اساس تمام خوبیهاست}(۵){ماالمجاهد الشهید فی سبیل الله بأعظم أجراً ممن قدر فعف

ص:۵۴

۱- سوره ممتحنه آیه ۱۲

۲- جواهر الکلام: ج ۳۲، ص ۳۴۳.

۳- بحار الأنوار: ج ۲۲،ص۸۸.

۴- سفینه البحار: ج ۲، ۲۰۷

۵- میزان الحکیمیه ج ۶، ص ۳۹۵

لکاد العضیف ان یکون ملکا من الملائکه؛ مجاهد شهید در راه خدا، اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت بر گناه دارد اما خویشتنداری می کند، چنین شخصی نزدیک است فرشته ای از فرشتگان خدا باشد (۱)

عمومیت عفاف

با دید سطحی به نظر می رسد که عفاف تنها به بانوان اختصاص دارد، اما با بررسی آیات و روایات در می یابیم که لزوم عفاف، شامل مردان نیز می شود. خداوند در قرآن خطاب به مردان مؤمن می فرماید: «قل للمؤمنین یقضوا من أبصارهم ویحفظوا فروجهم؛ به مؤمنان بگو چشمهای خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند (۲)

و به زنان با ایمان هم می فرماید: {وقل للمؤمنات یغضضن من أبصارهن ویحفظن فروجهن؛ به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند». (۳)

ویژگیهای زنان عفیف

شاید در مقام ادعا همه انسانها خود را مؤمن، خوش اخلاق، متعهد و عفیف و... بدانند اما آنچه که می تواند شاهد صدق گفتار و

ص:۵۵

۱- نهج البلاغه: حکمت۴۷۴.

۲- سوره نور: آیه ۳۰

۳- سوره نور آیه ۳۱

ادعـای انسـان باشـد، رفتـار و عملکرد اوست. عفت را همه زنـان دوست دارنـد؛ امـا کسـی این ارزش و مقـام عـالی انسـانی را داراست که ویژگیهای زیر را داشته باشمد:

۱-سنگینی و وقار: زنان عفیف از هر کار سبک و نامناسبی که موجب جلب توجه دیگران شود، پرهیز می کنند. طرز راه رفتن، لباس پوشیدن و رفتارشان به گونه ای نیست که نامحرمان را به سوی خود جذب نمایند.

۲- عفـت در سـخن: کـم سـخن می گوینـد، سـاده و آرام و بی وسـوسه حرف می زننـد و از سـخنان غیرضـروری خصوصـاً با نامحرمان دوری می کنند.

۳- پرهیز از خودنمـایی: از مظـاهر خودنمـایی همچون نشان دادن زینتهای خود، بیرون گذاشـتن قسـمتی از موی سـر یا آرایش چهره برای نامحرمان پرهیز می نمایند. خداوند در قرآن می فرماید: «زنان عفیف، زینت خود را در برابر نامحرمان آشـکار نمی سازند».(۱)

۴- پوشـش منـاسب: زنان عفیف از انتخاب لباس های نازک و چسـبان و رنگهای تنـد و زننـده که موجب جـذب نامحرمان به سوی آنها می شود، اجتناب می ورزند.

۵-کنـترل رفت و آمـدها: زنـان عفیـف از رفتن به مراکز و مکانهـای آلـوده و نامنـاسب، چـون مجـالس گنـاه، لهـو و لعب و... خودداری میکنند.

۱- سور نور: آیه ۳۱.

حیا

از زمینه ها و در عین حال از ثمرات عفاف، احساس محیا و شرم از انجام کارهای زشت است. امیرمؤمنان علیه السلام حیا را سبب عفت می نامند: {سبب العفه الحیاء }(۱) و در جای دیگر حیا را میوه و ثمره عفت معرفی می کند: «الحیاء ثمره العفه».(۲)

هر قدر این احساس شرم از زشتی ها در انسان بیشتر باشد، عفت او نیز بیشتر خواهد بود: با عفت ترین شما باحیاترین شماست {آعنکم احیاکم} (۳).

حیا چیست؟

حیا شرمی است برخاسته از ادراک خوبی ها و بدیهای اختیاری، به این جهت است که انسان، دسته ای از کارها را خوب و دسته دیگر را بد می داند. علامه مجلسی درباره حقیقت حیا می گوید: {ملکه ای است که موجب خودداری از کارهای زشت می گردد}. (۴)

حیا، عامل بازدارنده ای است که موجب پایبندی انسان به قوانین و دستورات دین می شود: «کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد(۵)

حیا عامل حفظ دختران و پسران از تن دادن به انحرافها و

ص:۵۷

۱- غرر الحکم: حدیث ۵۵۲۷.

۲- همان: حدیث ۴۶۱۲.

۳- همان: حدیث ۲۸۳۷

۴- مرآهالعقول: ج ۸،ص ۱۸۷

۵- قال الصادق علیه السلام لا: لا ایمان لمن لا حیاء له"، بحار الانوار: ج ۷۸، ص ۱۱۱.

آسیب های اجتماعی است.

دکتر «فلاسن»، استاد دانشگاه روچستبر می گوید: «خجالت کشیدن و حیا علامت سلامتی است و در میان همه افراد بشر، حتی آنهایی که برهنه زندگی می کنند نیز رایج است».(۱)

حیای مثبت و منفی

گفتنی است که از نظر اسلام، مطلق حیا پسندیده نیست. از نظر رسول خدا صلی علیه وآله حیا بر دو گونه است. حیایی که برخاسته از حکم عقل است و حیایی که نشانه حماقت و نادانی است. (۲)

حیایی که انسان را از کارهای زشت باز می دارد، حیای خوبی است و نشانه عقل و ایمان است و آنچه در فضیلت حیا در اسلام وارده شده است، درباره همین نوع از حیا است، از مصادیق این حیا می توان حیای از خداوند، حیای از خویشتن، حیای از دیگران را نام برد.

حیایی که انسان را از کارهای نیک باز می دارد، ناپسند و منفی است و اسلام آن را در انسان نشانه نادانی و ناتوانی می داند.

رابطه حجاب و عفاف

انگیزه حقیقی گرایش زن به حجاب احساس فطری یا غریزی

۱- کودک: محمد نقی فلسفی، ج ۲، ص ۲۱۷

۲- والحیاء حیاءان: حیاء عقل و حیاء حمن، میزان الحکمه: ج ۲، ص ۵۶۶.

شرم و حیا می باشد. شرم و حیا در زن نسبت به بیگانگان مانند غیرت در مرد است. به عبارت دیگر درک و شعور فطری و الهام غریزی زن به حفظ خود از دستبرد نااهلان، برای بالا بردن ارزش وجود خویش است.

شرم و حیا و عشق و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، تدبیر مکانیسمی است نهفته در خلقت و فطرت زن، که او را وادار می سازد که گاهی به صورت ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم بپوشاند. به همین لحاظ وقتی احساس حجب و حیا را از دست می دهد، در محیط ناامن اجتماع هم کشف حجاب می کند و به عکس وقتی احساس شرم و حیا در او زنده است در محیطی که امنیت کامل هم وجود دارد، باز هم متمایل به پوشاندن خویش است.(۱)

عفاف آمیخته در آفرینش زن

عفت و پاکدامنی با آفرینش زن به هم آمیخته است. او از روز نخست عفت گرا و پاکدامن بوده است، نگاههای معصومانه و نفرت او از گناه، در آغاز جوانی و تظاهر به عفت و پاکدامنی در برخوردهاء نشانه آن است که عفت در خلقت، زن جایگاه والا و بلندی دارد که هم خود زنان خواهان آنند و هم دیگران، زن را با این ویژگی می خواهند.

۱- مقدمه ای بر روان شناسی زن با نگرش علمی و اسلامی، مجتبی هاشمی کاوندی: ص ۲۲۱

اسلام آفرینش زن و صلاح و خیر جامعه را در نظر گرفته و حجاب را لازم شمرده تا با عفت درونی او هماهنگ گردد، و بنیان خانواده ها مستحکم شود.

بنـابراین، الزام پوشـش فقـط و فقـط برای حفـظ عفت زن است نه زنجیر اسـارتی بر دست و پای او، و نه سـدی در برابر تکامل فکری و علمی و هنری او، بلکه وسیله ای برای تعالی روح و ایفای مسئولیتهای فردی و اجتماعیش است، چه بسا زنان پاکدامن سخنوری که تاریخ،، خصوصیات و رشادت های آنان را ضبط کرده است.

اسـلام پوشـش از بیگـانه را ملاـک برتری زن معرفی کرده است. پیامبر صـلی علیه وآله می فرماینـد: {بهترین زنان شـما، زنان عفیف غیر عمقیمی هستند که تنها برای شوهرانشان خود را می آرایند و در مقابل بیگانه کاملاً پوشیده اند}.(۱)

در حـدیث دیگری آن حضـرت می فرماینـد: «آیا بدترین زنان را به شـما معرفی نکنم؟ بدترین زنان شـما زنانی هسـتند که در برابر بیگانه آراسته اند ولی نزد شوهر پوشیده اند و آراستگی لازم را ندارند». (۲)

حیا و عفاف و ستر و پوشـش، تـدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانبها کردن خود و حفظ موقعیت خویش در برابر مرد به کار برده است.

ص:۶۰

۱- فروع کافی: ج ، ص ۳۲۵

۲- فروع کافی: ص ۳۲۴

زن برای مرد همچون جایزه ای است که باید آن را برباید. وقتی که زن مقام و موقعیت خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست، همانطور که متوسل به زیور و خودآرایی و تجمل شد که از آن راه، قلب مرد را تصاحب کند، متوسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز شد، دانست که نباید خود را رایگان کند، بلکه باید آتش عشق و طلب را تیزتر نماید و در نتیجه موقعیت و مقام خود را بالا برد.

مولوی، عارف، دقیق اندیش می گوید مثل مرد و زن، مثل آب است و آتش، مرد مثل آب و زن مثل آتش، اگر حائل از میان آب و آتش برداشته شود، آب بر آتش غلبه می کند و آنرا خاموش می سازد، اما اگر حائل و حاجبی میان آن دو برقرار گردد، مثل این که آبی را در دیگی قرار دهند و آتش در زیر آن دیگ روشن کنند، آن وقت است که آتش، آب را تحت تأثیر خود قرار می دهد. اندك اندك او را گرم می کند و احیانا جوشش و غلیان در او به وجود می آورد، تا آنجا که سراسر وجود او را به بخار تبدیل می سازد. ((1)

مرد، برخلاف آنچه ابتدا تصور می رود، در عمق روح خویش از ابتذال زن، از تسلیم و رایگانی او متنفر است. مرد همیشه عزت، استغنا و بی اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است. از داستان لیلی و مجنون، خسرو و شیرین می توان فهمید که زن بر اثر دور نگهداشتن

۱- مجموعه آثار استاد مطهری: ج ۱۹، ص ۴۰۰

خود از دسترس مرد تا چه انـدازه مقام خود را بالا می برد. قطعاً اگر زن این حقیقت را درک کنـد در تمایل او به پوشـش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز تأثیر فراوانی داشته است.

بـدون شـکه پوشـش و حجـاب به حفـظ عفت و پاکـدامنی زن کمـک خواهـد کرد؛ زیرا بی عفتی، ریشه تمام فسادها و تباهی هاست و باعث متلاشـی شدن کانونهای گرم خانواده و در نتیجه سرگردان شدن فرزندان و گرایش آنها به ناهنجاریها و مفاسد اخلاقی است.

امـام زمان علیه السـلام در دعای خود می فرماینـد: {اللهم ارزقنا توفیق الطاعه وبعـد المعصـیه ... و علی النساء بالحیاء و العفه...؛ خدایا توفیق اطاعت و دوری از معصیت را روزی ما گردان... و به زنان، حیا و پاکدامنی عنایت فرما}. (۱)

پـدران و مادران موظفند فرزندان خویش را با سـجایای اخلاقی انسانی تربیت کنند و از دوران کودکی صـفات عالیه انسانی را در ضمیر آنان پرورش دهند.

امـام صـادق بعلیه السـلام می فرمایـد: {کونوا دعـاه الناس باعمالکم ولا تکونوا دعاه بالسـنتکم ؛ مردم را با عمل خود به نیکیها دعوت کنید نه با زبان خوده}. (۲)

هر قـدر پـدران و مادران بهتر و راسـخ تر، نقش الگویی را عهـده دار باشـند، تأثیر جـذب و رشـد اخلاقی فرزنـدان آنان بهتر و وسیع تر

۱- مصباح کفهمی: ص ۲۸۰

۲- ترتب الأستاد: ص ۰۷۷

صورت خواهد پذیرفت. لذا والدین باید تلاش کنند در امور دینی و اخلاقی و پرورش حیا و عفت برای فرزندان خود الگو باشند.

برهنگی و بی حجابی، دام شیطانی است.

ما در دنیای سراسر ظلم و بی عدالتی که زنان بیش از هر قشر دیگر در معرض ظلم و اهانت قرار دارند این افتخار را داریم که از دیدگاه مکتب ماء زن اصلی ترین ستون جامعه است و به همین جهت، شکل گیری شخصیت زنان بسیار قابل توجه است.

در دین مبین اسلام سفارش شده است که باید در تربیت و پرورش زنان کوشید؛ زیرا زنان محور اصلی جامعه می باشند، مرکز پیشرفت و ترقی اند، زن سازنده شخصیت انسانهاست و زن منتقل کننده ارزشها به جامعه است.

بنابراین اگر زنان با حقیقت اسلام آشنا شوند و به شخصیت حقیقی خود دست یابند، نه تنها قدرتهای پوشالی جهان هرگز نخواهند توانست آنان را در قالبهای خشک مادی، اسیر نموده و ماهیت انسانیشان را دگرگون کنند، بلکه دامان و افکارشان پدید آورنده هدایت گرانی خواهد شد که با قدرت اسلام برای نجات بشریت تلاش خواهد نمود.

یکی از عواملی که موجب می شود برخی از زنان ما تحت تأثیر هجوم فرهنگ منحط غرب قرار بگیرند، همان ضعف ایمان و عدم آگاهی و شناخت آنان از اسلام و تعالیم رهایی بخش آن است.

از نظر قرآن برهنگی و بی حجابی، دام بزرگ شیطان است. {یا بنی آدم لا یفتتنکم الشیطان کما أخرج ابونکم من الجنه ینزع عنها لباسهمالیر یهما انه یراکم هو وقبیله من حیث لاـ ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاءللذین لا یومنون؛ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را فریب دهد چنان چه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، جامه عزت از تن آنان برکند و قبایح آنان را در نظرشان پدید آورد. همانا آن شیطان و گروه وابسته به او، شما را از جایی و بگونه ای می بینند که شما، آنها را نمی بینید. ما شیاطین را اولیا و همکاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند». (۱)

یکی از مهمترین دامهای شیطان و اولیای اوه کشف حجاب و پوشش است که خداوند برای انسانها قرار داده است؛ زیرا لباس و حجاب، وسیله ای برای آراستن انسان به زینت عفت و حیا، تستوا و پاکدامنی، وقار و شخصیت است و شیطان می کوشد تا با وسوسه و وارونه جلوه دادن حقایق، حجاب و پوشش را زشت و کشف حجاب و برهنه ساختن اندام را زیبا و جذاب جلوه دهد و با گرفتن حیا و تقوایشان، بر آنان مسلط شود. .

بعضی از کوته فکران خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم به صورت عادی در می آید و دیگر، افراد تحریک نمی شوند!

ص:۶۴

۱- سوره اعراف: آیه ۲۷

از نظر جنسی شاید چنین باشد ولی عطش روحتی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد؛ بلکه پیوسته افزایش خواهد یافت. اگر چنین حرفی صحیح بود دیگر در غرب و اروپا از تجاوزات و خشونتهای جنسی خبری نبود.

دوری از خودنمایی

و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الأولی...، مانند عصر جاهلیت قبل از اسلام، خودنمایی و خودآرایی نکنید».(۱)

با توجه به آفرینش ویژه زن و آمیختگی زیبایی ظاهری، با احساسات و عواطف باطنی و تمایل به خودنمایی که در وجود زن، بطور محسوس و قوی به چشم می خورد، بدیهی است چه مفاسد و آثاری ببار خواهد آورد. درست مثل این است که انبار باروتی را در کنار جرقه های آتش قرار دهند. از این رو جهت جلوگیری از پیشامدهای نامطلوب، راهکارهای مختلفی در دین ارائه شده که از آن جمله، امر به حجاب و توصیه زنان به اجتناب از خودنمایی و حرکات تحریک آمیز است.

پیامبر اسلام صلی علیه وآله نهی فرموده که زن، برای مرد نامحرم زینت کند. اگر چنین کرد، حق است که خدا او را به آتش بسوزاند.(۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر زنی که برای غیر شوهر خود بوی

۱- سوره احزاب: به ۳۳.

۲- وسائل الشیعه ج ۷، ص ۱۵۴.

خوش استعمال کند، نماز او قبول نمی شود تا از آن بوی خوش غسل کند، آنگونه که از جنابت غسل می نماید».(۱)

قرآن صادق ترین بیانگر تاریخ امتهای گذشته است که به صراحت هلاکت بسیاری از امتها را به خاطر روی آوردن به فساد و سرپیچی نمودن از فرامین الهی مطرح می کند. خداوند در سوره عنکبوت به هلاکته برخی از اقوام گذشته اشاره می کند و می فرماید: فکلا أخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا علیه حاصبا ومنهم من اخذته الصیحه ومنهم من خسفنا به الارض ومنهم عن اغرقناوما کان الله لیظلمهم ولکن کانوا انفسهم یظلمون؛ ما هر طایفه ای را به کیفر گناهش مؤاخذه کردیم که بعضی را بر سرشان سنگ بلا فرو باریدیم و برخی را به صیحه عذاب آسمانی و برخی را به زلزله زمین و گروهی را به غرق دریا به هلاکت رسانیدم. خدا به آنان هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود، در حق خویش ستم کردند. (۲)

در آیه دیگر می فرماید: {ای پیغمبر! به همسران و دخترانت و به زنان مؤمن بگو که جلبابهای {روسریهای} خویش را بر خود فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، بهتر است و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.(۳)

با توجه به آیات بیان شده به این نتیجه می رسیم که خودنمایی

۱- مکارم الاخلاق: ص ۲۱۵
۲- سوره عنکبوت: آیه ۴۰
۳- سوره احزاب: آیه ۵۹

زنـان چگونه آتش هوا و هوس را در دلهای مردان روشن می نمایـد و آرامش روح و روان را به نا آرامی و بیماری مبـدل می سازد و با گذشت زمان دود این آتش چشمان زنان را هم اشک آلود خواهد نمود.

نقش اخلاق در حفظ عفت

اولین حقی که هم زن و هم مرد بایـد رعایت کننـد، خوش اخلاقی است، زیرا آنچه که کانون خانواده به شـدت به آن نیازمند است؛ نرمی، ملایمت، سازگاری، گـذشت، ایثار، فداکاری، صـفا و صـمیمیت است و محبت و عشق و علاقه از همین روحیات به وجود می آید.

همان طور که بـدن انسان برای سـلامت و تنـدرستی به خون نیازمنـد است تا همه اعضا به تحرک و فعالیت در آیند. در کانون خانوادگی هم آنچه که به افراد خانواده توان و قدرت کار و کوشش می دهد، خوش اخلاقی است.

اساساً اگر در هر محیطی، اخلاق حاکم نباشد، زندگی در آنجا از لذت و صفا برخوردار نخواهد بود.

رسول خدا صلی علیه وآله می فرمایند:{من به همسران خود از همه مهربان تر هستم هر که بخواهد به من نزدیک تر باشد باید با خانواده خود مهربان باشد}. (۱)

مرد می بایست به همسر خود، به خصوص در حضور دیگران

۱- سفینه البحار: ماده {رفق}

احترام بگذارد و این احترام باید توام با صمیمیت و مهربانی باشد. زن نیازمند دریافت محبت و احترام از شوهر است. مخصوصا در حضور دوستان و آشنایان این امر باعث می شود که زن از داشتن شوهر، احساس افتخار و سربلندی کند و این احساس، شوق او را به زندگی زناشویی و آمادگی وی را برای گذشت و بردباری در برابر محرومیت ها و سختی های احتمالی بیشتر می کند.

البته طبق فطرت الهی، خداوند مودت و محبت را از ابتدا بین زن و شوهر قرار داده است. اما معمولا انسانها با اشتباهاتشان، به این محبت ضربه می زنند. اگر منفی بافیها، بدبینی ها، زخم زبانها در زندگی راه پیدا کند، محبت خدادادی رخت بر می بندد.

از این رو در اسلام به مردان سفارش شده است که به زنان خود اظهار دوستی و محبت کنید چنانکه رسول خدا صلی علیه وآله می فرمایند: سخن مرد به همسرش که تو را دوست دارم، هیچگاه از قلب أو زدوده نخواهد شد. (۱)

مرد باید در ایجاد یک محیط آرام، صمیمی ، اطمینان بخش در خانواده خود بکوشد. تا همسر و فرزندانش تحت تأثیر محبت ظاهری و لفظی افراد خارج از محیط خانواده قرار نگیرند. بداخلاقی و عدم تفاهم شوهر و همسر در خانواده، باعث دلزدگی خواهد شد.

ان الخاسرین الذین خسروا أنفسهم وأهلیهم یوم القیامه ألا ذلك هو

ص:۶۸

۱- ورسائل الشیعه: ج ۱۴ ص ۱۰

الخسران المبین؛ همانا ورشکسته ترین افراد، کسانی هستند که خود و خانواده خود را {در اثر سوء تربیت یا کوتاهی در تعلیم و تربیت} در روز قیامت به زیان انداختند، هان! این همان خسران و زیان آشکار است (۱)

پس باید دانست که چگونه کانون خانواده را گرم و با معنویت نگه داشت و از بی روح شدن و به سردی گراییدن آن، پیشگیری کرد تا فرزندانمان با عقده های روانی و افسردگی، که از لوازم حتمی اینگونه کانونهای خانوادگی است پا به اجتماع نگذارند که بدون تردید این آغاز بزهکاری و دل مردگی اجتماع است.

به طور کلی برای آنکه کانون خانواده از هم پاشیده نشود باید ارضای غرائز جنسی را از محیط سالم خانواده و از چارچوب ازدواج خارج ننمائیم؛ زیرا هم خانواده را تباه می کند و هم محیط کار انسان را به فساد و تباهی می کشاند. اگر زندگی متزلزلی باشد، کاخها و خانه های مجلل هم بی روح و پوچ است. و اگر زندگی استوار و مستحکم باشد، خانه گلین هم پر از روح و نشاط است.

جلوه گری زن در محیط خانه و برای شوهر از ارزشهای والاست و در مقابل جلوه گریهای او در محیط خارج و برای مردان بیگانه از ضد ارزشهای شوم است؛ زیرا این جلوه گری ها با بی بند و باری و هرزگی زن در خارج از خانه و در محیط کار و اجتماع همراه است و

۱- سوره زمر: آیه ۱۵.

بدون شک در بعد مادری، او را ناموفق می سازد و در نتیجه فرزندانی ناصالح و ناسالم به جامعه ارائه خواهد داد.

حفظ عفاف اجتماعی

حفظ عفاف اجتماعی هم، به عفاف زنان بستگی دارد. آنهایی که می خواهند برای نیل به مقاصله شیطانی خود، بی بند و باری و هرزگی را در جامعه رواج دهند، زنان را ملعبه و بازیچه خود می کنند.

کافی است برای به فساد کشیدن یک جمعیت، تعدادی از زنان هرزه و فاسد در بین آنها راه پیدا کنند. آنچنان زشتی ها و مفاسد اخلاقی را بین مردم رواج می دهند که بعد از مدت کوتاهی این مفاسد برای مردم عادی به نظر می رسد.

ممکن است بعضی از بی حجابها، بی بند و بار نباشند؛ ولی بی حجابی، مقدمه بی بند و باری است و خود، زمینه ساز مفاسد جنسی است.

بدون شک زنان برای اینکه در بعد اجتماعی، حد اعلای موفقیت را به دست آورند و محیط مقدس کارشان به هرزگیهای شهوانی آلوده نشود، باید حجاب اسلامی خود را حفظ نمایند.

وقتی کار و شهوت به هم در آمیخت، هم بازده کار کم می شود و هم ثبات و اطمینان و اعتماد از محیط خانواده رخت بر می بندد..

آری! فرهنگ منحط غرب با جوسازیها و تبلیغات پوچ، جلو چشمهای بینا، گرد و غبار هوا و هوس می افشانند تا آنها را از تماشای حقیقت باز دارند.

حجاب و جذابیت

اصولاً ـ ارتباط کمتر و دوری از شیء مطلوب به جذابیت آن را بیشتر می کند. از این رو پوشش زن، جذابیت او را در نظر جنس مخالف بیشتر کرده و تلاش و پیگیری اش را برای وصال فزونی

خواهد بخشید. شکوفایی ذوقهای ادبی، نگارش داستانهایی نظیر لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین و ... همه در سایه حجاب زن و مهجوری مرد، تحقق یافته است. بنابراین اگر زنان خواهان تحکیم موقعیت و افزایش شخصیت و محبوبیت خویش اند باید آن را در پناه حجاب بدست آورند. از

بدون تردید یکی از علل بالا رفتن سن ازدواج در جوانان که آنها را از تن دادن به تشکیل خانواده و احساس مسوولیت دور می نماید، همان گسترش بد حجابی و بی بند و باری می باشد. اگر چه این زنان با جلوه گری و هرزه گی و خودنمایی، نظر مردان را به سوی خود جلب می کنند و یاد خدا را از دل مردان بیرون می نمایند و منظره های شهوت انگیز و محرک را در ذهن و دل آنها جای می دهند؛ اما غافل از این هستند که مردان به همان اندازه و شاید بیشتر، بدبینی نسبت به جنس زن پیدا می کنند و در مورد انتخاب همسر وسواس زیادی نشان می دهند و میگویند از کجا بشناسیم یا اطمینان پیدا کنیم که همسر آینده ما ختوب و صالح باشد.

حجاب و مسؤولیتهای اجتماعی

هر انسانی در برابر خود و جامعه انسانی خود متعهد و مسؤول می باشد. چنانچه قرآن می فرماید: «إن السمع والبصر والفؤاد کل أولئک کان عنه مسوولا؛ گوش و چشم و دل، همگی در برابر کارهایی که انجام داده اند مسؤولند، از آنها سوال می شود. (۱)

آری! هر سخنی که می گوییم، ثبت و ضبط می شود و هر گامی که بر می داریم در حساب ما نوشته می شود و مسؤول تمام اعمال و قضاوتها و اعتقادات خود هستیم.

این مسؤولیت عام است؛ یعنی هم شامل زنها می شود و هم مردها. زنها و مردها در برابر اعمالی که انجام می دهند چه در خانواده و چه در اجتماع، مسؤول هستند و در برابر کوچکترین تخلف و عدم مسؤولیت باید در پیشگاه الهی در قیامت حساب پس بدهند. در آنجا حتی اعضا و جوارح انسان علیه او گواهی می دهند. {حتی إذا ما جاووها شهد علیهم سمعهم وأبصارهم وجلودهم بما کانوا یعلمون؛ چون همه بر دوزخ رسند، آن هنگام گوش و چشمها و پوست بدنها بر جرم و گناه آنها گواهی میدهند».(۲)

دین اسلام در مسائل اجتماعی همواره برنامه هایی را ارائه می دهد که منش و شیوه زندگی اجتماعی درست را تأمین می کند و به ارائه روشهایی مبادرت می ورزد که موجب تحکیم روابط اجتماعی و آرامش روانی انسان در زندگی فردی، اجتماعی می گردد.

ص:۷۲

۱- سوره اسراء آیه ۳۱

۲- سوره فصلت: آیه ۲۰.

آیا چادر مشکی، سبب افسردگی روحی است؟

برخی می گویند: اولاً چادر گران است و مانتو از نظر اقتصادی با صرفه تر می باشد و ثانیاً: رنگ مشکی باعث به وجود آمدن انواع ناراحتی های روحی و روانی و سببه افسردگی می گردد، پس بهتر است چادر مشکی به چادر صورتی و زرد و قرمز تبدیل گردد.

در رد این نظریه بیان مطالب زیر مفید است

اولاً: وقتی یک زن چادری را که در طول یک یا دو سال یک چادر بیشتر لازم ندارد با خانمی که بدون چادر هر هفته با یک لباس و یک نوع رنگ به همراه انواع آرایش بیرون می آید در نظر میگیریم به مراتب از نظر اقتصادی چادر با صرفه تر خواهد بود. بلکه آن خانمهایی که همواره به چادر اشکال می کنند. گاهی مانتویشان چندین برابر قیمت یک چادر است.

ثانیاً: مگر زن مسلمان می خواهید همیشه چادر سرش نماید تا رنگ مشکی اثر منفی از جهت روانی داشته باشد، بلکه چادر را برای اوقات کمی که در بیرون از منزل هست استفاده می کند و در درون خانه و مکانی که نامحرم نیست می تواند از لباسهای خوش رنگ و مناسب استفاده کنند که اسلام هم روی این موضوع تاکید نموده است.

ثالثاً: اگر این حرف شما صحت داشته باشد باید همه خانمهای بدحجاب و زنانی که از انواع لباسها و اقسام رنگهای شاد در خیابان استفاده می کنند و نظر مردان، به ویژه جوانان لاابالی را به خود جلب می کنند، از نظر روانی و روحی سالم ترین زنان باشند و از نظر

ص:۷۳

اجتماعی و اخلاقی و مشکلات خانوادگی مانند طلاق، متارکه و... کمترین ناراحتی را نداشته باشند. در حالی که آمار چیز دیگری را نشان می دهد و اصلاً بر مبنای شما جوامع غربی باید شاداب ترین و سالم ترین مردم را از نظر روحی و اخلاقی داشته باشند. در حالی که همه می دانند و خود غربیها هم بارها اعتراف کرده اند که کشورهای غربی بالاترین آمار را از نظر مشکل اخلاقی و روحی در بین جامعه خود دارند.

رابعاً: اگر چه بعضی از رنگها بر بعض دیگر، از جهات مختلف برتری دارند. ولی تمام رنگها اعم از سفید و آبی و قرمز و سیاه نشانه عظمت و قدرت خدای تواناست.

بر همین اساس قرآن کریم رنگ سیاه بعضی از کوهها را جزء آیات و نشانه قدرت حق تعالی می داند. اگر رنگ سیاه به گمان شما این قدر از نظر روانی برای بشر خطرناک بود خداوند حکیم قسمتی از طبیعت و بعضی از انسانها و چیزهای دیگر را سیاه نمی آفرید و اگر حرف شما صحت داشت بایستی خداوند حکیم رنگ سیاه را از عالم هستی می زدود. پس وجود آن، نشانه زیبایی نظام آفرینش اعم از کوه، انسان و اشیاء دیگر است.

از همه مهمتر وقتی انسانی اطلاع از دین و رابطه مناسبی با آن و معنویت نداشت، دچار جهل و تحت تأثیر تبلیغات دشمنان اسلام قرار می گیرد و الا با این همه آثار و فواید حجاب، بالاخص چادر اینقدر اشکال و سر و صدا ندارد. و باید بدانیم ریشه تمام این مسائل دو چیز

است: یکی عدم معنویت و نداشتن آگاهی از دین در بعضی از مسلمانان و دیگر آنکه دشمن می داند تا وقتی که این حجاب و چادر بر سر زنان و غیرت در بین مردان وجود دارد نمی تواند به اهدافش

برسد.

رنگ چادر مشکی از نظر روانشناسی

(۱)

در روانشناسی رنگ ها می خوانیم که {سیاه نمایانگر مرز مطلق است؛ لذا آن کسی که سیاه می پوشد، می خواهد نشان دهد که مرزی را ایجاد کرده است. اما این که این مرز برای چیست، در موقعیتهای مختلف ممکن است متفاوت باشد. گاه لباس سیاه را در ماتم و عزا می پوشند، برای آنکه نشان دهند بین آنها و عزیزشان فاصله افتاده و مرز زندگی آنها را از هم جدا کرده است و با نشان دهند که در حریم خانه و خانواده آنها حادثه ای رخ داده است که انجام برخی از کارهای معمولی که سایر خانواده ها انجام می دهند برای آنان میسر نیست.

اما گاهی هم سیاه می پوشند نه برای عزا و ماتم، بلکه برای مشخص کردن مرزها و حریم های اجتماعی، و حجاب یک خانم مسلمان یا چادر سیاه از این دسته است.

وقتی که خانمی چادر مشکی به سر می کند و با وقار و متانت تمام، قدم به عرصه اجتماع می گذارد، با این نحوه پوشش می خواهد نشان دهد که هر کسی حق ندارد به این حریم پاک، مقدس و

۱- ر. ک. روان شناسی رنگ ها: ماکس لوشر: ترجمه ویدا ابی زاده

خصوصـی وارد شـود. این حریم، حریم حرمت، حیـا و احـترام است. نه جـای هرزگی، آلـودگی و هـوس بـازی. در واقـع او با حجـاب مشـکی و چادر سـیاه بین خود و مردان نامحرم مرزی عاقلانه ایجاد می کنـد، او با این سـیاهی ظاهری اما ریشه دار در درون خود، می خواهـد نگاه تیز و برنده هرزگی را بشـکند و نگذارد در حریـم عفاف، پاکی و نجابت او نامحرمی وارد شود و حرمته او را از بین ببرد.

لـذا چادر مشـکی به منزله حرمت و احترام است. مرز ادب، کرامت، حیا و عفت است. مرز آداب است و نشان می دهـد که در این محدوده باید حریم را نگه داشت و به صاحب حرم با دیده احترام و ادب نگریست.

از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه سیاهی را می بیند، دیگر چندان رغبتی به نگاه کردن پیدا نمی کند و خود به خود نظر را بر می گردانـد. نگاه به رنگ های روشن، چشم را باز و رغبت مشاهده و تمرکز بر دیدن را چند برابر می کند. به عبارت دیگر از دیدگاه روان شناسی رنگ ها با نگاه به رنگهای تیره به ویژه رنگ سیاه که بی رنگی مطلق است تقریباً تمام رغبت ها را از بین می برد. بنـابراین بایـد به روان شناسـی و جـامع نگری زن ایرانی آفرین گفت که برای حفظ حرمت، عفت و پاکـدامنی خود و همچنین پاسـداری از مرزهای زنـدگی فردی و اجتماعی خویش و برای سالم سازی محیط اجتماعی خود، بهترین حجاب یعنی چادر و مناسب ترین رنگ یعنی مشکی را انتخاب کرده است.

ص:۷۶

زنـان و دخـتران نجیب ایرانی برای حفـظ حرمت و احـترام خود و برای سـالم سـازی محیـط اجتمـاعی خویش و برای دور نگه داشـتن خود و جامعه از آلودگی ها، وقتی که از خانه بیرون می آینـد چادر مشـکی بر سـر می کننـد و پس از انجام کارهای روزمره و ضـروری خود با قلبی آرام و فکری آزاد و سالم وقتی که به خانه بر می گردند چادر مشـکی را از سر بر می دارند و در محدوده خانه با پوشـیدن بهترین لباس ها و با جذاب ترین رنگ ها، طراوت، زیبایی، گرمی و شادابی خود را برای همسر و همدم و مونس خویش به نمایش می گذارد و به محیط خانه صـمیمیت، صفا و آرامش می بخشند و به شریک زندگی خود با کمال سـرافرازی و صداقت اعلام می دارند که امانت وجودم را در صیانت صدف محکم چادر مشکی بدون دستبرد نگاه های آلوده به خـانه برگردانـده ام.علم روان شناسـی می گویـد: «سـیاه به معنی «نه» بوده و نقطه مقابل، «بله» یعنی سـفید است. با این نگاه باید گفت: آن کس که در مقابل نامحرم سـیاه می پوشد در واقع می خواهد به او «نه» بگوید. و آن کس که رنگ سفید، رنگارنگ و جذاب می پوشد راه نگاه ها را به سوی خود باز می گذارد و در واقع خواسـته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه های هرزه و آلوده قرار می دهد و وسیله آلودگی انحراف و جامعه را فراهم می کند.

ماکس لوشـر متخصـص در روان شناسـی رنگ ها معتقـد است: {سـفید به صـفحه خالی می مانـد که داسـتان را باید روی آن نوشت، ولی

سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد.} بنابراین زنی که در برابر نامحرم و در بیرون از خانه لباس سفید و رنگارنگ می پوشند، از ایمنی کمتری برخوردار است ولی زنی که چادر سیاه می پوشد، حداکثر ایمنی را برای خود ایجاد کرده است و نشان می دهد که اینجا نقطه پایان نگاه های نامحرمان است و در فراسوی این پوشش جایی برای نفوذ نگاه ها و نبت های ناپاک نیست. در جای دیگری در بحث روانشناسی رنگ ها می خوانیم که :{سیاه نشانگر ترک علاقه یا انصراف نهایی بوده و از تاثیری قوی بر هر رنگی که در همان گروه در کنار آن قرار گرفته باشد، برخوردار است و خصلت آن رنگ را مورد تأکید و اهمیت قرار می دهد.}

از این رو کسی که چادر مشکی می پوشد، می خواهد با رنگ سیاه چادر دائما جلوه و نمای خود را نفی کند و خود را از نگاه های دیگران دور نگه دارد. رنگ مشکی چادر او نشانگر ترک علاقه یا انصراف نهایی است. یعنی چادر مشکی به نگاه های نامحرم می گوید: هیچ جایگاهی برای نگاه شما در من وجود ندارد و من کاملا از شما روی گردانم و به دیگران می گوید که نگاه شما به سوی من جز ضرر برای خودتان و من نتیجه دیگری ندارد.

وقتی رنگ مشکی در کنار رنگ دیگری قرار می گیرد، تأثیر آن رنگ را تقویت کرده، خصلت آن رنگ را مورد تأکید و اهمیت قرار می دهد. به عنوان مثال اگر لباسی سیاهی در کنار یک پنجره رنگین آویزان باشد، هر بیننده ای که به آن سو بنگرد نگاه او به طرف پنجره

جلب خواهد شد و به لباس توجهی نخواهد کرد. این امر به خاطر آن است که رنگ سیاه لباس، خاصیت خود را نفی کرده و در عوض خاصیت رنگ پنجره را تقویت نموده است.

به همین علت وقتی خانمی چادر مشکی به سر می کند و در خیابان راه می رود، ناظری که از دور به او و اشیای فراوان رنگی اطراف مثل اتومبیل ها، مغازه ها و غیره نگاه می کند، بی اختیار اشیا و پوشش رنگی نظر او را به خود جلب کرده و در بسیاری اوقات شخص بیننده اصلا به آن رنگ مشکی توجهی نکرده و رد می شود. آری! بانوانی که می خواهند به بهترین شکل عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند و تیرهای زهرآلود نگاه غیر خودی را دفع کنند، حجاب برتر یعنی چادر را می گزینند. بنابراین بهترین حجاب زنان در بیرون از خانه و در محیط اجتماع و به طور کلی در برابر نامحرمان، چادر مشکی است که علم روان شناسی نیز آن را تأیید می کند.

ص:۷۹

فصل ششم: فلسفه حجاب

اشاره

دین مبین اسلام همواره بر تحصیل معرفت، تأکید نموده است؛ چرا که ریشه همه خوبی ها و فضایل و زیبایی های اعتقادی و اخلاقی، شناخت و معرفت و ریشه همه زشتی ها و گناهان، نادانی و عدم شناخت و معرفت صحیح به اصول اعتقادی و احکام سازنده دین اسلام است. بر همین اساس، قرآن کریم به پیروان خویش می آموزد که عمل و رفتار و گفتارتان باید همواره بر منطق صحیح و واقع گرایانه وحی و عقل متکی باشد و از هر گونه سطحی نگری و تقلیدهای نسنجیده به دور باشد.

شناخت حق و باطل و پی بردن به حقانیت یا بطلان همواره لازم و ضروری است به ویژه در مورد پدیده های عصر حاضر همچون بدحجابی، مدگرایی و خودآرایی که با ترفندهای شیطانی توسط دشمنان اسلام برای تاریکی ساختن فضای جامعه و کم رنگ نمودن ارزشهای اسلام به شدت دنبال می شود. از این رو در این قسمت بر آن هستیم تا با بیان مطالبی پیرامون فلسفه حجاب در اسلام، افراد جامعه به ویژه بانوان مسلمان را هر چه بیشتر با این مسأله ارزشمند، آشنا

ص:۸۳

سازیم تا معرفت و شناخت آنان نسبت به این موضوع بیش از پیش افزایش یابد و از بازیچه قرار گرفتن در دست استعمارگران و سودجویان محفوظ مانند.

رفتاری عاقلانه و منطقی

الف: بر اساس حکم عقل، هر گوهر ارزشمند و دوست داشتنی باید از دستبرد بیگانه محفوظ بماند وگرنه از دست می رود و یا آسیب می بیند؛ از این رو زن هم که در ظاهر جنس لطیف و در باطن حقیقت شگرفی است، دارای محبوبیت و ارزش والایی است و باید در صدف عفاف و پوشش اسلامی قرار بگیرد، تا عظمت و ارزش و محبوبیت او حفظ و از تماس بیگانه و نگاه او در امان باشد

به بیان دیگر عقل در می یابد که هر انسانی طبیعت تحت تأثیر لطافت ها و زیبایی ها قرار گرفته و مجذوب آنها می شود و از آن جا که زن از لطافت و زیبایی خاصی برخوردار است، باعث ایجاد هوس و تحریک مردان گردیده و منزلت و شخصیت او مورد غفلت واقع می گردد و این موضوع زمینه را برای جذب غیر مشروع به زن فراهم می آورد و زیانها و فاجعه های جبران ناپذیری به وجود می آید؛ به همین دلیل باید در پرتو حجاب و پوشش عفیفانه از انحرافات جنسی در جامعه جلوگیری شود که این بهترین خدمت به زن و حفظ منزلت، شرافت و حرمت اوست.

ب: از نگاه عقل، آزادی های جسمی در جامعه باید به اندازهای

ص:۸۴

باشـد که به آزادی های روحی و معنوی آسـیب نرساند؛ زیرا که لازمه آزادی بی قید و شـرط، اسارت عقل و زندان روح و از میان رفتن اسـتعدادها و توانایی های والای انسانی زن و دیگر افراد جامعه است، که عمل درست و حقی نخواهد بود و از آنجا که پوشش کامل و عفاف زمینه رشد استعدادهای فطری و آرامش روحی و روانی و تکامل زن و افراد جامعه را فراهم می کند حق و فضیلت است.

بنابراین، مصـلحت استعداد های عالی و روح ملکوتی زن و افراد جامعه می طلبد که آزادی جسمی و رفتاری و پوشاکی، تحت کنترل قرار گرفته و در جهت مصالـح عـالی فرد و به سوی کمالات حفظ شـده، در نتیجه نشاط و آرامش و اعتلای شخصـیت تحقق یابد.

کمال بخشی به زن

به طور کلی از ملاکهای حقانیت و فضـیلت هر عمل، تأثیر آن در تکامل و سـعادت انسان است؛ همان گونه که میزان ارزش و فضـیلت هر امر حتی به اندازه نقش آن در تأمین نیازها و تکامل انسان و نزدیکی به خداوند می باشد؛ چنان که از ویژگی های قوانین و دسـتورهای حکیمانه اسـلام، حیات بخشـی و کمال آفرینی و تأثیر آن در تأمین نیک فرجامی انسان است، قرآن مجید می فرمایـد: «ای کسـانی که ایمان آورده ایـد، دعوت خداونـد و پیامبر را اجابت کنیـد، هنگامی که شـما را به سوی چیزی می خوانند که مایه حیات و رشد

شما می باشد. (۱) بدون شک خودنمایی، بی بند و باری و پیروی از مدهای رایج، نه در حیات طبیعی و نیازهای واقعی جسمی ضرورت دارد و نه پاسخگوی نیازهای روحی و روانی و تکامل بخش زندگی معنوی می باشد، بلکه به هر دو بعد حیات مادی و معنوی آسیب می رساند و سلامت جسمی و روحی افراد را به مخاطره می اندازد.

به راستی کدام زنی توانسته با پوشش ها و رفتارهای ناهنجار، حرکت تکاملی و رشد معنوی داشته و به خداوند تقرب یافته باشد.

بنابراین، حجاب به عنوان یک رفتار ارزشمند و اخلاقی برای بانوان بسیار حیات بخش و تکامل ساز است و مسیر رشد و تعالی را برای آنان هموار می سازد.

ارضای خواسته فطری

به طور کلی شخصیت ذاتی انسان کمال جو و حقیقت طلب است و زمینه محبت و عشق به خدا و پاکی و انسانیت و بیزاری از کفر، فسق و عصیان در عمق جان او به امانت گذاشته شده است؛ زیرا که دین اسلام، دین فطرت می باشد و به همان اموری هدایت می کند که فطرت انسانها به سوی آن هدایت می نمایند؛ و هیچ قانون و حکم مخالفی، ساختار روح و جسم آدمی را در بر نمی گیرد.

۱- سوره انفال: آیه ۲۴.

نتیجه آن که انسان می تواند عقاید، اخلاق، اعمال و اشیاء، به ویژه پدیده ها و مدل های نو را با محک فطرت و ادراک باطنی خویش بسنجد و از حقانیت یا بطلان و فضیلت یا رذیلت آنها آگاهی یابد. البته در پاره ای از موارد و مصادیق، وحی و دین راهنمای اصلی به شمار می رود.

پوشش و حجاب عفیفانه، ندا و دعوتی است که زن آن را در عمق جان خود می شنود و کششی است که از درون خود به سمت آن گرایش پیدا می کند و از بی حجابی، بدحجابی و خودنمایی انزجار و تنفر دارد و از آن جا که منشأ امور فطری، آفرینش انسان است لذا در همه افراد به طور یکسان وجود دارند هر چند عواملی مانند تربیت خوب یا بد، تبلیغات سازنده یا مخرب، محیط فاسد و ناسالم در شکوفایی و رشد یا ضعف و کاهش و حتی به خاموشی گراییدن نور فطرت در باطن مؤثر هستند.

یک نشانه بر فطری بودن حجاب آن است که کتاب های تاریخی و آثار تمدن های مختلف گواهی می دهد که فرهنگ حجاب همواره در میان زنان مرسوم بوده و اختصاص به مذهب یا دین خاصی ندارد.

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله در این باره می گوید:

{و به طور کلی بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی، از قبیل حیا، عفاف و از آن جمله استه تمایل به ستر و پوشش زن از مرد و در این جا نظریاتی ابراز شده که دقیق ترین آنها این است که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گران

بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است (۱)

به طور کلی مرز حفظ و ماندگاری یک قانون و آیین، موافق بودن آن با فطرت و طبیعت و نیازهای بشری است. بر این اساس فرهنگی ابتذال و بد حجابی و بی حجابی بر خلاف فطرت زن است و اگر چه به خاطر برخی عوامل خارجی و غفلت ها و ناآگاهی ها در کوتاه مدت رواج یابد؛ لیکن پایدار نخواهد بود.

حرمت بخشیدن به زن

زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است، حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگاه داشتن وی از نگاههای شهوانی و حیوانی است. چنانچه زن، حدود را رعایت ننماید؛ هر بیمار دلی به او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می شکند. آن شخصیتی که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند، تحت تأثیر دیدهای آلوده به گناه به طرف شهوات سوق داده شده و در نتیجه هویت واقعی اش را فراموش کرده در چنگال بیماردلان و هوسبازان، گرفتار می آید و از منش انسانیش سقوط کرده و به غرقاب حیوانیت می رود.

کلام گهربار حضرت زهرا علیه السلام با نشانگر لزوم حفظ جایگاه والای زن است که فرمود: «خیر النساء لایرین الرجال ولا یراه الرجال؛ بهترین

ص:۸۸

۱- مسأله حجاب: استاد شهید مطهری، ص ۶۲.

زنان، زنانی هستند که مردی را نبینند و مردی هم آنها را نبیند».(۱)

در قرآن، آنگاه که حدود پوشش را مطرح می سازد به این حکمت اشاره می نماید: «ذلک أدنی أن یثرن قلا بود؛ این پوشش نزدیک تر است که زنان، به حیا و عفاف شناخته شوند و مورد اذیت نااهلان واقع نشوند. (۲)

مبارزه با نفس

میل به خودنمایی و جلوه گری به مصالحی در سرشت زن، وابسته است که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون سایر میل ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات مطلوبی خواهد داشت و در جهت کمال أو

کار آمد خواهد بود و در مسیر فراهم آوردن محیطی مناسب همراه با زندگیش، سودمند خواهد شد؛ چرا که هیچ گرایش درونی بدون دلیل در وجود انسان به ودیعت نهاده نشده است. اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد و خودنمایی و جلوه گری همواره و در همه جا نمود داشته باشد، قطعا فساد آفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه های ناهنجاری در جامعه تأثیر خواهد گذاشت، پوشش را می توان مهمترین عامل تعدیل این میل دانست. اشاره لطیفی به این مطلب در کلام امیرالمؤمنین علی الا اسها: «زکاه الجمال العفاف؛ زکات زیبایی،

ص:۸۹

۱- مکارم الاخلاقی: ص ۲۳۲

۲- سوره احزاب: آیه ۵۹

عفاف است. (۱)

زیبایی برای زن، سرمایه است، اما باید به جا مصرف شود و زکات جمال زن، حفظ عفاف و پوشش است. مانند سازی جمال زن به سرمایه، نشانگر آن است که از یک سوی سودمند و کارآمد است و از سوی دیگر کنترل شدنی و تعدیل بافتنی می باشد و اشاره است به اینکه در صورت مرزشکنی، فتنه انگیز و فساد آفرین خواهد بود.

جواز کشف حجاب در مقابل محارم از جمله شوهر، این غریزه را جهت می دهد که خود آرایی زن مختص به شوهر است و منع آن در برابر نامحرم، این غریزه را کنترل می سازد و از مرزشکنی جلوگیری می کند، این غریزه می تواند گامی در جهت مبارزه با سایر خواهشهای نفسانی باشد. وقتی زن در جهت کنترل این خواهش، اقدام نمود آمادگی غلبه بر دیگر خواهشها را تحصیل کرده و در جهت رشد و تعالی خود حرکت می نماید.

-

حضور سازنده در اجتماع

بدون تردید، اندام زن به ویژه اگر به آرایه ها و پیرایه هایی، آراسته گردد هیجان انگیز و هوس آفرین است. از سوی دیگر زن، بخش عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه را تشکیل می دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی می تواند نقش آفرینی

۱- میزان الحکمه: ج ۶، ص ۲۶۵۷

قابل توجهی داشته باشد..

اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت حضوری، سازنده در اجتماع برای او رقم می زند و با دستورهای حکیمانه و رهگشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده، از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه ای بی هدف و بی اثر ماندن نجات داده، و از سوی دیگر جلوی فساد گستری و ناهنجاریهای ناشی از اختلاط مرد و زن را گرفته است. همه آحاد جامعه در مقابل سلامت نفسانی جامعه مسئولند و مسئولیت مهمتر در این باره بر دوش خانمهاست. دقت در آنچه گفتیم بی پایه و اساس بودن تفکر هوس رانهایی را که حجاب را حصار تلقی کرده و برای موهای خود، زن را برای شکستن به اصطلاح حصار دعوت میکنند، روشن می شود و به خوبی دانسته می شود که حجاب عملا عامل مهمی است در جهت آزادی زن ته اسارت او، مهم این است که تلقی ما از آزادی دقیقه روشن باشد.

ایجاد امنیت

جامعه موظف است امنیت را در ابعاد مختلف، برای افراد فراهم سازد، بخش عمده ای از این مهم به عهده زن است که با حفظ پوشش به این امر جامه عمل بپوشاند. اگر این حریم دریده شود ضمانتی برای سلامتی شخص وجود ندارد، زن چون از حصار منیع حجاب درآمد، در معرض دیدهای آلوده و قلبهای فاسد و منحرف قرار

می گیرد و آرامش خود را از دست داده و نهایتا در تلاطم امواج بلا گرفتار می شود.

در سایه رعایت عفاف، زن با شهامت هر چه تمام تر به وظیفه خود مشغول شده و خطری از ناحیه اجتماع متوجه وی نمی شود. به این صورت با قاطعیت تمام معتقد هستیم که پوشش، امنیت زن را درجامعه فراهم می سازد و در حریم پوشش است که می توان با خیالی آسوده به جامعه آمد و به فعالیت پرداخت و در سنگر حجاب، حضور عینی خود را در ابعاد مختلف اجتماع، تحقق بخشید

ص:۹۲

فصل هفتم: بررسی ایراد ها واشکال ها بر حجاب

حجاب و اصل آزادی

از جمله ایرادهایی که بر حجاب گرفته اند. این است که حجاب موجب سلب حق آزادی، که یک حق طبیعی بشری است می گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می رود

می گویند: احترام به حیثیت و شرفه انسانی، یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر است. هر انسانی شریف و آزاد است، مرد باشد یا زن، سفید باشد یا سیاه، تابع هر کشور یا مذهبی باشد. مجبور ساختن زن به اینکه حجاب داشته باشه بی اعتنایی به حق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی اوست و به عبارت دیگر، عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن، و هم چنین حکم موافق عقل و شرع ایجاب می کنند که این امر از بین برود و هیچ کس بدون علت نباید اسیر و زندانی گردد، و ظلم به هیچ شکل و به هیچ بهانه نباید واقع شود.

پاسخ: حجاب در اسلام وظیفه ای است بر عهده زن که دز معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در پوشش مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است، نه چیزی

ص:۹۵

است که با حیثیت و کرامت او مناقات داشته باشد و با تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود.

اگر رعایت پاره ای از احکام دینی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت، روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین ببرند، چنین مطلبی را نمی توان زندانی کردن یا بردگی نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل آزادی فرد دانست.

در کشورهای متمدن جهان در حال حاضر چنین محدودیتهایی برای مرد وجود دارد. اگر مردی برهنه یا در لباس خواب از خانه خارج شود پلیس ممانعت کرده، به عنوان اینکه این عمل بر خلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می کند. هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی، افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند؛ مثلا با لباس کامل بیرون بیایند، چنین چیزی به بردگی نام دارد و نه زندان، و نه ضد آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد عقل به شمار می رود. "

بر عکس پوشیده بودن زن، در همان حدودی که اسلام تسعبین کرده است، موجب کرامت و احترام بیشتر اوست؛ زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق، مصون می دارد.

احکام دین اسلام که تأمین کننده شرافت زن است اقتضا می کند که هنگامی که از خانه بیرون می رود متین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملا مرد را به سوی خود دعوت نکند، زبان دار لباس نپوشد، زبان دار راه نرود، زبان دار و معنی دار به سخن خود آهنگ

ندهد.

آیا حیثیت زن ایجاب می کند که این چنین باشد؟ آیا اگر ساده و آرام بیاید و برود، حواس پرت کن نباشد و نگاههای شهوت آلود مردان را به سوی خود جلب نکند، برخلاف مصالح اجتماع یا برخلاف اصل آزادی فرد است؟

آری! اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس و در را به رویش بست و به هیچ وجه اجازه بیرون رفتن از خانه به او نداد، البته این با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. چنین چیزی در حجاب های غیر اسلام بوده ولی در اسلام نبوده

ونیست (۱)

حجاب و افزایش التهابها

ایراد دیگری که بر حجاب گرفته اند این است که ایجاد حریم میان زن و مرد بر اشتیاقها و التهاب ها می افزاید و طبق اصل «الانسان حریص علی ما منع منه»، حرص و ولع نسبت به اعمال جنسی را در زن و مرد بیشتر می کند، به علاوه، سرکوب کردن غرایز موجب انواع اختلالهای روانی و بیماریهای روحی می گردد.

در روانشناسی جدید و مخصوصا در مکتب روانکاوی فروید روی محرومیت ها و ناکامی ها بسیار تکیه شده است. فروید چنین اعتقادی دارد که ناکامی ها معلول قیود اجتماعی است و پیشنهاد می کند تا ممکن است باید غریزه را آزاد گذاشت تا نا کامی و عوارض ناشی از آن پیش نیاید.

۱- ر. که. مسأله حجاب، مرتضی مطهری: ص ۸۴ - ۸۸.

برترانـد راسـل در جنوب این سؤال که: آیا شـما عقیـده داریـد انتشار موضوع های منافی عفت علاقه مردم را به آنها زیاد نمی کند؟ جواب می دهد:

علاقه مردم نسبت بدانها نقصان می یابد. فرض کنید چاپ و انتشار کارت پستالهای منافی عفت مجاز و آزاد گردد. اگر چنین چیزی بشود این اوراق برای یک مـدت یکسال با دو سال مورد اسـتقبال واقع شـده سـپس مردم از آن خسـته می شوند و دیگر کسی حتی به آنها نگاه هم نخواهد کرد.

پاسـخ: درست است که ناکـامی، به خصـوص ناکـامی جنسـی، عـوارض وخیم و نـاگواری دارد و مبـارزه بـا اقتضـای غرایز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است، ولی برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی کند بلکه بر آن می افزاید.

اینکه راسل می گوید: اگر پخش عکسهای منافی عفت مجاز بشود پس از مدتی مردم خسته خواهند شد و نگاه نخواهند کرده دربـاره یـک عکس به خصوص و یک نوع بی عفتی صادق است. ولی در مورد مطلق بی عفتی ها صادق نیست؛ یعنی از یک نوع خـاص پی عفتی خسـتگی پیـدا می شود. بـدین معنی که آتش و عطش روحی زبـانه می کشـد و نوعی دیگر را تقاضا می کند و این تقاضا هرگز تمام شدنی نیست

واسـل در کتاب «زناشویی و اخلاقه اعتراف می کنـد که عطش روحی در مسائل جنسـی غیر از حرارت جسـمی است. آنچه با ارضاء تسکین می یابد حرارت جسمی است که عطش روحی

حاجت های طبیعی بر دو قسم است: یک نوع حاجت های

محدود و سطحی است؛ مثل خوردن و خوابیدن. در این نوع از حاجتها همین که ظرفیت غریزه اشباع و حاجت جسمانی مرتفع گردد، رغبته انسان هم از بین می رود و حتی ممکن است به تنفر و انزجار مبـدل گردد. ولی یک نوع دیگر از نیازهای طبیعی، عمیق و هیجان پذیر است مانند پول پرستی و جاه طلبی

غریزه جنسی دارای دو جنبه است، از نظر حرارت جسمی از نوع اول است ولی از نظر تمایل روحی دو جنسی به یکدیگر چنین نیست.

به طور مثال: هر جامعه ای از لحاظ خوراک مقدار معینی تقاضا دارد، و تا میزان معینی اشباع می شود. اما درباره ارضای حس مال پوستی و پول پرستی حدی را نمی شناسد و در این ارتباط اشباعی وجود ندارد.

علم دوستی هم همین حالت را دارد. در حدیثی از پیغمبر اکرم آمده است: «منهومان لایشبعان طالب علم و طالب مال؛ دو طایفه هرگز سیر نمی شوند: یکی جوینده علم و دیگر طالب ثروت»،

(۱) هر چه بیشتر به آنها داده شود اشتهایشان زیادتر می گردد.

جاه طلبی بشر هم از همین قبیل است، ظرفیت بشر از نظر جاه طلبی پایان ناپـذیر است، هر فردی هر مقام اجتماعی و هر پست عالی را که به دست آورد باز هم طالب مقام بالاتر است.

غریزه جنسی دو جنبه دارد: جنبه جسمانی و جنبه روحی، از جنبه جسمی محدود است ولی از نظر تنوع طلبی و عطش روحی ای

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۲۸

که در این ناحیه ممکن است به وجود آید شکل دیگری دارد. این نوع از عطش که هوس نامیده می شود ارضاء شدنی نیست.

به طور کلی در طبیعت انسانی از نظر خواسته های روحی، محدودیت در کار نیست، روح انسان طالب بی نهایت آفریده شده است. وقتی هم که خواسته های روحی در مسیر مادیات قرار گرفت به هیچ حدی متوقف نمی شود.

اشتباه کرده اند که طغیان نفس اماره و احساسات شهوانی را تنها معلول محرومیتها و عقده های ناشی از محرومیتها دانسته اند. همانطور که محرومیتها سبب طغیان و شعله ور شدن شهوات می گردد، پیروی و اطاعت و تسلیم مطلق نیز سبب طغیان و شعله ور شدن آتش شهوات می شود، امثال فروید از یک طرف نمافل مانده اند.

اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضاء و اشباع بی حد و حصر آنها است. اینها فقط متوجه محدودیتها و ممنوعیتها و عواقب سوء آنها شده اند و مدعی هستند که قید و ممنوعیت، غریزه را عاصی و منحرف و سرکش و ناآرام می سازد، طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این غریزه، باید به آن آزادی مطلق داد. آن هم بدین معنی که به زن اجازه هر جلوه گری و به مرد اجازه هر تماسی داده شود.

اینها چون یک طرف قضیه را خوانده اند توجه نکرده اند که همانطور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می کند، رها کردن و تسلیم محض در برابر تحریکات و تهیجات نیز آنها را دیوانه می سازد.

اساساً برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه

در حد حاجت طبیعی، و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن.

انسان از لحاظ حوائج طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می آورد، در این صورت باید از آن را خارج کرد و به آتش داد ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی توان سیر کرد.

اینکه اجتماع با وسائل مختلف سمعی و بصری زمینه هیجان غریزه را فراهم آورد و آنگاه بخواهد با ارضاء، غریزه دیوانه شده را آرام کند میسر نخواهد شد. هرگز بدین وسیله نمی توان آرامش و رضایت ایجاد کرد، بلکه بر اضطراب و تلاطم و نارضایی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن افزوده می شود.

تحریک و تهییج بی حساب غریزه جنسی عوارض وختیم دیگری نظیر بلوغ های زودرس و پیری و فرسودگی نیز به همراه دارد.

اما اینکه می گویید: والانسان حریص علی ما منع منه مطلب صحیح است، ولی نیاز به توضیح دارد. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود، به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کند و آنگاه او را ممنوع سازند، اما اگر امری اصلا عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت به آن کمتر خواهد بود.

فروید که طرفدار سرسخت آزادی غریره جنسی بود، خود متوجه شد که خطا رفته است، لذا پیشنهاد کرد که باید آن را به مسیر دیگری منحرف کرد و به مسائل علمی و هنری، نظیر نقاشی و غیره منعطف ساخت.

در گذشته افراد بی خبر، میگفتند: انحراف جنسی، یعنی هم

ص:۱۰۱

جنس بازی، فقط در میان شرقی ها رایج است و علتش دسترسی نداشتن به زن بر أثر قیود زیاد و حجاب است، اما طولی نکشید که معلوم شد رواج این عمل زشت در میان اروپاییها به مراتب بیشتر از شرقی ها است..

ما انگار نمی کنیم که دسترسی نداشتن به زن موجب انحراف می شود و باید شرایط ازدواج قانونی را سهل کرد، ولی بدون شک آن مقدار که خودنمایی زن در اجتماع و معاشرتهای آزاد، سبب انحراف جنسی می شود به مراتب بیشتر از آن است که محرومیت و عدم دسترسی سبب می گردد.

علاوه بر آنچه تا کنون گفته شده، پوشش در اسلام برای زن به معنی محرومیت زن و مرد از ارضای غریزه جنسی نیست که موجب عطش بیشتر و انفجار گردد، اسلام برای ارضای غریزه جنسی، موضوع ازدواج را ارائه داده است که با اقدام به موقع و در نظر گرفتن شرایط سهل و آسانی که در اسلام دارد، دیگر عقده جنسی پدید نمی آید تا عکس العمل بد داشته باشید..

بر عکس عدم پوشش در زن مایه تباهی و فساد می گردد چنانکه می بینیم در کشورهایی که حجاب وجود ندارد، فساد و آلودگی هایی که از این رهگذر سرچشمه گرفته بسیار وحشت بار و خانمان سوز است، و به مراتب نسبت به کشورهایی که حریم میان زن و مرد را رعایت می کنند، زیادتر است.(۱)

۱- مسأله حجاب: مرتضی مطهری، ص ۱۰۶-۹۶

فصل هشتم: آثار سازنده حجاب

اشاره

ص:۱۰۳

ص:۱۰۴

باید توجه داشت که تمامی احکام دین اسلام اعم از واجبات ومحرمات همه دارای حکمتهای نافعی برای زندگی بشر است؛ به عنوان مثال اگر در دین اسلام نماز واجب شده، به خاطر این است که انسان طغیانگر و سرکش نگردد و همیشه خود را نیازمند ذات حق تعالی بداند و در روز، پنج بار در برابرش کرنش نماید. از این رو باید بگوییم: حجاب نیز که یکی از احکام مربوط به بانوان است، حکمتها و آثار مفید و سازنده ای برای فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت. در این فصل بر آن هستیم که به طور کوتاه و مختصر به بررسی آثار سازنده این مسأله بپردازیم.

استحکام خانواده

یکی از عوامل مهم استحکام خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه رعایت شد و روابط جنسی به محیط خانواده و در چارچوب ازدواج محدود گردید. جوانان به ازدواج تمایل بیشتری

پیدا می کنند. و خانواده های تشکیل شده ثبات بیشتری دارد.

در حالی که اگر خودنمایی، آرایش، تحریک و بد حجابی در یک جامعه رواج پیدا کرد و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گشت، اولا: هیچگاه جوانان مسؤولیته ازدواج را نخواهند پذیرفت، و به ازدواج تن در نمی دهند؛ چرا که بطور خیلی ارزان و بدون قبول مسؤولیت تشکیل خانواده، از راههای حرام ارضای غریزه می کنند.

ثانیاً: در یک چنین جامعه بدحجابی، خانواده های تشکیل شده نیز دائما در خطر تزلزل و از هم پاشیدگی قرار دارند زیرا خودنمایی و حضور تحریک آمیز زنان و دختران در صحنه های اجتماعی، نظر هر مرد متاهل یا مجردی را به خود جلب می کند.

اگر بیننده این صحنه های تحریک آمیز متأهل باشد. با توجه به غریزه تنوع طلبی و زیاده خواهی که دارد بخشی از توجه خود را متوجه آنان می کند و در نتیجه به همان اندازه، علاقه و گرایش به همسرش را که همواره با او زندگی می کند، کاهش می دهد. وقتی چشمهای مردی در محیطهای مختلف اجتماعی از دیدن زنان و دختران آرایش کرده و بدحجاب، با پوششهای نامناسب کامیاب و بهره مند شود، طبعأ علاقه او نسبت به همسرش کم می شود؛ چرا که بخش عمده ای از علاقه مرد به همسرش از ناحیه نیازهای جنسی تأمین می شود که این نیاز را زنان خودنما و بدحجاب در سطح جامعه

بطور نامشروع برآورده می سازند.

این کـاهش علاـقه بسـیاری از پیونـدهای زناشویی را با سـستی و سـردی همراه می کنـد و مسائل اخلاقی مختلفی را محقق می سازد، به گونه ای که در نوع نگرش مرد به همسرش تأثیر منفی می گذارد.

تحقیقات روانشـناسان نشان می دهد بسـیاری از کج خلقی های بهانه گیری ها، بی میلی در همراهی با همسـر و... از پیامدهای جلب توجه مردان به زنان بی حجاب یا بد حجاب جامعه است و در بعضـی موارد کار به جایی می کشد که مرد همسـر شرعی و قانونی خود را مزاحم و مانع کامیابی ها و لذت جویی های خود در جامعه می انگارد، و به همین خاطر از او متنفر می شود و در مواردی هم کـار به منـازعه و طلاـق می انجامـد. آمـار قطعی و مسـتند نشان میدهـد که با افزایش برهنگی و بی حجابی در جامعه، طلاق و از هم گسـیختگی زندگی زناشویی به طور مداوم بالا رفته است. حجاب وسـیله ای برای جلوگیری از این قبیل ناهنجاریها و نابسامانی هایی است که اساس و بنیاد خانواده را تهدید می کند.

سلامت جسمی و روانی

الف-سلامت جسمی

حجاب، زمینه های فساد را از بین می برد و از این طریق نقش

ص:۱۰۷

خود را در سلامت جسمی افراد جامعه ایفا می کند.

اگر در جوامع بشری، حجاب و پوشش بانوان رعایت شود به طور قطع بر روابط جنسی زن و مرد ضوابط و قوانینی حاکم خواهد شد و جوامع با این همه ناهنجاری و چالش روبرو نخواهد شد.

دهها میلیون بیماران مقاربتی و اختصاصی میلیاردها دلار بودجه برای معالجه آنها و میلیونها کودک بی سرپرست تنها گوشه ای از این چالشها را نشان می دهد که همه و همه در اثر روابط نامشروع به وجود می آید و این روابط نیز عمدتا نشأت گرفته از برهنگی و بدحجابی زنان است.

بنابراین از نگاهی عمیق، باید حجاب را ضامن سلامتی افراد جامعه در مقابل بیماریهای مقاربتی، ایدز، سفلیس و... دانست.

ب- سلامت روانی

در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی گردد افزایش روز افزون بیماریهای روانی به خوبی مشهود است.

آمار وحشتناک خودکشی ها در غرب نیز نشان دهنده میزان اختلالات روانی موجود در غرب می باشد. بنابراین به نمایش گذاشتن اندام با زیبایی های خویش در جامعه توسط زنان بی قید و بند نه تنها علامت یک بیماری روانی محسوب می گردد، بلکه بیماری زا بوده و ناراحتی های روانی را در دیگران ایجاد می کند.

ص:۱۰۸

بـدحجابی ، عشوه گری و طنازی زنان سبب تحریک جوانان که منجر به کوفتگی اعصاب و ایجاد هیجانات بیمارگونه عصبی خواهد شد و چه بسا این هیجانات سرچشـمه امراض روانی در جوانان شود روانشـناسان معتقدند. بسیاری از اختلالات فکری و روحی و روانی زاییـده تحریکات مداوم عصبی است، و این تحریکات و هیجانات عصبی منشأ بسـیاری از بیماریهای جسـمی و روانی می شود.(۱) از این رو باید گفت اگر می خواهیم مردم جامعه در کمال سـلامت و صـحت زندگی کنند و بیماری های روحی و روانی در بین آنهـا به حـداقل برسـد چـاره ای نـداریم جز اینکه بـا تمـام امکانات به ترویـج فرهنگ والای حجاب در جامعه همت بگماریم.

امنیت و آرامش زن

تمایلات و خواسته های نفس آدمی بی انتهاست، که مهمترین آنها به امور جنسـی، مال و مقام مربوط می شود، بـدون شـک یکی از بزرگ ترین تمایلات و خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است.

ارائه زیبایی ها، بدحجابی ها و طنازیهای زنان، به شهوت و میل جنسی مردان دامن می زند و آنان را به یک کانون خطر جدی مبدل می سازد، که این امر به سلب امنیت و آرامش زن منجر خواهد شد..

۱- حجاب دختران فاطمه قاضی، ص ۴۴

به گونه ای که زنـان در هیـچ محیطی از جـامعه از امنیت و آرامش برخوردار نیسـتند. نه در محـل کار، نه در دانشـگاه و نه در خانه و نه در کوچه و خیابان.

روزنامه اخبار جهان این سلب امنیتی را که در اثر بدحجابی و با بی حجابی در محیط کار زنان در آمریکا بوجود آمده اینگونه بیـان می کنـد: در سالهـای ۱۹۷۹ تـا ۱۹۸۰ در آمریکـا، حـدود ۱۸ میلیـون نفر از زنـان کارمنـد به هنگـام کـاره مـورد اذیت و آزارهای جنسی قرار گرفته اند. بیش از ۵۰ درصد زنان در رده های بالای شغلی و ۳۰ درصد از کارکنان امور اداری و دفتری در انگلستان و ۷۷ درصد در آمریکا با مزاحمت مدیران و همکارانشان روبرو هسـتند، این آمار تکان دهنده بیانگر این حقیقت است که هر چقدر بی حجابی و بدحجابی زنان بیشتر گردد، امنیت و آرامش آنان در جامعه کمتر و بی ارزش تر می شود.

آنچه می تواند از این ناامنی پیشـگیری کند پوشـیدگی و حجاب زن از چشـمهای نامحرمان است. در سایه حجاب، زن و دختر مسـلمان می توانـد خود را از تیر نگاههای زهرآلود و سـخنان آزار دهنـده و برخوردهای افراد پست و شـرور مصون و محفوظ بدارد. هر چه پوشش و حجاب زن کامل تر و جامع تر باشد در صد امنیت و حفاظت آن بیشتر خواهد بود.

ص:۱۱۰

از این رو می بینیم که دین مبین اسلام به منظور پاسداری از امنیت و کرامت واقعی زنان، حجاب را مقرر داشته تا شؤون اجتماعی آنان محفوظ بماند و از قربانی شدن فضایل و کرامات شان در پای ظواهر دنیوی جلوگیری شود. در آیه ۵۹ سوره احزاب نیز یکی از اصلی ترین علل حجاب برقراری و حفظ امنیت زنان بیان گردیده است.

افزایش احترام و شخصیت زن

به طور کلی اشیایی که در همه جا یافت می شود و دسترسی به آن به آسانی امکان پذیر است از ارزش کمتری برخوردارند. از طرفی بشر همواره اشیاء گرانبها و با ارزش خود را از دسترس دیگران دور نگه داشته و به شیوهای خاص از آن مراقبت می کند.

مثلا برای طلا و پولها و اسناد معتبر خود صندوقهای بسیار محکمی را درست کرده تا اشیاء نفیس خود را در آن نگه دارد و از دزدان و سارقان حفظ کند.

دین اسلام نیز که زن را همچون گوهر گرانبهای هستی و دارای شخصیت کامل انسانی می داند حجاب را بهترین وسیله برای حفظ ثبات و شخصیت زن معرفی کرده.

اسلام نه تنها زن را یک انسان محترم و با شخصیت می داند، بلکه

اکرام و احترام او را ملاک کرامت انسانی معرفی می کنـد چنانکه پیامبر گرامی اسـلام می فرمایـد: «زنان را گرامی نمی دارند مگر انسانهای کریم، و به زنان اهانت نمی کنند مگر انسانهای پست و بی ارزش».(۱)

بنـابراین اگر زن حجـاب نداشـته باشـد، هرگونه توجهی که به او بشود جنبه شـهوانی دارد. و در نتیجه، ارزشـهای واقعی او هم فراموش می گردد و تبـدیل به یـک کالاـی بی ارزش می شـود که بـا از بین رفتن زیبائیهـا و طراوت جوانی منقضـی و مطرود جامعه خواهد شد.

به همین سـبب می بینیم در محیطی مثـل غرب بیشترین سـهم سـتم متعلق به خـانم هـاست، زیرا تـا زمـانی که جمـال، زیبـایی و طراوت جوانی را داراست بـدون هیچ ضابطه ای با او ارتباط جنسـی برقرار می کنند و زمانیکه جمال و زیبایی او از دست رفت او را تنهای تنها وا می گذارند و مانند کالایی که تاریخ مصرفش گذشته مطرود می شود، این مطرود شدن و منقضی شدن که معلول بی حجـابی و بی بنـد و بـاری و اسـتفاده فیزیکی و کالاـیی از زن است، زیانبارترین مصـیبت را برای خود زن فراهم می کند. (۲)

حجـاب این فرصت را به زنـان می دهـد که در کمـال احترام و عزت نفس و برخورداری از شخصـیت اجتمـاعی توانمنـدیها و استعدادهای خود را مطرح کنند و ارائه نمایند، چرا که اگر حجاب وجودنداشته

ص:۱۱۲

۱- نهج الفصاحه: ص ۳۱۸

۲- حجاب در اندیشه و عمل: ص ۲۳

باشـد زنـان جسم و فیزیکی خود را به عنوان توانمنـدی و راهی برای کسب درآمـد و جلب نظر دیگران مطرح می کننـد و این مسـئله باعث می شود که جنس زن نتوانـد بعنوان یک شخصـیت محترم و ارزشـمند در جامعه مطرح گردد و این همان تفاوت نگاه جنسی و نگاه دینی به زن است.

تفـاوت دیـدگاه ها ناشـی از اختلافات در جهان بینی است. آن کس که حجاب را ملاک ارزش و سـعادت می پنـدارد. آن را پاسـبان دروغین نمی داند و در مقابل، اگر کسـی سـعادت را در لذت جسـمی بداند، هر گونه مانع این لذت را خرافه به شـمار می آورد و آن را از سر راه بر می دارد. با این وجود، حتی در میان مردمی که سعادت را در لذت جسم می دانند، حفظ گوهر عفت و حیـای زن قابل توجه بوده است و تا جایی که توان داشـتند، از آن پاسـداری می کردنـد. ویل دورانت می نویسـد: «در بریتانیای جدیـد، پـدران و مادران ثروتمنـد در طول بحران پنـج ساله جوانی، دختران خود را در کلبه هایی زنـدانی می کنند و پیرزنـانی پاک دامن را به زنـدان بانی آنان می گمارنـد. دختران حق خارج شـدن از این کلیه ها را ندارنـد و تنها نزدیکان می توانند آنها را ببینند. (۱)

وی در جای دیگر می نویسد: «باید چنین فرض کرد که

ص:۱۱۳

۱- تاریخ تمدن: ویل دورانت، ج ۱، ص ۷۲۰

حساسیت جنسی هندوان، آنان را به هرزگی غیر عادی می کشاند. ازدواج در خردسالی، سدی در برابر مناسبات پیش از زناشویی به شمار می رفت. احکام شدید دینی که در تلفیق وفاداری همسر به کار می رفت، موجب می شد تا زنا بسیار دشوارتر و کمتر از اروپا با آمریکا صورت گیرد... .

مانوه(۱) به مردان هشدار می دهد: که سرنوشت زن همیشه به گمراهی مرد گرایش دارد. پس مرد نباید با نزدیک ترین زن فامیل خود در جای خلوتی تنها بنشیند. (۲)

۱- مانو از رهبران هندو است

۲- تاریخ تمدن: ج ۲، ص ۵۶۱.

فصل نهم: عوامل تکمیل کننده حجاب

اشاره

ص:۱۱۵

پرهیز از پوشش های شفاف و نازک

بدون شک غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و در متون دینی پوشش بدن بانوان به دلیل ویژگی های فیزیکی و ظاهری آنها بیشتر از پوشش مردان مورد تاکید قرار گرفته است. تردیدی نیست یکی از عواملی که به پوشش بیشتر بانوان آسیب وارد می کند، استفاده از لباس های شفاف و نازک است؛ زیرا این گونه لباسها، سطح بدن را آشکار و نمایان می گرداند و سبب جلب توجه مردان و تحریک جنسی آنان خواهد شد.

در روایتی آمده است که اسما دختر ابوبکر بر رسول خدا وارد شد، در حالی که لباس نازکی بر تن داشت پس پیامبر از او روی گرداند و فرمود: ای أسماا زن وقتی به سن بلوغ رسید، شایسته نیست بدن او دیده شود، مگر صورت و دو کف دست(۱)

در برخی از روایات اسلامی پیرامون این موضوع تعبیر «نساء

۱- صحیح مسلم: ج ۱۴، ص ۱۰۹.

کاسیات عاریات»(۱)آمده است که گویای این مطلب می باشد فردی که لباس نازک و شفاف پوشیده است، گرچه در ظاهر لباس پوشیده، ولی در واقع برهنه است؛ زیرا سطح بدن وی از زیر لباس نازک و شفاف آشکار است و تحریک آمیزی این گونه لباس نسبت به غریزه جنسی و افزایش احتمال آسیب زایی آن و ابتلا به مفاسد و انحرافات جنسی نیز امری روشن است.

البته آشکار است که تاکید بر عدم استفاده بانوان از لباس های شفاف و نازک، به معنای این نیست که مردان می توانند هر گونه لباس نازک و شفاف را بپوشند، بلکه به معنای این است که احتمال آسیب زایی این گونه لباس ها در مورد بانوان بیشتر است. .

به هر حال استفاده از این گونه لباس ها در مورد مرد و زن و به خصوص زن بسیار مذموم و ناشایست است و قطعا به حجاب و پوشش صحیح آنان ضربه خواهد زد.

در حدیثی آمده است: «هر فردی که لباس نازک داشته باشد ، دین داری او نیز ضعیف می گردد. پس لباس نباید نازک و شفاف باشد.(۲)

پرهیز از لباس های تنگ

غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و چون اندام بانوان به طور طبیعی قسمت های برجسته ای دارد، پوشش آنان باید به گونه ای

۱- المفصل فی أحکام المرأه والبیت المسلم فی الشریعه الإسلامیه: ج ۳، ص ۲۲۴

۲- مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۰۲۱۱

باشد که قسمت های برجسته بدن را بپوشاند تا باعث تحریک جنسی نگردد. طبیعی است که استفاده بانوان از لباس تنگ و چسبان در بیرون منزل نه تنها قسمت های برجسته بدن آنان را نمی پوشاند، که آنها را برجسته تر نیز نشان می دهد، روشن است یکی از آثار منفی این گونه لباس ها، تحریک غریزه جنسی است.

افزون بر تحریک جنسی، امروزه زیان آور بودن استفاده از لباس تنگ از نظر جسمی در علم پزشکی نیز ثابت شده است. برای مثال یکی از ضررهای جسمی لباس های تنگ، این است که این گونه لباس ها عمل تنفس بدن را با مشکل مواجه می کند و نمی گذارد هوای آزاده به سطح پوست بدن برسد.(۱)

البته روشن است که در مورد عوارض جسمی، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. بنابراین باید به منظور در امان ماندن از آسیب های مذکور، مردان هم از لباس های تنگ استفاده نکنند.

عدم استفاده از پوشش های اختصاصی

یکی از دستورات موکل دین مبین اسلام این است که مرد و زن نباید از پوشش های اختصاصی یکدیگر استفاده کنند. در روایت آمده است که رسول خدا پیوسته مردان را از شباهت جستن به زنان و نیز زنان را از شباهت جستن به مردان در لباس نهی می کردند. (۲)

ص:۱۱۹

۱- آئین بهزیستی اسلام: ج۴ ص ۶۹

۲- وسائل الشیعه ج ۵، ص ۲۵.

بـدون شـک هر یـک از زن و مرد به تنـاسب وظایفشـان، ویژگی هـاء روحیـات و هـویت ویژه ای دارنـد، که در مبـاحث روان شناسـی زن و مرد به آن پرداخته می شود. روشن است که هر یـک از آنهـا در صورتی می تواننـد به وظـایف فردی اجتمـاعی خود به نحو احسن عمـل کننـد که هویت جنسـی زنانه و مردانه خویش را حفظ نمایـد، ولی بـدون تردیـد پوشـیدن لباس های مختص مردان توسط زنـان و پوشـیدن لبـاس هـای مختص زنـان توسـط مردان باعث می شود که هر یک از آن دو روحیات و هویت ویژه خود را به تدریـج از دست بدهنـد، به گونه ای که زن دارای احساسـات مردانه و مرد نیز بـالعکس دارای اخلاق و عواطف زنانه گردد.

معلوم است که این تغییر نقش هـای فطری و غریزی، نظم حـاکم بر نظـام آفرینش زن و مرد را دچار اختلال می کنـد. به همین دلیل زنان و مردان از پوشیدن لباس های مختص یکدیگر منع شده اند.

پوشیدگی زینتها از نامحرم

دین مبین اسلام همواره به گرایش های فطری انسانها پاسخ مثبت داده و آنها را در مسیری تصحیح هدایت نموده است.

یکی از گرایش هـای فطری انسان ها به ویژه بانوان، گرایش به زینت و خودآرایی است. قرآن مجیـد و روایات معصومان علیه السـلام همواره بر علاقه فطری بانوان به زینت آلات و خودآرایی صـحه گذاشته است.در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: «سزاوار نیست زنی

ص:۱۲۰

خود را بـدون زیور کنـد. پس دست کم گردنبنـدی به گردن آویزده شایسـته نیست دست زن بـدون خضاب باشد ولو این که حنایی را مس کند، اگر چه آن زن پیر باشد». (۱)

بـدون شـک استفاده از زیور آلات بایـد در محـدوده خاص خود باشـد. نمایش زینت برای افراد نامحرم، پی آمـدهای عمیقی مانند تحریک جنسـی و افزایش مفاسد اخلاقی را به وجود خواهد آورد. از این رو در آموزه های دینی درباره اسـتفاده زنان از زینت آلات حدو مرزهایی قرار داده شده است که از آن جمله قرآن مجید می فرماید:

{ولا ـ یبـدین زینتهن إلا ما ظهر منها ولیضـربن بخمرهن علی جیوبهن ولا یبـدین زینتهن}، و زنان زینت خود را جز آن چه قهرا ظاهر می شود، آشکار نسازند و باید سینه و گردن خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند (۲)

یکی از حکمـت هـای ایـن دسـتور قرآنی ایـن است که چـون زنـان غالبـا مظهر جمـال و زیبـایی و مردان نیز مظهر شـیفتگی و دلدادگی هسـتند از این رو آشـکار کردن زینتها توسط بانوان، زمینه تحریک شـهوت جنسـی را ایجاد می کند و این تحریک، زمینه ساز بسیاری از گناهان در جامعه به شمار می رود

در آیه ای دیگر آمـده است: «ولا ـ یضـربن بـأرجله جلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن؛ آن گونه پای بر زمین نزنیـد که خلخال و زیور پنهان

ص:۱۲۱

۱- بوسائل الشیعه ج ۲۰، ص ۱۶۷

۲- سوره نور آیه ۳۱

پاهایشان معلوم شود».(1)

از این آیه شریفه یک قاعده کلی در مورد حجاب و پوشش استفاده می شود و آن این که پوشش و شیوه رفتار بانوان در سطح جامعه، باید به گونه ای باشد که باعث شهوت انگیزی و تحریک غریزه جنسی نگردد.

۱- همان

فصل دهم: بدحجابی وپیامدهای آن

اشاره

ص:۱۲۳

علل گسترش بدحجابی

اشاره

علل و عوامل گسترش بدحجابی گاه از ناحیه افراد جامعه است که به دلیل عدم آگاهی از آثار حجاب، یا عدم اعتقاد به حجاب، گرایش به بدحجابی پیدا می کنند و گاه عواملی که در فرهنگ جامعه تأثیر گذاشته و به تعبیری دیگر فرهنگ سازی میکنند، فرهنگ عمومی را به سوی بدحجابی و کاهش حیا در روابط زن و مرد می کشانند. اینک هر دو عامل را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف - افراد و آحاد جامعه

۱- نا آشنایی با آثار سازنده حجاب

بسیاری از مردم حجاب و رعایت حریم میان زنان و مردان را تنها یک وظیفه ضروری دینی میدانند؛ اما از آثار بسیار عمیق آن در سلامت اخلاقی افراد، سلامت محیط عمومی جامعه و ایجاد امنیت روحی و روانی به خصوص برای زنان، استحکام پیوندهای خانوادگی و علاقه مندی مردان و زنان به کانون خانواده و اطلاعی ندارند. از این رو تبیین آثار ارزشمند حجاب می تواند بسیاری از افراد را با جایگاه واقعی حجاب در سعادت فرد و جامعه آشنا سازد که در این خصوص سنگین ترین وظیفه بر دوش صدا و سیماست.

ص:۱۲۵

۲- ضعف اعتقادی به حجاب

برخی هرچند تا حدودی آثار حجاب را می شناسند؛ اما به دلیل سستی در اعتقاد، آنچه را که می دانند بدان عمل نکرده و ملتزم نیستند. چنانکه در موارد بسیاری انسان از خوب یا بدی اموری آگاه است، اما اعتقاد و علاقه قلبی در او وجود ندارد و بر اساس دانسته هایش عمل نمی کند. در مورد حجاب هم گاه شخص، با آنکه خوبیهای حجاب را میداند و آثار بدحجابی را می شناسد اما رعایت حجاب را موافق خواسته ها و تمایلات زودگذر نفسانی خود نمی بیند و از این رو حاضر نیست با رعایت حجاب از تمتعات و لذتهای زودگذر دنیا چشم بپوشد. به همین علت در عمل، حجاب را رعایت نمی کند.

۳- ضعف انگیزه ها و گرایش های دینی

از آنجا که حفظ حجاب و حریم میان زنان و مردان یکی از دستورات مهم دین است، به هر میزان که انگیزه های الهی در این افراد قوی تر باشد حجاب را بیشتر مورد توجه قرار داده و بدان پای بند می شوند. سستی عقاید و گرایشات اسلامی در افراد، سبب می شود که برخی چندان توجه و مراقبتی در امر حجاب به عمل نیاورده و بی اعتنا باشند.

۴-بی اطلاعی از روابط میان زن و مرد

ریشه و عامل بسیاری از نابسامانیها در روابط زنان و مردان نامحرم برداشتهای نادرست از این مساله است. به عنوان مثال در آموزه های دینی توصیه شده است که زنان و مردان نامحرم به حداقل ارتباط و گفتگو با یکدیگر اکتفا کنند، از خنده، شوخی و روابط صمیمانه با یکدیگر اجتناب

ص:۱۲۶

ورزیده، وقار و سنگینی خود را حفظ کنند، دیده های خود را از یکدیگر فرو گیرنده در مکان خلوت با یکدیگر نباشند، زنان زینتهای خود را در برابر مردان نامحرم آشکار نسازند، مردان نیز از لباسهایی که موجب تهییج و تحریک است اجتناب ورزند. اما برخی از افراد به دلیل آنکه این دستورات را از توصیه های دینی نمی دانند یا از آنها آگاه نیستند التزامی به آنها ندارند.

۵-خود باختگی در برابر فرهنگ بیگانه

کسانی که هویت دینی و ملی آنان فاقد استحکام لازم است، همواره از فرهنگ غیر خودی رنگ می گیرند و هر آنچه دستاورد بیگانگان به خصوص غربی ها باشد در نظر آنان زیبا و ارزشمند جلوه می کند. از این رو در پوشش و حجاب و فرهنگ روابط زن و مرد فاقد حریمهای دینی و ملی رایج در جامعه اند و در رفتار و پوشش از آخرین دستاوردهای غرب به سرعت پیروی می کنند

۶- تأخیر در ازدواج

از عواملی که در بسیاری از موارد تأثیر به سزایی در روابط ناسالم میان زنان و مردان داشته و زمینه ساز خودآرایی ها و جلوه گری ها می شود عدم اشباع غریزه جنسی در جوانان است. جوان امروز از یک سو، در جای جای جامعه با جنس مخالف در ارتباط است و از سوی دیگر مشکلاتا تحصیلی، شغلی، اقتصادی و از همه مهمتر فرهنگ عمومی، اجازه ازدواج به موقع را نمی دهد. این وضعیت در بسیاری از موارد نتیجه ای جز ناهنجاری در رفتار و پوشش نخواهد داشت.

ص:۱۲۷

ب–عوامل فرهنگ ساز جامعه

۱- سیاستهای کلان فرهنگی، اجتماعی

بی گمـان از اساسـی ترین و بنیـادی ترین عوامـل در تمـامی ابعـاد فرهنگی عمومی جـامعه، نوع سیاسـتهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسـی و اجتماعی است که دست اندرکاران اداره یک جامعه اعمال می کنند. تأثیر این سیاسـتها به گونه ای است که گاه در مدت کوتاهی بسـیاری از خلقیات و آداب و رسوم جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. مثلا به دلیل سیاستهای دنیا طلبانه و تبلیغ روز افزون زرق و برق و تجملات، مردمی که ساده زیستی را ارزش می داننـد، سرگرم جلوه های دنیا شده و در زیاده خواهی بر یکـدیگر سبقت می گیرنـد و به همین گونه است رونـد تحولات اجتمـاعی در زمینه حجـاب و روابط زن و مرد. از این رو سزاوار است سیاستهای کشور در زمینه های مختلف مورد دقت و کنکاش قرار گرفته و آثار مختلف آن ارزیابی شود.

۲- نهادها و شخصیتهای مؤثر در فرهنگ جامعه

به نظر می رسـد عـدم برنامه ریزی مشـخص و مدون و عدم هماهنگی میان نهادهای فرهنگی، نه تنها حجاب و عفان عمومی را افزایش نـداده است، بلکه موجب سـیر نزولی این مسأله شـده است. بـا آنکه همـایش هـا و سـمینارهای متعـدد در موضوعـات مختلف برگزار می شود امـا در طی سالهای اخیر کمترین همایش و گردهمایی علمی و فرهنگی را در زمینه گسترش حجاب و سـالم سـازی روابط اجتماعی زنان و مردان شاهـد بوده ایم. علاوه بر این عـدم برخورد قاطع و سازنـده با پدیـده بـد حجابی از جمله مسائلی است که به طور جدی باید مورد دقت و بررسی قرار گیرد.

ص:۱۲۸

۳- تهاجم فرهنگی غرب

غرب با استفاده از تمامی ابزارهای انتقال فرهنگ، می کوشد تا کشورهای اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی را تحت پوشش فرهنگ خویش قرار داده و ملتهای مسلمان را استحاله فرهنگی نماید. در رأس این تلاش، ترویج روابط آزاد زن و مرد و حذف حجاب در بین مسلمانان قرار

دارد.

ارسال انواع فیلم، عکس، نوارهای صوتی و نشریات مبتذل و خلاف عفت، گسترش شبکه های ماهوارهای ارسال اطلاعات رایانه ای از سکس و فحشا به سراسر جهان، ترویج گروههای منحرفی - همچون رپ، هوی متال - ارائه مستمر مدلهای مختلف پوششهای غربی و ... همگی در راستای سیاست تهاجم فرهنگی غرب قرار دارند.

۴-رسانه های جمعیی

از عوامل بسیار مهم در بهبود وضعیت فرهنگی جامعه به ویژه حجاب و حیای عمومی، رسانه های جمعی همچون سینما، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، کتابها و ... می باشند و از میان این رسانه ها سهم رادیو و تلویزیون و سینما از جهت کم، بسیار بیشتر است. امروزه بخش وسیعی از افراد جامعه به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان، همه روزه ساعاتی از وقت خود را به تماشای تلویزیون و یا گوش دادن به رادیو اختصاص می دهند.

متأسفانه بسیاری از شخصیتهای مثبت و اصلی فیلمهای سینمایی کشور چهره های بدحجاب و نامناسب اند و با توجه به جمعیت کثیر

ص:۱۲۹

بینندگان فیلمهای سینمایی، این فیلمها نقش بسیار ویرانگری در ترویج بدحجابی خواهد داشت

رادیو و به خصوص تلویزیون نیز هر چند حاوی برنامه هایی هستند که گاه به ترویج و تقویت حجاب و حفظ حریمهای شرعی می پردازند؛ اما برخی از برنامه ها خواسته یا ناخواسته سبب تضعیف حجاب و عفاف در جامعه می گردند. به عنوان مثال در برخی از برنامه های رادیویی، زنان و مردان به ویژه جوانان با خنده ها و شوخی های فراوان، روابط میان دختران و پسران نامحرم را عادی جلوه می دهند، و نیز در بعضی دیگر از برنامه های رادیویی و تلویزیونی با آنکه به راحتی امکان استفاده از افراد هم جنس وجود دارد زنان و مردان جوان در کنار یکدیگر قرار می گیرند.

فیلمها و سریالها که خود داستانی دیگر دارند. متأسفانه حجم وسیع فیلمهای خارجی و نمایش چهره های بدون حجاب و گاه پر از آرایش زنان و نمایش اندامهای عریان مردان، تأثیر نامناسب خود را بر فرهنگ عمومی جامعه گذاشته است.

۵ – شیوه های نادرست در برخورد با بدحجابی

درست است که مردم می بایست از بی حجابی و بدحجابی تنفر داشته و بی تفاوت نباشند؛ اما این به معنی برخورد بی ضابطه و خارج از چارچوب قوانین نظام اسلامی نیست. باید در برابر پدیده بدحجابی واکنش حساب شده و منطقی در پیش گرفته و بر اساس چارچوبهای مدون قانونی عمل نمود. لازم است، بکوشیم تا همگان را با برخورد نیکو و بیان مستدل به حجاب و پوشش اسلامی علاقه مند سازیم، البته در برابر

ص:۱۳۰

کسانی که با عناد و کینه، سعی در گسترش ابتذال و بدحجابی دارند می بایست تحت اشراف نهادهای قانونی ایستادگی کرد.

نقش بدحجابی در تخریب افکار و اندیشه ها

اشاره

برای به دست آوردن علم و دانش و پرورش استعدادهای فطری، که لازمه رسیدن به کمالات و فضائل والای انسانی است، به تمرکز فکر، آرامش خاطر، شوق و اشتیاق نیاز است؛ مواجهه جوانان و نوجوانان با صحنه های هوس انگیز بانوان بدحجاب، یکی از عوامل بسیار مهم کاهش یا زوال این امور می باشد که آسیب ها و مشکلات بزرگی را برای آنان و خانواده هایشان و در نتیجه برای جامعه ایجاد می کند که به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

الف) سرکوب شدن استعدادهای علمی

غریزه جنسی که نیرومند ترین غریزه آدمی است، با جلوه گری های زنانه شعله ور گشته، تمرکز و آرامش آنها را از بین می برد و قوه تخیل و توهم، به جای عقل به فعالیت پرداخته و مناظر شهوت انگیز زنان را در ذهن خود تصویر می کنند؛ در نتیجه توانایی ها و قابلیت های فکری آنان هدر رفته و توان ذهنی و عقلی آنها کاسته می شود و چه بسا منجر به سلب شوق علمی آنها می گردد که پایین آمدن سطح کیفیت تحصیل از جمله نتایج آن است.

بنابراین، خودآرایی و بدحجابی مانع رشد و تکامل استعدادهای جوانان و حتی خود زنانی می شود که عفاف و حجاب را رعایت نمی کنند واشتیاق آنان را در تحصیل علوم و پیشرفت ها و خلاقیت های فکری و نیز

ص:۱۳۱

خودشناسی و کسب معارف اسلامی و دینی برای وصول به کمالات و مقام والای انسانیت، زایل می گرداند و میزان تعهدی و دین داری آنان را تا مرتبه ناچیز فرو می کاهد؛ همانگونه که امیرمؤمنان علی نیز می فرماید: «لا تجتمع الشهوه والحکمه؛ تبعیت از شهوت نفسانی با علم و حکمت جمع نمی شوند» (۱) «الجاهل عبد شهوته؛ نادان بنده شهوت خویش است».(۲)

ب)افزایش انحراف های جنسی

تصور و تخیل منظره های هوس انگیز زنانه، که ریشه در خودنمایی عـده ای از زنان کم عقت دارد، در صورت اسـتمرار، پرده بر عقل عاقبت اندیش انداخته و خاطرات شـیطانی در صـحنه نفس راه پیدا می کند و عنان اختیار را از کف ربوده و جوانان را از یاد مبدأ و معاد و عظمت خویشـتن غافل نموده و به گناه و شهوات نامشروع و در نتیجه عواقب دردناك می کشاند که زنان بی پروا نیز قربانی این مهلکه خواهند بود و حتی بیشترین آسیب متوجه آنها می شود؛ چنان که حضرت علی فرموده است: «من کثر فکره فی المعاصی دعته الیها؟ هر کس درباره گناهان زیاد بیندیشد به سوی آنها کشیده می شود.(۳)

بدیهی است زنان بدحجاب و بی بند و بار، جامعه را به سوی انحرافات جنسی سوق می دهند.

ج) انحراف استعدادها

جامعه ای که به وسیله بدحجابی ملتهب شده، استعداد والای انسانی،

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص۳۴۸

۲- همان، ج ۱، ص ۲۸.

۳- همان: ص ۱۹۹

نه تنها از شناخت حقیقت و رسیدن به کمالات علمی محروم میگردد بلکه در مسیر جست و جوی امور ضد اخلاقی و انحرافی؛ هم چون استعمال مواد مخدر، تماشای تصاویر و فیلم های مستهجن و شنیدن صداها و آهنگهای مبتذل و... که ارمغان غرب و غرب زدگان و منحرفان است، به کار می افتد و نتیجه ای جز ایجاد غفلت و سوء اخلاق و محرومیت از انسانیت نخواهد داشت.

د) گرایش به تقلیدهای کورکورانه

هنگامی که آدمی در اثر پیروی از هوا و هوس ناشی از بدحجابی و.. از تحصیل علم و معرفت محروم می گردد، ناگزیر استقلال فکری خود را از دست داده و دست به دامان تقلیدهای غیر معقول و پندارهای بی اساس دراز میکند و در حقیقت ذهن او را حس و چشم و گوش، تغذیه و اداره می کند نه براهین عقلی و شرعی.

تقلید و چشم و هم چشمی که نشانه خودباختگی، عامل عقب افتادگی و از علائم شخصیت بیمار است، باعث میگردد که فرد مقلد گرفتار وسوسه ها و دسیسه ها و سیاست بازی های شیاطین و ابزار دست دیگران قرار گرفته و در زندگی بر اساس خودخواهی ها و خودکامگی های خود و دیگران، رفتار کند؛ همچنان که خود آرایی و بد حجابی نیز از جلوه های بارز و رفتارهای تقلیدی کورکورانه است.

اگر زنان مسلمان به ویژه جوانان، پیرامون اندیشه والای اسلام درباره شخصیت زن و مسائل مربوط به آن مخصوصا حجاب و فلسفه و فواید آن تحقیق می کردند و با نظرات تربیتی اسلام آشنا می شدند و یا دست کم در

برابر مدعیان آزادی بی بندوباری و مبلغان بی حجابی و خودنمایی، خواستار دلیل درست و منطقی می شدند، آنگونه که قرآن دستور داده است، (۱) هیچگـاه مرزهـای فکری و روحی را به روی دسیسه های بیگانگان باز نکرده و سخنان شیطانی آنها و پیروی از هوس را بر حکم مستدل و حکیمانه خداوند، مبنی بر وجوب پوشش کامل و حجاب عفیفانه زن مسلمان، ترجیح نمی دادنـد و بـا رفتارهـای خلاف عفت و حیاء در جامعه فساد نکرده و به دین و انسانیت خود و دیگران ضـربه نمی زدنـد و از این طریق از دشمنان واقعی خود و اسلام جانب داری نمی کردند و به توصیه های قرآن و سنت، مبنی بر پرهیز از دوستی های قلبی با عملی با کسانی که دین الهی را به استهزا و بازی گرفتند جامه عمل می پوشاندند.

به راستی کسانی که در جست و جوی حقیقت هستند کافی است در این سخن معبود خویش، انـدکی تأمل و تفکر کننـد که می فرماید: «تنها خداوند به حق و حقیقت و سعادت هدایت می کند، آیا کسـی که هدایت به سوی حق می کند برای هدایت شایسته تر است یا آن کسـی که خود، هـدایت نمی یابـد – و هم چنین رهنمون به حق نمیکنـد . مگر آن که هـدایتش کنند؟» (۲)بانوان مسلمان باید بدانند که چه بسیار زنان بی حجاب و بد حجاب در دنیا فساد به بار آوردند، اما عاقبت مردند و در عالم برزخ و قبر دچار مکافات اعمال ناشایست خود شدند و در دادگاه قیامت تیز باید

۱- سوره بقره آیه ۱۱۱

۲- سوره یونس: آیه ۱۰

جوابگوی هتک حرمت و زیر پا نهادن حکم حجاب اسلامی و گمراه ساختن دیگران در منجلاب فساد و انحراف باشند. آنان در دنیا، سرمایه وجودی خود را باختند و به ناچار در سرای آخرت از زیانکاران خواهنده بود، دیگران نیز مرگ به سراغشان خواهد آمد و به سوی خدایی که دانای نهان و آشکار است باز می گردند و به آنچه عمل می کردند آگاه می شوند.

ه) تزلزل مقام زن

عشق و علاقه راستین میان زن و شوهر و تحقق مقام محبوبیت برای زن در گرو انسانیت و فضایل اخلاقی حاصل از آگاهی دینی و ایمان به خداست، اما وقتی بدحجابی در جامعه گسترش یافت و چشم ها از مناظر , شهوت انگیز و جنسی پر شده پایه های عشق و محبت که همان فضایل

اخلاقی است، متزلزل کشته و مقام معشوق و محبوب بودن آن از بین می رود و توجه زن و مرد به یکدیگر صرفا در دایره امور شهوانی محدود خواهد شد و این بزرگترین آسیب به شخصیت و روحیه زن در نظام خانواده است.

ضمن اینکه چنین زن و مردی از اساسی ترین نیاز زندگی مشترک، که همان درک و شناخت هم دیگر و نیازهای اصیل همسر است، محروم میباشند؛ زیرا کسی که ارزش و عظمت خود را نشناخته باشد، نمی تواند دیگران از جمله همسر خویش را بشناسد. بدیهی است خویشتن شناسی و همسر شناسی زیربنای محبت و عشق در نظام خانواده است، که جز در سایه دین و ایمان تحقق نمی یابد.

نکته بسیار مهم و در خور توجه آن است که این آسیب ها و خطرهای

مزبور نه تنها جامعه را تهدید می کند، بلکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم گریبان خود این بانوان و زنان دیگر را می گیرد و زندگی را در کام آنها تلخ می سازد، چرا که پدر، برادر، همسر و فرزندان آنها نیز در چنین جامعه ای زندگی می کنند و روزی در این بلاها و دامهای تنیده شده گرفتار می شوند.

بنابراین چنین زنانی باید مشکلات و ناملایمات زیادی را به جان خویش بخرند؛ چرا که خود زمینه بی ارزشی و کالا شدن خویش را فراهم نموده اند و در این صورت هیچ تضمینی برای استمرار زندگی زناشویی آنها وجود ندارد. در جامعه بی بند و بار و بدحجاب، هر لحظه ممکن است یک مرد، زن دیگری را ببیند و بپسندد و با او که کالای تازه و جدیدی به نظر می رسد بنای زندگی و دوستی را بگذارد.

به طور کلی می توان گفت: بد حجابی در جامعه دو مشکل بزرگ و اساسی را دامن می زند اول اینکه: سبب از هم گسیختگی کانون خانواده ها و عدم التزام زن و شوهر به پیوند زناشویی می گردد و دوم آنکه: سبب هرزگی مردان و زنان و تشکیل نشدن کانونهای گرم خانواده و شانه خالی کردن جوانان از امر مقدس ازدواج می شود.

نقش بد حجابی در تخریب ابعاد شخصیتی زن

توانایی ها، مکانیسم و ابزارهای زن برای نفوذ در قلب همسر بی شمارند، البته مشروط بر آنکه از این امور - که به حق بر اساس حکمت و تدبیر الهی در نهاد زن به ودیعت نهاده شده به درستی و در جهت اهداف عالی انسانی استفاده شود.

اما در صورتی که در اثر کم توجهی یا بی مبالاتی زن، این توانایی هاو

ساز کارها در معرض تهدیـد قرار گیرد و با کمرنگ شود، نتایجی که به دست می آید نه تنها به سود زن نخواهد بود، بلکه او را به سمت انحطاط و شکست خواهد کشاند که در این جا به توضیح و تحلیل این امر مهم پرداخته می شود.

بدحجابی، آسارت مدرن

آزاداندیشی و روشن بینی، در پرتو تقوا و عقل سلیم به دست می آید؛ بر این اساس زنی که اسیر لا قیدی یا بدحجابی می شود و با بی اعتنایی با دهن کجی به دستورات حجاب و پوشـش، ارزش های وجودی خود را در جاذبه های ظاهری خلاصه نموده و از ارزش هـای انسـانی خود غافل می شود و پرده های هوا و هوس جلوی دیـدگان حق □ین و آینـده نگر او را گرفته و مانع آزاداندیشـی او می گردد. معیارهایش در انتخاب همسـر معمولا مادی و ظاهری است و نسـبت به ملاک های اصـیل و ارزشی غافل بوده و یا توجه لازم و کافی به آنها ندارد، لذا در گزینش و انتخاب یک مرد، به عنوان شـریک زندگی خود به خطا رفته و در نتیجه در زندگی شکست می خورد.

افزون بر این، چنین زنانی از شخصـیت فکری و اخلاقی سالم برخوردار نیسـتند، تا عاشق و دل داده واقعی داشته باشند، اینان یا از نظر عقل و اندیشه درباره حجاب و پوشـش اسـلامی فکر و عقیده نادرستی دارند و فریب شـبهات و تبلیغات زهرآگین ضـد حجاب اسـلامی را خورده انـد؛ و بـدون اینکه دریابنـد در بند مدها و مدلهای غربی و آموزه های غلط غیر اسـلامی کرفتار می شوند و با تأمل بیشتر می فهمیم که زنان بدحجاب ناخواسته و رایگان مؤثرترین مبلغان فرهنگ ابتذال و

ص:۱۳۷

بی بند و باری در جامعه می باشند.

بر این اساس چنین زنهایی از به دست آوردن عاشق واقعی، به عنوان همسر دلسوز و وفادار محرومند؛ چرا که عاشق راستین کسی است که عشق او بر پایه زیبایی باطنی زن، به ویژه حیا، عفت، وقار و پوشش اسلامی و دینی باشد، هر چند زیبایی ظاهر هم مورد توجه قرار بگیرد؛ همان گونه که در اسلام نیز به آن توجه شده است.

جوان با تقوا و عفیف حتی کسانی که در ایمان و عفاف ضعیف بوده و از جاده مستقیم به بیراهه رفته اند، بر اساس فطرت الهی و الهام درونی خویش از امور منافی عفت و حیا متنفرند و خواستار ازدواج با دختران پاک دامن می باشند. ویل دورانت مورخ و فیلسوف غرب - می گوید: ازنان بی شرم و حیا، جز در موارد زودگذر، برای مردان جذاب نیستند. مردان جوان به دنبال چشمان پر از حیا می باشند و بدون آنکه بدانند حس می کنند که این خودداری ظریفانه - عفت و حیا - از یک لطف و رقت عالی خبر

می دهد.(۱)

بدحجابی و تخریب عواطف انسانی

قلب کاتون عواطف، احساسات و انفالات أست؛ عاطفه از قلبی بر می خیزد و بر قلب دیگر می نشیند و آن را تحت تأثیر قرار می دهد. میزان محبت و عاطفه هر فردی به اندازه سلامت روانی، عاطفی و طهارت روحی و قلبی او بستگی دارد؛ همانگونه که میزان انفعال و تأثیرپذیری

۱- للذات فلسفه ص ۱۶۸

افراد در برابر عواطف و محبت های خالصانه و اندرزها و موعظه های دیگران نیز این چنین است.

دل هر چه از صفات ناپسند و زنگار گناه دور و پاک باشد لطافت، طراوت و نرمی آن بیشتر خواهد بود؛ بیشتر تحت تأثیر اندرزها و گفتارهای حق و مهر و محبت ها و امور عاطفی قرار می گیرد؛ به همین دلیل قلب مردان الهی منبع محبت زیاد و عواطف سرشار است؛ از یک سو به همسران خود محبت و علاقه فراوان دارند و در نتیجه در هدایت و کمک و یاری به آنها از هیچ کوششی دریغ نمی کنند و از سوی دیگر در برابر امور عاطفی آنان سخت تحت تأثیر قرار میگیرند.

جلوه گری و بدحجابی زنان در جامعه که نشانه کم کردن هدف والای حیات است به مردان را هم از هدف آفرینش و زندگی غافل نموده و در مادیات، شهوات و اخلاق و صفات فاسد و آلوده غرق می کند، که باعث بیماری و تاریکی قلب و سخت و خشن شدن دل می شود و روشن است که انسان بیمار دل در برابر عواطف زنان، کمتر تحت تأثیر قرار می گیرد و چه بسا هیچ عاطفه ای را بر نمی تابد و چه بسا آن را به مثابه فریب و حیله تلقی نموده و بر آن واکنش منفی نشان میدهد.

آن چه برای انسان ناآگاه و شهوت طلب اهمیت دارد، خودخواهی و هوس اوست؛ خودمحوری و حرکت در چهارچوب خواسته های شهوانی و حیوانی، مجال جست و جو درباره شخصیت انسانی همسر را به او نمی دهد، تا سپاسگزار و پاسخگوی عواطف و مهرورزی همسر خویش باشد. او خود را می بیند و بس، مگر آن که در نهان خانه دلش هنوز ردپایی

از مهر و محبت مانده باشد

بر همین اساس است که مردان کم غیرت که ناموسشان را به اعم از همسر و دختر در برابر نامحرمان و چشمان معصوم نوجوانان و جوانان به نمایش می گذارند، و از این امر احساس رضایت و سربلندی می کنند که مثلا دختر و همسرشان زیبا و جذاب است و هیچ نگرانی و ناراحتی در این امر ندارند که ممکن است این وضع همسر و دختران آنها، جوانان زیادی را به فساد و نابودی بکشاند و در ورطه ملاکت قرار دهد چرا که فاقد احساسات و عواطف دینی و انسانی می باشند.

از سوی دیگر استفاده بهتر از توانایی ها و استعداد های زن، به ویژه از چشمه جوشان عواطف و محبت های او در صورت وجود زمینه مساعد و عوامل محرک ممکن و شدنی است. مهمترین گام در این راستا، حفظ سلامت روانی و عاطفی زن می باشد که در سایه عنایت به شخصیت انسانی و حفظ حرمت او، برخوردهای شایسته توأم با محبت و صداقت و برآوردن نیازها و خواسته های معقول وی تحقق می یابد.

روشن است جامعه ای که مردان آن با دیدن صحنه های تحریک آمیز زنان، به سمت لذت های شهوانی و ماديات و خودخواهی کشانده شوند و روح ملکوتی خود را فراموش نمایند و نسبت به شخصیت انسانی خود محبت نداشته باشند، نمی توانند حافظ و نگهبان حرمت و سلامت روانی و عاطفی همسران خویش باشند و در نتیجه، این چشمه های جوشان محبت به مرور از میان رفته و زنان در بعد عاطفی و محبت خلع سلاح می شوند؛ به همین جهت است که در دنیای غرب، تور محبت و عاطفه کم فروغ دیا

ص:۱۴۰

خاموش گشته است.

به علاوه زنان آسیب زا نیز در اثر فراموشی هویت ارزشمند خویش و ارتکاب گناهان بزرگی که ناشی از هتك حریم پوشش اسلامی و بروز فجایع و انحرافات است، طهارت روحی و سلامت و بهداشت روانی و عاطفی خود را از دست می دهند. یکی از نشانه های آن، بی تفاوتی آنان در برابر واژگون شدن ارزش ها، از هم پاشیدن خانواده های انحرافات و اعتیاد جوانان و نوجوانان و سایر پی آمدهای بی حجابی و بدحجابی و به طور کلی استوار ساختن لذایذ کاذب خود بر آلام دیگران است. چه این که بی توجهی آنان به دستورهای الهی درباره ضرورت حجاب عفیفانه و شؤون اخلاقی در برابر نامحرمان و بی اعتنایی به اندرزها و پندهای خیرخواهانه، نشانه بی تفاوتی به ارزشها و گوهر آسمانی نفس می باشد.

خلاصه آن که ایمان و عفاف، باعث گسترش عاطفه و محبت و دگر دوستی می گردد و بی ایمانی ، بی بندوباری و شهوت طلبی موجب خمودی، سستی عاطفه و خودخواهی است؛ زیرا مبانی دینی و احکام اسلامی که ضامن پرورش عواطف انسانی و انسان دوستی بالاخص درباره همسر و فرزندان است در اثر لا تبدی، بدحجابی، دوستی ها و روابط غیر مشروع دختران و پسران و امثال اینها به فراموشی سپرده می شود که نتیجه ای جز سست شدن ایمان، عاطفه، نوع دوستی و خیرخواهی در جامعه و خانواده ندارد.

افزون بر اینها، نشان دادن جاذبه های زنانه - به جای زیبایی های معنوی - در برابر دیدگان مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان، موجب رواج

ص:۱۴۱

روابط به ظاهر دوستانه مردان و زنان جوان شده و مردان با این شیوه کاذب، نیازهای عاطفی خویش را تأمین می کنند و از محبت و عاطفه همسران - فعلی یا آینده به خود احساس بی نیازی می کنند و بدین ترتیب زنان لاقید و بدحجاب، قوت تأثیر ابزار عاطفه را در تحکیم شخصیت و افزایش محبوبیت خویش از جهات گوناگون نزد همسران از دست می دهند.

بدحجابی یا خلع زیبایی ها و ارزشهای زن

زنانی که حریم ارزشمند خود را پاس ندارند و با خودآرایی و نشان دادن زیور و جاذبه های خود در برابر نامحرمان حاضر شوند، طبیعتا مردان عادی به دنبال آنها خواهند بود، در نتیجه خودآرایی و زیباسازی زن در خانه را تحت الشعاع خود قرار داده و جاذبه آن را در نظر شوهرش از بین می برد، به خصوص این که با گذشت زمان و هم نشینی زن و شوهر در کنار یکدیگر، جذابیت تزئین و آرایش زن در نزد مرد طبیعت کاهش پیدا می کند.

بنابراین زنانی که با فروش رایگان زیبایی ها و جاذبه های خدادادی نظر مردان نامحرم جامعه را به خود جلب می سازند، در واقع مشغول خلع سلاح خود و هم نوعان خویش می باشند، که نتیجه آن تخریب یا تضعیف حرمت آنان است، مگر زنان عفیف و محجبه که از نعمت شوهر عفیف و با تقوا برخوردار باشند.

در مقابل، جامعه ای که از زینت معفاف و حیا و پوشش کامل زنان و

غیرت مردان برخوردار باشد و نمایش جاذبه های زنان محدود به خانه و همسر باشد، از یک سو ارزش و منزلت و موقعیت زنان در نظر مردان فوق العاده بالا می رود و از سوی دیگر قدرت، میل و حرص مردان به جاذبه ها و زیبایی های زنان عفیف خود افزایش می یابد. مردان از آنجا که در خارج خانه به زنان دسترسی ندارند، طبیعت به همسران خویش و جاذبه های آنان جذب می شوند که همین امر سبب گران بها شدن آنها، تداوم داشتن محبوبیت آنان و استحکام خانواده خواهد بود و به قول ویل دورانت:

آنچه بجوییم و نیابیم عزیز و گرانبها می گردد، زیبایی یک شیم - چنان که خواهیم دید . بستگی به قدرت میل به آن شیء دارد، میلی که با ارضا و اقناع ضعیف می شود، با منع و جلوگیری قوی می گردد».(۱)

بی بندوباری، مانع زیبایی

توجه به این قانون کلی و طبیعی لازم است که هر عمل و حرکتی برخلاف طبیعت و فطرت و ساختار وجودی انسان باشد ضربه ای است بر جسم و روح انسان؛ یعنی در نظام هستی، هر چیزی دارای قوانین خاص خود است، از بزرگترین پدیده های جهان تا کوچک ترین آنها و حتی موجودات مجرد و غیر مادی از قوانین خاصی برخوردارند. روح ملکوتی انسان نیز دارای ویژگی ها و قوانین و اساس نامه ای است که هیچ کس اطلاع کامل به آنها ندارد، جز خالق انسان و پیشوایان دین علیه السلام که متصل به علم بی نهایت اویند.

۱- لذات فلسفه:ص ۱۳۰.

لذا تنها مکتبی که همه تعلیمات و دستورهایش مطابق با قوانین و اساس نامه روح انسان می باشد، مکتب الهی اسلام است؛ به همین جهت عمل به آنها باعث شکوفایی استعدادهای اصیل و توانایی های بالقوه آدمی است و مخالفت با آنها مبارزه با ساختار وجودی خود و ضوابط مربوط به روح آدمی است که نتیجه ای جز ضربه های سنگین و چه بسا غیر قابل جبران بر شخصیت خویش ندارد و با توجه به قانون «الجسم والروح یتعاکسان»؛ که جسم و روح در همدیگر تأثیر می گذارند، هر عمل خوب یا بد نه تنها در روح انسان تأثیر دارد، بلکه در جسم هم از طریق روح - اثر می گذارد. در نتیجه جسم سالم در پرتو روح سالم است و بالعکس. بهداشت روح و جسم مستلزم توجه کامل به قوانین خویشتن است.

بر این اساس اولاً: بی پروایی و خودنمایی زن، که از بزرگ ترین گناهان کبیره است، آسیب و جنایتی است بزرگ بر روح و فطرت الهی خود زن و در نتیجه تأثیر آن بر بدن و صورت او و از دست رفتن تدریجی جمال و زیبایی آن، چرا که فطرت زن طالب عفت و حیا، و قانون روح أو خداپرستی و اطاعت از فرمان های اوست نه شهوت پرستی و اطاعت از هوی و هوس؛ چنان که رعایت عفاف و حجاب باعث استحکام و افزایش زیبایی زن می شود، چون رعایت عفت و حجاب حرکتی است در مجرای قوانین روح و به تبع آن، قوانین جسم؛ لذا حضرت علی فرمودند: «زکاه الجمال العناف؛ زکات زیبایی عفت است»(۱)

زکات در لغت به معنای رشد و نمو است. بنابراین مضمون حدیث

ص:۱۴۴

۱- غرر الحکم، ج ۱، ص۳۸۴.

این است که رعایت عفت و حجاب باعث رشد و بالندگی استعدادهای روح و افزایش زیبایی چهره و اندام است. علاوه بر این که روح زیبا، سازنده بدن زیباست

ثانیاً: غالب زنان بدحجاب در اثر پیدایش عیب و نقص در بدن و صورت خود، دچار ناراحتی شدید و عقده حقارت می گردند و گاه تبدیل به یک بحران بزرگی در زندگی شان می شود که اثر منفی آن در کاهش زیبایی آنها نقش اساسی دارد.

ثالثا: بدحجابی از جلوه های روشن فقدان یا ضعف عفت است و زیبایی چهره بدون تقوا و عفت جاذبه ای نخواهد داشت، مگر برای شهوت پرستان.

رابعاً: جامعه ای که زنان در آن، جمال و زیبایی های خود را در معرض تماشای عموم قرار می دهند، چشمان ناپاک مردانی که از تقوا برخوردار نیستند، به طرف آنها متوجه و خیره شده و نسبت به جمال همسران خویش بی توجه خواهند شد و یا لااقل جاذبه آنان تقلیل می یابد. روشن است که همسران زنان خودنما نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

نتیجه این که: زنان مزبور از چند جهت از سلاح جاذبه زیبایی ظاهری - ولو به تدریج و مرور زمان - خلع شده و محبوبیت خویش را نزد همسرانشان از دست می دهند و یا به شدت تقلیل می یابد.

ص:۱۴۵

فصل یازدهم: راههای گسترش فرهنگ حجاب

جامعه پذیری

جامعه پذیری جریانی است که از طریق آن ارزشـها، هنجارها و به طور کلی فرهنگ جامعه در ساختار شخصـیت افراد، درونی شـده و فرد به گـونه ای خود انگیخته ایـده هـا و رفتارهـای خود را در چـارچوب قالبهـا و اشـکال مصوب اجتمـاعی عینیت می بخشـد. حجـاب و مطلوبیت آن نیز بایـد همچون دیگر الگوهای مورد نظر فرهنگ دینی از طریق این فراینـد به افراد القا شود و آنها را در التزام به رعایت آن در سـنین مقتضـی تحریق نماینـد و وجـدان جمعی را در خصوص تشویق افراد مطیع و تنبیه افراد خاطی، حساس سازنـد. مجموع دو جریان تعلیمی و کنترلی فوق می تواند جریان یافتن یک ارزش فرهنگی و نیز بقای آن را از طریق عمـل به آن تضـمین کنـد. عوامـل و کـارگزاران متعـددی رسالته هـدایت این جریان را دارنـد که به مهمترین آنها اشاره میشود:

خانواده خانواده نخستین و مهمترین حلقه از زنجیره فرایند جامعه پذیری است که بنیائی ترین نقش را در جریان تربیت و شکل دهی به شخصیت فرزندان بر عهده دارد. والدین به عنوان نمایندگان

ص:۱۴۹

جامعه وظیفه دارند فرزندان خود را مطابق ارزشهای مصوبه و بر طبق الگوهای مقبول اجتماعی تربیت کرده و جهت ایفای نقشهای مهم در جامعه بپرورانند. آثار تربیتی این محیط به قدری عمیق و راسخ است که برخی رسوبات آن تا پایان عمر در ردیف عناصر اصلی شخصیت فرد همچنان فعال و پویا باقی می ماند و سایر عناصر دریافتی را تحت الشعاع قرار داده و در همسویی با خود جرح و تعدیل می نماید. در خصوص الگوی حنجناب، و التزام عملی به رعایت آن نیز مسؤولیت مهمی متوجه خانواده و خصوصا مادر است. مادر در این حیله نیز همچون سایر عرصه های تربیتی وظیفه و رسالت سنگینی به دوش دارد و به عنوان اولین و اصلی ترین آموزگار کودک، در پی ریزی این تقید حرف اول را می زند. انتظار به حق جامعه از این نهاد این است که در این خصوص نیز در راستای ایجاد همسویی کامل با ارزشهای حاکم بر نظام اجتماعی اقدام نمایند و فرزندان خویش را بر اساس تقید به این الگوی اصیل دینی پرورش دهند.

بدیهی است این نقش و تأثیر آن هنگامی به طور کامل محقق خواهد شد که سایر نهادهای اجتماعی نیز در این خصوص با خانواده همگام شوند و این فرایند تربیتی را تا تثبیت کامل استمرار بخشنده و سیستم های نظارتی جامعه نیز موظفند در ابقای این الگو و رفع عوامل مزاحم آن خصوصا عوامل فرهنگی و تبلیغات بدی که در جهت تخریب یا تضعیف نقش و اهمیت آن جریان می یابد با تمام توان مقابله کنند و تنها در پرتو این هماهنگی است که فرد و جامعه می توانند از ثمرات نیکوی این تکلیف حیات بخش برخوردار شوند.

ص:۱۵۰

مـدرسه: دومین حلقه از حلقه های فراینـد جامعه پذیری مدرسه است. مدرسه اولین محیطی است که فرد در آن روابط سازمان یافته را تجربه می کند و از این منظر با پیچیدگی های نظام اجتماعی تا

حدودی آشنا می شود. محیط مدرسه نیز به خاطر وجود ارتباطات عاطفی چهره به چهره میان اعضای همسال و موقعیت مناسب سنی جهت الگوگیری تأثیر عمیقی در شکل دهی به شخصیت افراد از خود به جای می گذارد. اگر چه مدت حضور کودک در مدرسه به مراتب کمتر از مدت حضور او در خانه است اما اثرات تربیتی این محیط پسی گسترده تر از محیط خانواده است؛ زیرا جریان جامعه پـذیری در خانواده عمـدت یکسویه و در محیط مـدرسه تا حـد زیادی دو سویه و تقابلی است. بدیهی اسـت دستیابی به آثار مثبت هر دو محیط تنها هنگامی میسر خواهـد بود که هماهنگی کاملی میان این دو نهاد برقرار باشد و هر یک در تکمیل فرایند طی شده توسط دیگری گام بردارد و کار خود را به عنوان مقطعی از یک جریان مستمر تلقی کند.

وسایل ارتباط جمعی

رادیو، تلویزیون و مطبوعات نیز امروزه نقش بسیار مهمی در تربیت اجتماعی و جامعه پذیری افراد ایفا می کنند. بعد از مدرسه یـا به طور کلی محیط های آموزشـی و شـغلی افراد که به اجبار ساعاتی از وقت آنها را به خود اختصاص می دهـد، بقیه اوقات فراغت افراد از طریق رسانه های جمعی خصوصاً رادیو و تلویزیون پوشش داده می شود.

سیاست یک دست سازی فرهنگی و جریان دهی خرده

ص:۱۵۱

فرهنگ های فعالی یک جامعه، به بسترهای خاص و زمینه سازی برای شکل گیری حاکمیت یک واحد استاندارد تحت عنوان فرهنگ ملی عمدتا از مجرای همین رسانه اعمال می شود و در تأثیر گذاری عمیق آن از تأثیرات مثبت یا منفی کمترین تردیدی وجود ندارد.

وجود هماهنگی و محوریت اهداف مشترکه میان حلقه های گوناگون فرایند جامعه پذیری اعم از خانواده، مدرسه، محیط اجتماعی و رسانه های جمعی می تواند جامعه را در جهت گیری به سوی یک فرهنگ واحد مطلوب و تثبیت ارزشها و الگوهای مورد نظر آن رهنمون گردد، البته در این میان باز هم تأثیرات بنیادی، منحصربه رسانه های جمعی است. زیرا دست اندرکاران امور فرهنگی تربیتی در همه کانونهای فرهنگی جامعه در معرض آموزشهای این رسانه اند و کار آنها تنها هنگامی می تواند مثمر ثمر باشد که در جهت مقابل این رسانه ها عمل نکند.

در خصوص حجاب نیز به عنوان الگوی مطلوب پوشش زنان و به عنوان یکی از تجلیات عینی فرهنگ اسلامی، هماهنگی میان نهادهای دست اندرکار امور فرهنگی و تربیتی، شرط لازم جهت دست یابی به این مهم است. وجود تلقی های گوناگون و تفسیرهای ناهمگون از یک ارزش، همواره مانع بزرگی در راه تثبیت و ایجاد التزام عملی به رعایت آن می باشد.

کارگزاران فرهنگی جامعه موظفند با استخراج الگوهای مطلوب یک فرهنگ از جمله حجاب و تنظیم آن در چارچوب برنامه های منسجم جهت اجرا در بخش های مختلف نظام اجتماعی، القاء

آگاهی های لازم به افراد جامعه، فعال کردن سیستم های رسمی و غیر رسمی، نظارت اجتماعی و تشویق افراد به التزام عملی و در مقابل، تنبیه متخلفین و به طور کلی ایجاد تسهیلات لازم جهت درونریزی آنها در ساختار روانی افراد و جنبه فرهنگی جامعه و در نتیجه حساس کردن وجدان جمعی در رعایت و پاسداری از آنها، گامهای جدی تری بردارند و الگوی اصیلی همچون حجاب را به خاطر نقش محوری آن در سعادت فرد و جامعه به عنوان ثانوی طبیعت افراد در شخصیت آنان تعبیه نمایند.

سیستم نظارتی امر به معروف و نهی از منکر

آداب و سنن و قوانین مصوب علاوه بر رعایت و تناسب آنها با شاکله فرهنگی یک جامعه و کارآیی عملی آنها در پیشبرد اهداف مورد نظر و ایجاد نظم اجتماعی، در مرحله اجرا به یک سیستم نظارتی ویژه با همگانی محتاج اند. روشن است که آداب و سنن و قوانین اجتماعی هر قدر مطلوبه و به فراخور حال و نیاز و با رعایت جمیع جوانب مورد نظر، طرح و تدوین شده باشد و به صورت مدون یا غیر مدون در راستای الگودهی و نظم بخشی به عرصه های گوناگون رفتاری طراحی شده یا همواره برای پوشش دهی به حیطه های جدید مورد نظر ایجاد گردد، در صورتی اهداف مطلوب از آنها عینیت می یابد که از طریق سیستم های نظارتی فعال اجتماعی، ضمانت اجرای کافی برای ظهور آنها در عمل فراهم آید.

سیستم های نظارتی در یک تقسیم کلی به دو بخش رسمی که

حافظ قوانین خاص مصوب از سوی دولت و غیر رسمی که حافظ آداب، سنن و عادات غیر مدون اجتماعی است تقسیم می شود. فعالیت جهت دار نظام اجتماعی در هر دو جریان یعنی پوشش دهی الگویی به همه عرصه های گوناگون رفتاری و نیز ایجاد سیستم های کنترل و نظارتی می تواند تعادل اجتماعی را تضمین و تغییرات قهری با اختیاری نظام اجتماعی را هدایت کند.

در خصوص حجاب نیز علاوه بر فعالیت جدی و هماهنگ نهادهای دست اندر کار فرایند جامعه پذیری، درونریزی دقیق الگوی مورد نظر همراه با اقناع سازی کافی نسبت به حکمت ها و مصالح مترتب بر آن، برخورداری از یک سیستم نظارت اجتماعی به منظور ارتقای التزام عملی و از میان بردن زمینه های تخلف ضروری است. این سیستم در بخش ها و مراکز دولتی به صورت رسمی و در گستره عام اجتماعی از طریق حساس کردن وجدان و به صورت غیر رسمی اعمال می گردد. فعالیت هماهنگ هر دو بخش رسمی و غیر رسمی و استعمال تنبیه نسبت به افراد خاطی و نیز اعطای پاداشهای لازم به افراد مطیع، به عنوان آخرین حلقه تکمیلی در اثر بخشی و کارآیی فرایند جامعه پذیری می تواند همگان را به رعایت این تکلیف الهی و حیات بخش بیش از پیش ارتقا بخشد و جامعه را از آثار نیکوی مترتب بر آن بهره مند و در مقابل از آثار و تبعات سوه ناشی از بی توجهی با تمرد از آن در امان دارد.

ص:۱۵۴

فصل دوازدهم: چشم چرانی وپیامد ها آن

اشاره

یکی از ساده ترین راههای ارتباط با دیگران نگاه کردن است؛ زیرا حواس دیگر انسان، هر کدام در جای خود ساکننـد و تا چیزی به آنها نرسد در طلب آن بر نمی آیند و گرفتار آن نمی شوند، ولی چشم از دور و نزدیک همه چیز را صید می کند و شعاعش همه اطراف را، تا آنجا

که مجال دید است در بر می گیرد. بزرگان دین گفته اند که ساده ترین راه نفوذ شیطان در وجود انسان و تسخیر قلب او نگاه کردن است.

بر اساس تحقیقات انجام شده درباره انحراف جنسی جوانان، یکی از مهمترین و قوی ترین محرکهای غریزه جنسی، نگاههای شهوت انگیز است که در این میان نقش اصلی را ایفا می کند.

مناظر شهوت انگیز مصادیق متعدد و فراوانی دارند و دیدن بدن نامحرم، دیدن انواع عکسهاء فیلمهای ویدیویی، سینمایی سی دی های ماهواره و اینترنت و غیره را در بر می گیرد. بطور کلی چشم، دروازه ورود تصورات و اندیشه ها به وجود انسان است، در اکثر موارد ما ابتدا چیزی را می بینیم و سپس درباره آن می اندیشیم و در ذهن آن را پردازش می کنیم؛ لذا نگاه، مواد اولیه و مصالح لازم

تصورات و تخیلات را فراهم می کند. از این رو اگر نگاه، شهوانی و نامشروع باشد، زمینه ساز افکار خطرناک و دردهای روحی و روانی خواهد بود. بر اساس تحقیقات، بیشتر موارد خود ارضایی و روابط نامشروع از نگاه های حرام آغاز شده است، افرادی که چشم های هرزه دارند، همیشه دستخوش رنج های روحی و دردهای درونی بی شماری می شوند که جملگی محصول نگاههای نامشروع و نظر بازیهای آنهاست. (۱)

چشم چرانی که خود در واقع نوعی از انحرافهای اخلاقی و جنسی است، به تعبیر روایات اسلامی یک نوع زنا محسوب می شود. (۲) چشم چرانی افزون بر تأثیرات روحی و روانی فراوان که مهمترین آنها به تعبیر روایات حسرت، اندوه و گرفتاری در دام فساد و فحشا است دارای عوارض مادی و منشا بیماری های جسمی زیادی نیز می باشد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: دشواری تنفس، درد اطراف قلب، ضعف و خستگی عمومی و دائمی بدن، تپش قلب و...(۳)

در متون دین اسلام نیز به طور گسترده به زبانهای چشم چرانی و همچنین اهمیت و پاداش کنترل چشم از نگاه های حرام پرداخته شده است که ما در این مجال کوتاه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- دنیای جوان: ص ۲۱۲، با اندکی تصرف.

۲- وسائل الشیعه ج ۱۴، ص۱۳۸

۳- اولین دانشگاه، آخرین پیامبر: ج ۱۹، ص ۴۶

زیانهای چشم چرانی

حسرت و اندوه طولانی

امام صادق ع می فرمایند: «نگاه اشهوت آلود، تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است و چه بسا نگاه شهوت آلودی که حسرتی طولانی بر جای می گذارد».(۱)

امیر مؤنان نیز در این باره می فرمایند: هر فردی که چشم خود را آزاد بگذارد و به هر چیزی نگاه کند، حزن و اندوهش زیاد می شود. (۲) و نیز می فرمایند: «بسا نهال هوسی که از نیم نگاهی کاشته می شود.(۳)

کلام زیبای این دو معصوم را از دو بعد می توان مورد بررسی قرار داد، اول اینکه چه بسا افراد چشم چران با دیدن زنان و دختران زیبا همیشه در حسرت و آرزوی کامجویی از آنان باشند و هیچگاه این امر بر آنان میسر و مقدور نگردد و لذا حسرت و اندوه همیشگی برای آنها به وجود آید.

دوم: اینکه ممکن است آدمهای چشم چران در مقام مقایسه زنان خود با زنان و دختران کوچه و بازار برآیند و همیشه در این قباس همسران خود را ناقص و زشت ببینند و از انتخاب همسر خود برای زندگی پشیمان و محزون گردند غافل از اینکه اگر با آنها هم ازدواج کند باز هم زنانی زیباتر از آنان یافت خواهد شد.

۱- فروع کافی ج ۵، ص ۵۵۹

۲- تحف العقول ص ۹۷

۳- غرر الحکم: ۵۳۱۴

داستان: مرد در بستر مرگ افتاده بود و ثانیه های آخر عمر را می گذراند. به سختی نفس میکشید، دست و پایش از ترس و وحشت می لرزید، رنگش زود گشته بود، مثل اینکه خون در رگهایش منجمد شده بود دوستانش که این حال رقت بار را از او دیدند و دریافتند که مرگش حتمی است، شهادتین را به او تلقین می کردند و میگفتند: بگو اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله ؛ ولی اور با صدایی آرام و شکسته می گفت: کجاست آن زن زیبایی که سراغ حمام را می گرفت! دوباره شانه هایش را تکان می دادند که شاید متوجه شود و شهادتین را بر زبان جاری کند ولی مثل اینکه در عالم حسرت و اندوه غوطه ور بود و مرتب می گفت: کجاست آن زن زیبایی که سراغ حمام را می گرفت! اصلا نمی توانست شهادتین را بگوید و با همان حال اسفناک در اوج حسرت و اندوه از دنیا رفت. بعد از مرگش این سوال برایم باقی ماند که: این چه جملاتی بود که به جای شهادتین می گفت، تا اینکه روزی این مسأله را از یکی از دوستان صمیمی اش پرسیدم، گفت: راستش را بخواهی وقتی اکبر آقا جوان بود و سرشار از شور جوانی به چشم چرانی و نظربازی عادت کرده بود. از قضا روزی که بر سر کوچه ایستاده بود و مردم کوچه و بازار را دید می زد زن زیبا و عفیفی که به دنبال حمام می گشت و راه را گم کرده بود به طرف او می رود و از او می پرسد: ببخشید آقا! می شود راه حمام زنانه را به من نشان دهید.

اکبر آقا نگاهی به زن جوان می کند و دلش به شدت می لرزد و با تمام وجود شیفته او می شود؛ چرا که آن زن، زیباترین زنی بود که

ص:۱۶۰

تابحال دیده بود.

اکبر آقـا هم فوراً در نیمه بـاز خـانه خودش را به عنوان حمـام به آن زن نشـان می دهـد، زن در کمال سادگی، داخل خانه می شود، اکـبر آقـا هم بلافاصـله وارد خـانه می شود و در را می بنـدد. زن بیچـاره که دیگر هیـچ راه فراری برای خود نمی بینـد و خودش را در چنگال اکبر اسـیر می بینـد، می گوید: حقیقت این است که منم بدم نمی آید ساعتی را با شـما باشم ولی من هم کثیفم و هم گرسـنه، بهتر است شـما مقداری غذا تهیه کنید و من هم به حمام بروم و خودم را برای شما مهیا کنم، أکبر آقا که تمایل و اشتیاق زن را می بینـد اجازه می دهـد زن به حمام برود. اما دیگر هرچه انتظار می کشد. زن بر نمی گردد. بعدها اکبر آقـا میگفت: سالیان درازی است که بر سـر کوچه می نشـینم و انتظار آن زن زیبا را میکشم و از اعماق دل، حسـرت و افسوس می خورم که چرا او را از دست دادم.

آری! همین افسوس و اندوه طولانی بود که موقع مرگ، گریبان او را گرفته بود و نمی گذاشت شهادتین را بگوید.(۱)

انحراف و هلاکت

خداوند متعال در حدیث قدسی درباره چشم چرانی می فرمایند: «نگاه اول (تصادفی) مال توست ولی نگاه دوم به ضرر و زیان توست و نگاه سوم باعث انحراف و هلاکت توست». (۲)

۱- منازل الأخیره، ص ۳۶، با اندکی تصرف

۲- من لا یحضره الفقیه: ج ۳، ص ۴۷۴

غرق شدن در فتنه

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «نگاه بعد از نگاه، شهوت و میل جنسی را در دل می رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است. (۱) .

در این روایت امام، فساد جنسی را معلول نگاه های مکرر همراه با شهرت و چشم چرانی معرفی می فرمایند. در این باره امیر مؤمنان علیه السلام نیز می فرمایند: «نگاه حرام راهنمای فتنه هاست».(۲)

داستان: تابستان سال گذشته بود که به شمال رفته بودیم و من مثل هزاران دختر دیگر بی خیال و چموش به دنبال چشمانی می گشتم که با محبت و عاشقانه نگاهم کند، به هر پسر جوانی چشم می دوختم و به دقت براندازش می کردم.

سرانجام در یک مهمانی بر سر سفره، جوانی به نام سامان نظرم را جلب کرد، من دائما به او نگاه می کردم و او هم مات و مبهوت به من خیره شده بود، با یک لبخند رضایت بخش از طرف، من آشنایی ما شروع شد. چند روزی بیشتر از آشنایی و دوستی ما نگذشته بود که سامان به گونه ای باور نکردنی با چرب زبانی های زیرکانه اعتماد و اطمینان مرا جلب کرد، و من در کنار او احساس آرامش و خوشبختی می کردم وقتی با هم بودیم از همه چیز و همه کس صحبت می کردیم و من بی خبر از همه جا، دور نمای یک زندگی زیبا را در کنار او، در ذهنم مجسّم می کردم.

ص:۱۶۲

۱- وسائل الکبه: ج ۱۴، ص ۱۳۹.

۲- غرر الحکم:ج ۱، ص ۲۶۲.

مـدتی بود که در اثر خیـال بافی های دخترانه کم خواب شـده بودم و شـبها تا دیر وقت با رؤیای یک زنـدگی شـیرین در کنار سامان نمی خوابیـدم. بعـد از ظهر یک روز گرم که با سامان قدم می زدیم، از بی خوابیها و رویا بافی هایم با او حرف زدم، او هم با مهربانی و دقت گوش می کرد. وقتی حرفم تمام شد، چند عدد قرص از جیبش بیرون آورد و گفت: من هم گاهی دچار بی خوابی می شوم، اما این قرصها نجاتم می دهد! و چند عدد قرص به من داد و از هم خداحافظی کردیم. شب که شد دوباره بی خوابی به سراغم آمد و من یکی از قرصها را خوردم که این آغاز اعتیاد من بود.

بعـد از آنکه به تهران برگشـتیم، دوسـتی من و سامـان ادامه یـافت، دیگر به قرصـهایی که از او می گرفتم عـادت کرده بودم و بدون آنها، همه وجودم درد می گرفت. یک شب که در خیابان قدم می زدیم من از او چند عدد قرص خواسـتم او مرا به خانه خودشـان دعوت کرد تـا در آنجـا قرصـها را به من بدهـد. من هم بی خبر از همه جـا به خـانه آنها رفتم و آن شب با نیرنگهای سامـان و اعتمـاد و نفهمی من، دامنم نیز آلوده شـد. بعـد از آن من یـک معتـاد شـده بودم. کم کم بـا راهنمـایی های سامان به هروئین روی آوردم دیگر تمـام فکر و ذهنم تهیه مـواد شـده بـود و هیـچ چیز جز هروئین برایم مهم نبود و به تدریـج برای تهیه مواد به خود فروشی و هرزگی روی آوردم.

حالا دیگر یک هروئینی کثیف و آلوده دامن هسـتم که نه در خانه جا دارم و نه در اجتماع، به خـدا از خودم و زنـدگی نکبت بارم خسته شدهام، وقتی کتاب سوخته زندگیم را ورق می زنم، می بینم خودم

مقصـر بودم؛ چرا که اگر جلوی چشـمانم را می گرفتم، هیـچ وقت اسـیر گرگ انسـان نمـایی چون سامان و چنگالهای خانمان سوز اعتیاد

نمی شد هی (۱)

فساد جنسی

امـام رضـا می فرمایـد: «نگـاه کردن به موهـای زنان شوهردار و غیر آنها (از دختران و زنان بـدون شوهر) حرام شـده است و به دلیل این که این گونه نگاه ها، باعث تحریک جنسی مردان می گردد، و تهییج و تحریک، باعث فساد جنسی و انجام کارهای حرام و ناشایست می شود. (۲)

رویش فسق و دوری از مسیر هدایت

تقل شـده است که حضـرت عیسـی به حواریین فرمودند: «از نگاه کردن به دختران اجتناب کنید، زیرا این نگاه، بذر شـهوت و تمایلات جنسی است و باعث رویش فسق (در وجود انسان) می شود.(۳)

در لسان العرب، افسوه به گناه و ترک دسـتورات خدا و انحراف از مسیر حق معنا گردیده است. چه بسا انسان با چشم چرانی و نگـاه به زنان و دختران آنچنان اسیر و پایبنـد شـهوت شود که از دین خـدا و مسـیر هـدایت خارج گردد و تمام فکر و ذکرش ارضای غریزه جنسی شود شود.

۱- زنگ خطر: ص ۴۸، با اندکی تصرف.

۲- وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۹۲

۳- مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۲۷۰.

داستان: حدود سی سال بود که بالای مناره مسجد محله می رفت و اذان می گفت، همه اهالی به صدای او عادت کرده بودند و با بانگ الله اکبر او، سحرها از خواب بیدار می شدند، و به نماز می ایستادند.

او که جوانی خود را در خادمی مسجد سپری کرده بود تبدیل به انسانی محترم و آبرومند شده بود. مردم نیز با کمکهایشان زندگی یک نفره او را تأمین می کردند. او هم مردی قانع و خویشتن دار بود و همه کارهای مسجد را انجام می داد.

دو سه روزی بود که خیلی با کسی صحبت نمی کرد و دائما در فکر فرو رفته بود، اذان را به موقع نمی گفت، مثل اینکه مسأله مهمی ذهنش را مشغول می کرد. من که با او رابطه خوبی داشتم یک روز بعد از نماز ظهر و عصر کنارش نشستم و گفتم: حاجی ! چیزی شده، خیلی تو فکری، می توانم کاری برایت انجام دهم؟

گفت: چه بگویم راستش را بخواهی چند روزی است که اسیر دل شده ام و می خواهم ازدواج کنم.

من که تا حالاـ از این حرفها از او نشنیده بودم بلافاصله گفتم: این که خیلی خوب است. دیگر از تنهایی هم در می آیی و به زندگی ات سر .و سامانی میدهی.

آهی کشید و گفت: آخر میدانی داستان من چیست؟ در این چهل سال عمر عاشق و دلباخته نشدم و اصلا به فکر ازدواج نبودم اما حالا که عاشق شده ام، فریفته یک دختر مجوسی گشته ام !!

گفتم: حاجی! دست بردار چیزی که زیاد است دختر نجیب و

مسلمان، حالا چرا عاشتی دختر مجوسی شدی؟!

گفت: خدا را گواه می گیرم که سی سال اذان گفتم ولی از بالای مناره مسجد خانه های اطراف را نگاه نکردم ولی چند روز پیش که برای گفتن اذان ظهر به بالای مناره مسجد رفته بودم با خودم گفتم برای یک بار هم که شده به خانه های اطراف مسجد نگاهی بکنم.

ناگهان داخل حیاط یکی از خانه ها، چشمم به دختری زیبا افتاد که مشغول استحمام بود، دیدن آن زن مهمان و عاشق شدن من همان، از آن روز به بعد نمی دانم چگونه نماز می خوانم همیشه و همه جا تصویر زیبای آن دختر در مقابل چشمانم بود، تا اینکه به فکر افتادم بروم و از او خواستگاری کنم، همه مصیبتها وقتی شروع شد که پدر آن دختر گفت: ما مجوسی هستیم و اگر بخواهی دخترمان را به تو بدهیم باید تو هم مجوسی بشوی!

همین که این مطلب را شنیدم گفتم: حاجی تو می خواهی چه کار کنی؟! گفت: هر چقدر با خودم فکر کردم و خواستم فکر آن دختر را از دلم بیرون کنم نتوانستم، دوباره به در خانه آنها رفتم هر چقدر التماس کردم که شرط مجوسی شدن من را بردارند و از آن صرفنظر کنند، قبول نکردند که نکردند.

حال، به این نتیجه رسیده ام که به ظاهر از دین اسلام دست . بردارم و به آداب آنها، دختر را به عقد خودم در آورم، آنگاه دوباره مسلمان بشوم و از این کار توبه کنم. گفتم: دست بردار! اینها نقشه های شیطان است مبادا دین و ایمانت را به خاطر آن دختر از دست بدهی...

ص:۱۶۶

یـک هفته ای بود که من مسـافرت بودم وقتی برگشـتم به صـحنه عجیبی برخوردم دیـدم اعلامیه مجلس ترحیم مؤذن به دیوار مسجد است، دیگر توان حرکت نداشتم از کاسب محله که دکانش مقابل مسجد بود پرسیدم: چی شده؟! مؤذن چطور مرد؟

گفت: مگر خبر نداری؟!. گفتم: نه! من یک هفته نبودم و از همه جا بی خبرم؟

گفت: حـدود شـش روز پیش مـؤذن بـا یـک دخـتر مجوسـی ازدواج کرد و در شب عروسـی که می خواست به وصـال دخـتر برسد سکته کرد و مرد و الان هم چند روز است که از تدفین او می گذرد!!

آهی کشیدم و با خودم گفتم: خدایا به تو پناه می برم که چگونه انسان با یک نگاه همه دینش را از دست می دهد؟!(1)

پاداش حفظ چشم

شایسته است در پایان این قسمت اندکی از پاداش و آثار حفظ چشم بر اساس روایات اسلامی سخن بگوییم تا دریابیم با حفظ چشم نه تنها از خطرهای بزرگی در امان می مانیم بلکه فضیلتهای با ارزشی را کسب خواهیم نمود

رسول گرامی صـلی علیه وآله اسـلام که فرمودنـد: «هیـچ مرد مسـلمانی نیست که نگـاهش به زنی بیفتـد و چشم خود را پایین اندازد، مگر این که خداوند

۱- داستان گناهکاران ص ۵۵، با اندکی تصرف.

متعال به او توفیق عبادتی را می دهد که شیرینی آن را در دل خویش

بیابد.(۱)

و نیز در روایت دیگری، آن حضرت حفظ چشم را از نگاه به نامحرم، سبب درک حلاوت ایمان بیان نموده اند.(۲).

امیر مومنان علیه السلام فرمودند: «کسی که چشم خود را پایین اندازده دلش را آسوده گرداند». (۳)

و نیز می فرمایند: «هر که نگاه هایش پاک باشد، اوصافش نیکو شود(۴).

از امیرمؤمنان علا- سؤال شد: برای حفظ چشم از گناهان از چه وسیله ای می توان کمک گرفت؟ امام فرمود: و با در نظر گرفتن قدرت خداوندی که بر نهانی های تو آگاه است». (۵)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را بر هم نهد، هنوز چشم برهم نزده است که خداوند از حورالعین به ازدواج او در می آورد».(۶)

۱- کنز العمال ج ۵، ص ۳۲۷،ح ۱۳۰۵۹
۲- میزان الحکمه: ج ۱۰، ص ۴۳۴۲
۳- غرر الحکم: ح ۹۱۲۲
۴- همان.
۵- شمعانی و میزان الحکمه: ج ۱۰، ص ۴۳۳۸
۶- وسائل الشیه:ج ۲۰،ص۱۹۳.

فصل سینزدهم: پاره ای از احکام واجب

پوشش زن

۱- بر زنان واجب است تمام بدن خود را به استثنای وجه وکفین صورت و دو دست از سرانگشتان تا مچ) از نامحرم بپوشانند. وجه و کفین را به دو شرط می توانند نپوشانند:

الف) وجه و کفین زینت نداشته باشند. ب) کسی به قصد لذت و ریبه (خوف در فساد افتادن) به وجه و کفین آنها نگاه نکند(۱).

۲- نمایان بودن زیر چانه، گردن، گوش، سینه و دستها بازو و ساعد) برای زنها جایز نیست و باید این مواضع را از نامحرم بپوشانند.

۳- جورابهای نازک که از زیر آن بدن نمایان باشد حکم پوشش را ندارد و خانمها باید از پوشیدن اینگونه جورابها در مقابل نامحرم اجتناب کنند.

۱- دلازم به ذکر است که نظر فقهای بزرگوار در این باره مختلف می باشد، برخی پوشاندن صورت و دستاها تامج را در صورتی که بدون زینت هم باشد واجبه می دانند. البته پوشاندن صورت و دستاها تا مچ در صورتی که زینت داشته باشد به اتفاق همه فقها واجب است. رجوع کنید به عروه الوثقی: ج ۲، ص۳۱۷

۴-پوشیدن لباس در رنگهای زننده و جلب توجه کننده در محیطهایی که نامحرم هست مانند دانشگاه و بازار و ... به فرض مهیج بودن حرام است.

زینت

۱- مراد از زینت هر چیزی است که عرفا زینت محسوب شود و مردم به آن زینت بگویند.

۲- خانمها می توانند همان قسمتی از صورت یا دست را که زینت کرده اند بپوشانند و پوشیدن بقیه صورت واجب نیست.

۳- بنابر احتیاط واجب خانمها باید موهای مصنوعی که به موی خود وصل کرده باشند یا کلاه گیس به سر گذاشته باشند را بپوشانند اگرچه موی وصل شده موی مرد یا زن باشد.

لباس مهیج

۱- پوشیدن لباسی که عرفا مهیج است و جلب توجه نامحرم می کند حرام است، چه برای زن و چه برای مرد.

۲- مهیج بودن لباس ممکن است به خاطر رنگ آن باشد یا مدل آن با جنس لباس و یا هر چیز دیگر؛ لذا گاهی روسری، مانتو، کفش و..... ممکن است به گونه ای باشد که جلب توجه نامحرم کند و مهیج باشد در این صورت پوشیدن آن جایز نیست.

ص:۱۷۲

لباس مختص

ا-پوشیدن لباس مختص به مردان برای زنان و پوشیدن لباس مختص به زنان برای مردان بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

۲- مراد از لباس مختص هر چیزی است که بـدان لباس صـدق کند چه بعد از پوشـیدن دیده شود مانند چادر، دامن، مقنعه و یا جوراب ساقه بلند برای مردان و یا کت و شـلوار، کفش مردانه و... برای خانمها، و خواه بعد از پوشـیدن دیده نشود مانند لباس زیر مردانه برای خانمها و یا لباس زیر زنانه برای مردان.

۳- پوشـیدن لبـاس مختص حرام است چه در خلوت باشـد و کسـی انسان را نبینـد و چه در اجتماع باشـد و در این صورت مرد باشد یا زنه محرم باشد یا نامحرم فرقی در حرمت ندارد.

۴-نـام زنـانه بـا مردانه بودن لباس آن را لباس مختص نمی کنـد بلکه اسـتعمال آن فقط توسط مردان یا فقط توسط زنان آن را لباس مختص میکند.

نگاه

۱- نگاه کردن زنها به بـدن مرد نامحرم (به اسـتثناء وجه و کفین و مقـداری که به طور عادت توسط مردان پوشـیده نمی شود) حرام است.

ص:۱۷۳

۲- نگـاه کردن به بازو یا سـینه یا جاهای دیگر از بـدن مرد نامحرمی که لباس نامناسب پوشـیدهماننـد آنکه لباس آستین کوتاه پوشیده باشـد و با یقه خود را باز گذاشـته یا لباس نازك و بـدن نما پوشـیده و... حتی اگر بدون قصد لذت و ریبه باشد، حرام است.

۳- اگر خـانمی بدانـد نـامحرمی با قصـد لـذت و ریبه به دست و صورت او نگاه می کنـد اگر چه صورت و دسـتهای او زینتی نداشته باشد، باید این دو موضع را از نامحرم بپوشاند.

نگاه به تصویر

۱- اگر نـامحرم در عکس، حجـاب کامـل را رعـایت نکرده است در این صـورت اگر مرد آن زن را می شـناسد نمی توانـد به عکس او نگاه : کند و اگر او را نمی شناسد می تواند به عکس نامحرم نگاه کند مشروط به آنکه به قصد لذت و ریبه نباشد.

۲- نگاه کردن به هر عکسی به قصد لذت حرام است به استثنای عکس همسر.

۳- فیلمی که به طور مستقیم پخش می شود حکم زنده را دارد و اگر به طور غیر مستقیم پخش می شود حکم عکس را دارد.

توضـیح: اگر فیلمی به طور مسـتقیم پخش شود احکام نگاه به آن فیلم همان احکام نگاه به انسان زنـده را دارد لذا مردانه نمی توانند به

ص:۱۷۴

غیر از وجه و کفین زنان نامحرم (آن هم بدون قصد لذت و ریبه) نگاه کنند و همچنین خانمها نمی توانند به بدن مردان که در فیلمهای ورزشی یا غیر آن به طور مستقیم پخش می شود نگاه کنند. همچنین اگر فیلم به صورت غیر مستقیم پخش می شود، نگاه کردن به زنان و مردان آن فیلم حکم نگاه کردن به عکس را دارد.(1)

صحبت کردن

۱-مردها می توانند با زن نامحرم صحبت کنند به شرط آنکه: - به قصد لذت و ریبه نباشد. . با این صحبت کردن به گناه گرفتار نشوند. ۲- خانم ها می توانند با مرد نامحرم صحبت کنند به شرط آنکه - به قصد لذت و ریبه نباشد.. . صدای خود را نرم و لطیف نکنند. - خوف افتادن در فتنه و مفسده نباشد.

اختلاط

اختلاط زن و مرد نامحرم مکروه است مگر آن که پیر مرد با پیرزن باشند..

۱- ر. ك. احکام روابط زن و مرد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص ۵۳.

توضیح: این کراهت در صورتی است که در مجلس هیچ وجه حرامی نباشد و الا اختلاط حرام است. مثلا اگر در مجلسی زنان حجاب کامل نداشته باشند و یا زینت کرده باشند و یا تماسهای بین زن و مرد به صورت حرام واقع شود، اختلاط حرام خواهد بود.

خودنمایی

خودنمایی کردن به منظور به گناه انداختن دیگری حرام است. به طور مثال: اگر خانمی به گونه ای خودنمایی کند که نگاه مرد نامحرم به او جلب شود و مورد توجه او قرار گیرد، حرام است. مثلا، لبخند زدن و خندیدن های بلند، شوخی کردن های بی مورد، راه رفتن های خاص.

فصل چهاردهم: پندهایی به جوانان

احفظ چشم

از خطرناک ترین آفت هایی که جوانان را تهدیـد می کنـد و هر لحظه ممکن است دختر یا پسـر جوان را به هلاکت و نابودی بیندازد، چشم چرانی و تماشای مناظر شهوت انگیز و یا نگاه کردن به نامحرم با قصد لذت است.

چشم چرانی به اندازه ای خطرناک است که در روایات اسـلامی منشأ بسیاری از گناهان و فسادهای جنسی معرفی شده و حتی با ایمان ترین افراد نیز برای حفظ ایمان خود باید از چشم چرانی پرهیز کنند،

امام صادق علیه السـلام می فرماینـد: چشم چرانی شـهوت را در دل می رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است»(۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام ما نیز می فرمایند: «چشم ها دام های شیطانند. (۲)

ص:۱۷۹

۱- وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۱۳۸

۲- میزان الحکمه: ج ۱۰، ص ۷۰

دام شیطان و اسارت در بند شهوت چیزی نیست که جوان بتواند به راحتی از آن رهایی یابد، پس قبل از آنکه انسان به اسارت شهوت درآید باید به فکر چاره ای باشد و راه غلبه و نفوذ شیطان را که همان نگاه های آلوده و شهوت انگیز است بر خویشتن ببندد؛ چرا که انسان اسیر دل است و دل در گرو دیده، و چه زیبا سروده بابا طاهر که: ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد بسازم خنجری نیشش ز فولاد زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

بنابراین به دختران و پسران جوان توصیه می کنیم که اگر می خواهند آرامش روحی داشته باشند و اسیر افکار و اعمال شیطانی نگردند در حفظ چشم بسیار بکوشند و مواظب باشند که به نامحرم و صحنه های تحریک آمیز نظر نکنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس نگاه حرام را برای رضای) خدا ترک کند، خداوند به او ایمانی می دهد که طعم آن را

می چشده. (۱)

رعایت حجاب اسلامی

خواهر مسلمانم! ارزش و بهای تو بسیار بالاتر از آن است که با بد حجابی وجود خود را مرکز چشم های بیمار قرار دهی و محبت خداوند را فدای محبت دروغین و فسادانگیز نامحرمان کنی و

۱- میزان الحکمه: ج ۱۰، ص ۷۰.

سعادت آخرت را به پای هوس های زودگذر و موقت دنیا بریزی.

خـواهرم ارزش و قیمت گـوهر وجودی تو بسـیار بیشـتر از آن است که خود را همچون کالاـیی در جـامعه عرضه کنی و بـا بی حجابی یا بـدحجابی بـدن خود را برای همگان به نمایش بگذاری. آیا می دانی همه جمال و زیبایی تو موقته و زودگذر است، و با فصل پیری طراوت جوانی با وجودته وداع می کنـد و کبوتر زیبایی از آشـیانه ات پر می کشد و چروکها و سـستیهای قوای جسمانی همچون مهمانی ناخوانده بر جان و جسمت هجوم می آورند.

خواهرم تو چگونه می توانی در آن روزگـار جمـال و طراوتت را حفـظ کنی. پس بکوش در جوانی بـا حفـظ حجاب اسـلامی طراوت روح و شادابی جان را فراهم نمایی و خود را از تنـدباد هوا و هوس نجات دهی و هیـچ گاه اسـیر حیوان صـفتان جامعه نگردی.

خواهرم! بدان که بسیاری از قتلها، تجاوزها، بی حرمتیها و طلاقها به علت بی توجهی به حجاب صورت می گیرد و این حجاب است که به زن شخصـیت و امنیت می بخشـد، پس در حفـظ آن بکوش و مرواریـد وجودت را در صـدف حجاب حفظ نما، و بدان که قیمت و بهای لعل به خاطر آن است که در دل صدف نهفته، و به راحتی قابل دستیابی نمی باشد.

مواظبت از دوستیها و معاشرتها

خواهر و برادر جوان! درست است که نیاز به دوست، یکی از

نیازهـایی است که در تمـام مراحـل زنـدگی انسـان مطرح است، امـا بایـد در انتخاب دوست توجه کرد که مبادا فردی فاسـد و آلوده باشد.

در ایـن بـاره پیـامبر اکرمصـبی علیه وآله که می فرمایـد: «از هم نشـینی بـا افراد بـد بـپرهیز؛ زیرا تـو به وسـیله آنهـا شـناخته می شوی.(۱)

امام صادق طلا نیز در این باره می فرمایند: «با تبهکاران فاسد دوستی نکن؛ زیرا گناهان و معاصی را به تو یاد می دهند (۲)

از امیرمؤمنان علی لا پرسیدند: بدترین دوست چه کسی است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «کسی که معصیت و گناه را در نظر انسان زیبا جلوه دهد. (۳)

چه بسا جوانان پاکدل و با فضـیلت که به علت معاشـرت و رفت و آمد با افراد فاسد و فاجر ارزشـهای اخلاقی خود را از دست می دهند و به سـقوط و انحطاط کشـیده می شوند. به تجربه ثابت شده، کسانی که با دوسـتان بد همنشین شده اند به گناهان و معاصـی آلوده گشـته اند؛ زیرا گنه کاران برای اینکه کمتر احساس گناه کنند، دیگران را نیز به سـرنوشت غم انگیز خود دچار می کنند. بسـیاری از دختران و پسـران که در وادی فساد گرفتار شده اند، عامل اصلی آلودگی و بیچارگی خود را همنشینی با دوستان ناباب ذکر می کنند و از دست دوست بد ناله و فغان دارند.

۱- نهج الفصاحه حدیث: ۱۰۱۲.
۲- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۲۱۰۰
۳- میزان الحکیه ج۵، ص۲۰۹۹

با بدان کم نشین که صحبت بد گرچه خوبی، تو را پلید کند

بنابراین دختران و پسران جوان، باید در انتخاب دوست بسیار دقت کنند و هر کسی را بدون اطلاع و آگاهی به عنوان دوست و رفیق خود بر نگزینند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «فاسد شدن اخلاق انسان به خاطر معاشرت و همنشینی با نادانان و سفیهان است و نیکو شدن و رشد اخلاقی نیز با مجالست و همنشینی عقلا حاصل می گردد».(۱)

بنابراین خواهر و برادر جوانم، کسی که شما را به مجلس حرام و معصیت دعوت می کند، کسی که روابط نامشروع و افعال حرام را به شما پیشنهاد می نماید و کسی که به شما سیگار و مواد مخدر تعارف می کند، این ها هیچکدام درست نیستند، بلکه دشمنانی هستند که خود را به شما در قالب دوست می نمایانند و شما را به مرداب هلاکت و گمراهی می کشانند. تاتوانی می گریز از یار بد بار بد بدتر بود از مار بد مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زئد

۴-

دوری از اختلاط

یکی از مهم ترین زمینه های فساد و آلودگی های اخلاقی در جوانان مسأله اختلاط دختران و پسران در جامعه، محل کار و تحصیل

۱- غرر الحکم :ح ۱۱۷۹.

می باشد.

امروزه بسیاری از محققان در کشورهای غربی به این نتیجه رسیده اند که اختلاط دختران و پسران در جامعه و محل کار و تحصیل یکی از علل اصلی پایین آمدن رشد تحصیلی و کاهش راندمان کار می باشد.

بنابراین خواهر و برادر جوان؛ باید حتی المقدور از اجتماعات مختلط دختران و پسران پرهیز کنند؛ چرا که این اختلاطها علاوه بر افت تحصیلی و کاری، باعث شیوع فساد و فحشا، مزاحمت ها و ناامنی ها برای زنان و دختران و بالا رفتن آمار طلاق و متلاشی شدن نظام خانواده می شود.

چه زیبا فرمود پیامبر گرامی اسلام : «زنان و مردان نامحرم را از یکدیگر جدا کنید؛ زیرا اگر بین آنها اختلاط و آمیختگی باشد، درد بی درمان، جامعه شما را فرا می گیرد».(۱)

تسریع در ازدواج

یکی از زیباترین کانونهایی که به حفظ نفس و مصونیت انسان در مقابل مفاسد و منکرات جنسی کمک می کند، ازدواج است.

امام رضا درباره ضرورت و تسریع در ازدواج دختران می فرماید: «روزی جبرئیل بر پیامبر اسلام صلی علیه وآله نازل شد و گفت:

۱- مرآه النساء: ص ۱۴۰

پروردگار به تو سلام می رساند و می فرماید: دختران به منزله میوه درخت هستند، میوه هنگامی که رسید چاره ای جز چیدن ندارد وگرنه آفتاب آن را فاسد، و یا دگرگون می کند. دختران نیز هنگامی که به بلوغ رسیدند، چاره ای جز ازدواج ندارند وگرنه از فساد ایمن نیستند. (۱)به همین جهت پیامبر اسلام می فرمایند: «کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است . (۲)

همچنین پیامبر خدا درباره اهمیت و محبوبیت ازدواج در نزد خداوند می فرمایند: «هیچ بنایی در اسلام از ازدواج در نزد خدا محبوب تر نیست.(۳)

البته در سالهای اخیر موانع زیادی بر سر راه ازدواج جوانان قرار گرفته که فهرست وار می توان به موارد زیر اشاره کرد.

- توقعات بالای خانواده ها، با دختر و پسر در ازدواج ۲- تشریفات، تجملات، خرجهای زاید و چشم و هم چشمیها. ۳- تحصیلات بی هدف و ناکارآمد و طولانی. ۴- بیکاری و فقر مالی در بین جوانان. .. - گرانی و هزینه های سنگین ازدواج و تهیه مسکن - رواج بد حجابی و بی بند و باری و ابتذال در جامعه. ولی اگر کسی تصمیم بر ازدواج داشته باشد، و بخواهد خود را از

ص:۱۸۵

۱- بحار الأنوار: ج ۱۱، ص ۲۲۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳

۳- وسائل الشیعه ج ۱۴، ص ۳

آلودگیها حفظ نماید، می تواند با وجود تمام این مشکلات، باز هم ازدواج کند، به شرط آنکه مقداری از توقع های خود بکاهد و به خدا توکل داشته باشد. خداوند در قرآن کریم سوره نور وعده داده که از فضل و کرمش به چنین افرادی روزی دهد و آنها که زیر بار ازدواج نمی روند، در حقیقت به رزاقیت خداوند بی عقیده اند(۱)

پرهیز از رفتارهای ناشایست در جامعه

یکی از مسائلی که زمینه انحراف و سقوط دختران را فراهم می کند رفتارهای جلف و سبک گری است. که به صورتهای مختلفی نمود پیدا می کند؛ گاه با عشوه و ناز، راه رفتن در کوچه و بازار؛ پرسه زدن با آرایش و بدحجابی در ساعات خلوت روز خندیدن های بی مورد با صدای بلند؛ صحبت کردن بی علت و بیهوده با نامحرمان، ظاهر شدن در جامعه با لباسهای جذاب و آرایش های تند و...

در تحقیقات میدانی به عمل آمده معلوم شد؛ درصد دختران سبک و جلف به مراتب بیشتر از پسران آلوده و فاسد است و اصولاـ یکی از زمینه های گسترش فساد جوانان همین بی بند و باری دختران است. دخترانی که در کوچه و بازار با لباسهای تنگ، و آرایشهای تند به خنده و شوخی می پردازند؛ آیا دختران سالم و شایسته ای هستند؟ و آیا چنین حرکاتی افراد هرزه و آلوده را به دنبال خود نمیکشد؟! چنین

ص:۱۸۶

۱- سوره نور آیه ۳۲

پنـدهایی به جوانـان دخترانی بایـد بداننـد؛ گرچه ممکن است در ظاهر مورد توجه جوانهای آلوده قرار بگیرد، اما در واقع هیچ قیمت و ارزشـی ندارنـد. چرا که جوانان فاسـد هم، آنان را برای ازدواج و همسـری انتخاب نمی کنند. بنابراین آنان با حرکات جلف و سبک، در حقیقت زمینه انحراف و نابودی شخصیت خود را فراهم می کننـد. و هیـچ گاه لیاقت مادر بودن و تشـکیل خانواده را پیدا نمی نمایند.(۱)

پرهیز از مد و مدگرایی

ترویـج مد و مدگرایی از جمله نمونه های بارز تهاجم فرهنگی در بین جوانان است. گرچه طبع انسان، تنوع طلب و نوگراست. اما حالت تنوع طلبی و نوگرایی در حـد معقول، فطری و طبیعی است و به خوبی روشن است بین توجه به زیبایی و تنوع در حد معقول آن با غرق شـدن در مدگرایی و هر روز به نوعی لباس پوشـیدن و به گونه ای خاص سـخن گفتن، بسـیار تفاوت است؛ زیرا مشوقان مدگرایی ، نه تنها با لباس بلکه با نحوه سخن گفتن، به کار بردن اصطلاحات، چگونه برخورد نمودن، کیفیت غذا خوردن، چگونگی برگزاری مراسم ها و... سعی میکنند مدهای غربی را در میان جوانان ما ترویج دهند، گرچه آراستن ظاهر و لباس پوشیدن در این میان نقش بسزایی دارد.

بدون شک کسانی که با سوء استفاده از اصل تنوع طلبی، ترویج

ص:۱۸۷

۱- برای ریحانه: ص ۵۰ – ۴۹، با اندک تعرف.

مـد می نماینـد، در فکر رایـج کردن فرهنـگ غرب و سودجوییهـای خودشان هسـتند. سـرمایه داران بزرگ برای این که چرخ کارخانه هایشان از حرکت باز نایستد و ثروت های کلانی بـدست آورنـد در اشاعه مدهای جدید می کوشـند و گاه این تبلیغ حتی طبقه متوسط یا ضـعیف جامعه را چنان تحت تأثیر قرار می دهـد که سـعی می کنند، با قرض هم که شده، خود را از قافله مدگرایانه عقب نیندازند.

مهاجمان فرهنگی و سودجویان، سعی دارنـد به هر صورت که امکان دارد کالاهای خود را به فروش رساننـد، مخصوصا برای رسـیدن به این هدف، از زنان سوء استفاده می کنند؛ آنان با تولید انواع لوازم آرایش، سعی می کنند زنان ما را در مسیر دنیای غرب قرار دهنـد و در این میان با اسـتفاده از اهرم هاییماننـد آزادی زن، زیبایی زن، حقوق زن و... کار خود را مشـروع جلوه می دهند.

بدون شک، کسانی تابع مد و مدگرایی می شوند که به عقده حقارته دچار شده باشند و از درون، پوچ و فاقد شخصیت علمی معنوی و اجتماعی باشند و با مدگرایی بخواهند برای خود شخصیتی کسب کنند و توجه دیگران را به خود جلب نمایند و خود را به نحوی نشان دهنـد؛ پس توجه به مـدگرایی و افراط در تنوع، ریشه در فطرت آدمی نـدارد، بلکه ناشـی از عقده حقارت و نداشـتن شخصـیت انسـانی است. از این رو به جوانـان توصـیه میکنیم ضـمن اسـتفاده معقول از زیبایی ها و تنوع ها در این راه، مسیر افراط و زیاده روی را طی نکرده و به فرهنگ غرب بی توجه باشند؛ زیرا در غیر این صورت به یک آدم

غرب زده تبدیل خواهند شد که به قول جلال آل احمد: «آدم غرب زده پا در هواسته، ذره گردی است معلق در فضا، که با عمق اجتماع، فرهنگ و سنتها، رابطه ها را بریده است. آدم غرب زده به هیچ چیز اعتقاد ندارد، نان به نرخ روز خور است، همه چیز برایش علی السویه است نه ایمانی دارد نه مسلکی و نه مرامی، نه اعتقادی به خدا یا به بشریت. آدم غرب زده شخصیت ندارد، چیزی است بی اصالت. آدم غرب زده قرتی است، زن صفت به خودش خیلی می رسد و با سر و پزش خیلی ور می رود، به کفش و لباس و خانه اش خیلی اهمیت می دهد، همیشه انگار از لای زرورق باز شده. بدین طریق آدم غرب زده وفادارترین مصرف کننده مصنوعات غربی است، وجود این همه مشاغل و آن همه مصنوعات فرنگی برای او از وجود هر مسجد و بیمارستان و کارخانه ضروری تر است (۱)

راهکارهای پیشنهادی

اشاره

مسلم است که تهاجم فرهنگی دشمن، همواره در حال گسترش است. اگر اقدام شایسته ای صورت نگیرد، قطعا این غده سرطانی به تمام پیکره ایران اسلامی سرایت می کند و این دود سیاه که از شعله های آتش خانمان سوز فرهنگ غرب برخاسته به همه جا گسترش می یابد و با سایه شوم خود، مانع از تجلی فرهنگ اسلامی

۱- غربزدگی: ص ۱۴۱.

خواهد شد؛ لذا همان گونه که هنگام تهاجم نظامی، خود را آماده دفاع و فداکاری می کنیم، در جبهه فرهنگی هم باید با تمام امکانات به دفاع از فرهنگ اسلامی و دفع فرهنگ دشمن بپردازیم، وگرنه سنگرها را یکی بعد از دیگری از دسته خواهیم داد و زمانی به خود می آییم که کار از کار گذشته است. از این رو در این قسمت به بعضی از راهکارهای مفید برای بهبود وضعیت فرهنگی جوانان اشاره می کنیم:

تألیف کتاب های مفید

تألیف کتاب های مفید و مورد احتیاج جوانان با نظر به مسائل روز و سبک نوین، می تواند کارآمد و سازنده باشد، همان گونه که مرحوم شهید مطهری رحمهالله در جبهه فرهنگی برای دفاع از فرهنگ اصیل اسلامی به چنین کاری دست زدند. زمانی که اسلام را مخالف حقوق زن می دانستند و بر مسائلی مانند مهره ازدواج موقت، حق طلاق، تعدد زوجات و... اشکال می کردند و آن را هماهنگ با متقضیات زمان نمی دانستند؛ ایشان کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» را نوشتند. آن گاه که عده ای برای رسیدن به اهداف حیوانی خویش، حجاب را مانع آزادی و فعالیت زن می دانستند و جاهلان، منکر ضرورت حجاب از نظر قرآن می شدند، ایشان کتاب مسأله حجاب» را تألیف کردند. زمانی که عده ای از روشنفکران مسلمان، در تبیین جهان بینی اسلامی، تحت تأثیر بعضی مکاتب، راه افراط پیمودند، ایشان کتاب مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی را به رشته تحریر درآوردند. همچنین کتابهای «عدل الهی»، «اصول فلسفه و روش رئالیسم» و ... را

ایشان در دفاع از فرهنگ اسلامی در مقابل تهاجم های فرهنگی به نگارش در آوردند. پس یکی از راه های ارشاد و راهنمایی قشر جوان تألیف کتاب ها و مقالات سازنده و مفید است.

نظارت عمومی

دومین راه برای هدایت و ارشاد جوانان، نظارت عمومی است که دین آن را «امر به معروف و نهی از منکر» نامیده است. قطعا اگر

جامعه ای در برابر منکرها و ترویج فرهنگ بیگانه حساس باشد و با مشاهده نابسامانی ها تذکرهای لازم را به افراد ناآگاه بدهد می تواند نقش بسیار مهمی در دفع تهاجم های فرهنگی داشته باشد. البته این کار، چون که از اهمیت بسزایی برخوردار است، کسانی که امر به معروف یا نهی از منکر می کنند، باید صد در صد با سعه صدر و خوش اخلاقی به چنین کاری بپردازند. قرآن کریم عزت و شرافت مسلمانان را در گرو سه اصلی می داند و می فرماید: «کنتم خیر أمته أخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر و تومنون بالله، شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اید؛ زیرا امر به معروف و نهی از زشتی ها می کنید و ایمان به خدا دارد».(۱)

امر به نیکی ها و نهی از زشتی ها به اندازه ای مهم و اساسی است که می توان گفت: تمام انبیای الهی برای اجرای این دو اصل مبعوث شده اند، زیرا همه پیامبران مردم را به توحید، خداپرستی، تقواء

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰

عدالت و احسان دعوت می کردند امر به معروف و مردم را از شـرک، بت پرستی، خود پرستی، فساد، ظلم بر حذر می داشـتند (نهی از منکر). لـذا اگر جـامعه ای از این دو اصـل سـرنوشت ساز دست کشـید، موج فساد، جامعه آنها را در بر می گیرد و در لجنزار بدبختی فرو می برد.

تشکیل جلسات مذهبی

تشـکیل جلسات مـذهبی در مساجد و تکایا و آشـنا کردن جوانان با قرآن، معارف اسـلامی، تاریخ انبیا و امامان و نیز برگزاری مجالس سوگواری و میلاد، سخنرانی و خطابه های مذهبی، بیان تفسیر و معانی قرآن، اعتقادها و جهان بینی ها، می تواند عامل مهمی در رشد فرهنگی جوانان به حساب آید؛ زیرا عامل گرایش بسیاری از جوانان به آداب و فرهنگ غربی و بیگانه، نداشتن آشـنایی بـا تعلیمـات مـذهبی و فرهنـگ اصـیل اسـلامی است. اگر تعلیمات و معارف اسـلامی با نظر به نیازمنـدی های زمان و مسائل مورد نیاز جوانان با سـبک زیبا و دلپـذیر و اسـتدلالی تـدریس شود و گاهی به صورت سؤالها و مسابقه های فرهنگی - مذهبی طرح و بیان شود، قطعا نقش مهمی در گرایش جوانان به ارزش های اسـلامی و فاصله گرفتن آنان از ارزش های غربی دارد.

استفاده از فیلم و تئاتر

از دیگر راه های رشد و تعالی فرهنگی قشـر جوان، استفاده از هنر مخصوصا فیلم و تئاتر است. هنر همان گونه که می تواند در خدمت

فرهنگ بیگانه و عامل انحطاط جوانان باشد، می تواند در مسیر الهی و در خدمت نسل جوان قرار گیرد. از این رو ما از هنرمندان عزیز می خواهیم سعی کنند فیلم هایی بسازند که جنبه مذهبی، اخلاقی، ارزشی و فرهنگی داشته باشد و روح تعهد در انسان ها به چشم بخورد؛ زیرا بسیاری از جریان هایی که در کتاب هاست اگر جنبه تصویری و تجسمی به خود گیرد، قطعاً تأثیر آن در نسل جوان بیشتر و عمیق تر خواهد بود و هرگز از صفحه ذهنشان پاک نخواهد شد و تجربه، این واقعیت را ثابت کرده است؛ بنابراین بر هنرمندان متعهد کشورمان فرض است که در این موقعیت حساس از هنر خویش استفاده نمایند و آن را در خدمت ارزش ها و مبارزه با تهاجم فرهنگی به کار گیرند. با فیلم و تئاتر می توان تاریخ اسلام و زندگانی پیشوایان مذهبی و الگوهای برجسته دینی را به نمایش درآورد و نسل جوان را با فرهنگ خودی آشنا ساخت.

توجه بیشتر به مسجد و نماز

از آن جا که نماز نقش بسیار مهمی در دوری انسان از فساد و تباهی دارد، می تواند یکی از راههای کارآمد برای جلوگیری از انحراف نسل جوان به حساب آید. قطعا اگر جوانان ما با مسجد و نماز انس بگیرند و لذت ارتباط با خدا را درک کنند، هیچگاه حاضر نمی شوند خود را به لذت های حرام آلوده نمایند. نماز انسان را می سازد، روح را تزکیه می کند، زشتی منکرها را آن گونه که هست به آدمی نشان می دهد، موجب ریزش باران رحمت و هدایت بر

سرزمین روح می گردد، آدمی را از فساد و زشتی ها باز می دارد، نقشه های شیطان را نقش برآب می کند و انسان را بر هواهای نفسانی مسلط می نماید: «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر؛ همانا نماز انسان را از فحشا و زشتی ها باز می دارد».(۱)

از این رو جوانان عزیز باید سعی کنند ارتباط خود را با مسجد و نماز قطع نکنند و تلاش نمایند نماز را به موقع بخوانند تا لذت ذکر الهی و ارتباط با مبدأ هستی را که قابل مقایسه با هیچ لذتی نیست، درک کنند و دست اندرکاران امور فرهنگی کشور باید زمینه ارتباط جوانان را با مسجد و نماز فراهم کنند تا از آسیبا تهاجم فرهنگی در امان بمانند؛ زیرا دشمنان، هنگامی به تهاجم فرهنگی خود امیدوار هستند که بدانند جوانان یک کشور از مسجد، نماز و معنویت فاصله گرفته اند.

۱- سوره عنکبوت: آیه ۴۵

فهرست مطالب کتاب

ص: ۱۹۵

دستاوردهای علمی موسسه جهانی سبطین علیه السلام

۱. فقه الإمام جعفر الصادق علیه السلام : تألیف علامه محمد جواد مغنیه علیه السلام ، تحقیق مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام، چاپ سوم، (۶ جلدی) ۲ - قصص القرآن الکریم دلالیاً وجمالیه، تألیف دکتر محمود البستانی چاپ دوم (۲ جلدی). ۳- محاضرات أمام الخوئی قدس سره فی المواریث: به قلم سید محمد علی ترسان. ۴- أدب الشریعه الاسلامیه : تألیف دکتر محمود البستانی۵- بضعه المصطفی صلی علیه وآله : تألیف سید مرتضی الرضوی، تحقیق ویرایش مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام. ۶ - الحتمیات من علائم الظهور: تألیف سید فاروق بیاتی موسوی، چاپ سوم تحقیق وویرایش مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۷-المولی فی الغدیر: تألیف گروه پژوهش ها و مطالعات مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام۸- عقیله قریش آمنه بنت الحسین: تألیف سید محمد علی الحلو، چاپ دوم تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۹- انصار الحسین الثوره والثوار: تألیف سید محمد علی الحلو، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام۱۰- هویه التشیع : دکتر شیخ أحمد الوالی رحمهالله . چاپ سوم تحقیق مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۱۱- معالم العقیده الاسلامیه: گروه پژوهش ها و مطالعات مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۱۲ - التحریف والمحزنون، تألیف سید محمد علی الحلو، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام

ص: ۲۰۲

۱۳ – الحسن بن علی علیه السلام : تألیف سید محمد علی الحلو، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام

۱۴ – الشیعه وفنون الإسلام: تألیف مرجع بزرگ شیعه سید حسن صدر قدس سره، تصحیح

مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۱۵ – تحن الشیعه الإمامیه وهذه حقائدناء تألیف سید محمد الرشی الرضوی، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۱۶ – لماذا اخترنا مذهب الشیعه الأمامیه: تألیف سید محمد الرضی الرضوی، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام۱۷ – المثل الأعلی: تألیف سید محمد الرضی الرضوی، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۱۸ – عصر الغیبه الوظائف والواجبات: تألیف شیخ علی شطری، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین

۱۹– بحوث عقائدیه: کریدهای از مباحث کلامی آیت الله العظمی خوئی قدس سرو ۲۰ – العروه الوثقی والتعلیقات علیها: (گردآوری و تدوین ۴۱ تعلیقه بر کتاب العروهالوتتی) تألیف آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی ته توسط مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۲۱– تفسیر القرآن الکریم (جلد اول): تألیف سید المرتضی علم الهدی، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۲۲ – هدیه الزائرین وبهجه الناظرین (فارسی): تألیف مرحوم شیخ عباس قمی رحمهالله تحقیق وتصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۲۳ – اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد اول (فارسی): تألیف آیت الله سید عبدالحسین طیب، تحقیق و تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۲۴ – اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد دوم (فارسی): تألیف آیت الله سید عبدالحسین طیب، تحقیق و تصحیع مؤسسه جهانی سبطین علیع السلام ۲۵ – مهربانترین نامه (شرح خطبه ۳۱ نهج البلاغه): تألیف سید علاء الدین موسوی اصفهانی ۲۶ – قطره ای از دریای غدیر: گروه پژوهشها و مطالعات – بخش فارسی، مؤسسه جهانی علیه السلام.

۲۷ – پرسش ها و پاسخ های اعتقادی: گروه پژوهش ها و مطالعات – بخش فارسی،

مؤسسه جهانی سبطین عله السلام . ۲۸ – غربت باس: گروه پژوهش ها و مطالعات – بخش فارسی، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۲۹ – روز شمار تاریخ اسلام: گروه پژوهش ها و مطالعات – بخش فارسی، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام۳۰–باب، حریم پاکی ها: گروه پژوهش ها و مطالعات – بخش فارسی، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۳۱–سکینه (س)، پرده نشین قریش: تألیف سید محمد علی الحلو، بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۳۲ – شهادت حضرت فاطمه (اردو): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام . ۳۳ – قطره ای از دریای غدیر (اردر): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام . ۳۴ – مهربانترین نامه (مشفقانه وصیت نامه) (آردی): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۳۵ – سکینه (س)، پرده نشین قریش (انگلیسی): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۳۶ – شهادت حضرت فاطمه ا (انگلیسی): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام۳۷ – سپاهنی پیرامون امامت (انگلیسی): گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه – بخش انگلیسی مؤسسه جهانی بسیطین علیه السلام ۳۸ – مفاهیم قرآنی (انگلیسی): گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام ۳۰ – علوم قرآنی (انگلیسی): گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه – بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین . ۴۰– مباحثی پیرامون نبوت (انگلیسی): گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه – بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹